

توجه عمیق و نه هیجانی

فتح الله سلمی

در روزهای اخیر دو حادثهٔ تلخ از پشت سر گذاردن اربعین باشکوه و بی‌نظیر ۱۳۳۸ هجری قمری که تاکنون سابقهٔ نداشته، شیرینی این نمایش قدرت منوی بی‌بدیل شیعیان ابا عبدالله الحسین(ع) را تا حد زیادی از ما گرفت.

در حالیکه میلیون‌ها زائر مسلمان از ایران و جهان و از سراسر عراق اجتماعی عظیم را در کمال امنیت و وقار رقم زدند و درسی از شینگی و عشق به ساخت خاندان پیامبر و اهل بیت عصمت را به جهانیان دادند، جایتکاران تکفیری بعد از اتمام مراسم اربعین و در میری فرعی که مسیر اصلی حرکت زوار نیست، با انفجار یک خودروی بپ‌گذاری شده در پمپ‌بنزینی در حد ده‌ها نفر از مسلمانان را به خاک و خون کشیدند که نزدیک ۵۰ نفر از این تعداد را زائرین ایرانی تشکیل می‌دادند. هنوز غم این حادثه دلخراش داغ داغ بود که این بار جمعی از زائران بارگاه نورانی امام هشتم، حضرت رضاع(ع) در حادثه عجیب برخورد دو قطار با یکدیگر، با مرگ دلخراش خود موجب داغداران ملت در دههٔ آخر ماه صفر و در آستانهٔ مناسبت جان‌انگاز اربعین روزهای این ماه شدند. حادثه تلخی که در مقایسه با حادثهٔ تألم‌نار حله، این‌بار در جغرافیای این سرزمین و بدلیل خطای انسانی رخ داد و به هیچ‌چیز نباید ساده از کنار آن گذشت.

جان انسانان چه در نزد خداوند و در قافوس هر انسان یا وجدان و هر مکتب و مرام بشری، از هر چیز دیگری پالزش‌نیو است.

به همین اعتبار باید سبخت نسبی به حفاظت از جان شهروندان حساس بود و نباید ساده و بی‌تفاوت از کنار آن گذشت. ابراز محمدری و عرض تسلیت به خانواده‌های وفادار کثرترین کاری است که هر صاحب قلمی در این دو رویداد می‌تواند ابراز کند و عذرخواهی و پوزش‌های مستولان اثر دهن‌مطور. اما آیا از این حادثه نیز چون بسیاری از حوادثی که در این کشور اتفاق افتاد و چند روزی در صدر اخبار قرار می‌گیرد، باید اقدام و حرکت اساسی می‌توان بررسی ریشه‌ها و عوامل ایجابی چنین اتفاقات تلخ و دلخراشی را نادیده گرفت و از اصل مسأله غفلت کرد؟ متأسفانه شاهدیم که در بدلیل وقوع این دو رویداد عدای از اهالی رسانه در یادداشت‌هایشان و نیز عدای از شخصیت‌ها و مقامات سخبن از استعفاي وزیر راه به میان آورده‌اند و حتی تنی چند از نمایندگان محترم مجلس بحث طرح استیضاح وزیر را مطرح کردند. در این که جان انسان‌ها و شهروندان از اهمیت فراوانی برخوردار است کوچکترین شکی نباید داشت اما سسبن از برکناری وزیر راه که از وزرای باکارنامه و خوشفکر و با برنامه‌کنیبه است کدسایب از مشکلات ساختاری این وزارتخانه را حل می‌کنند؟

گفته می‌شود که در جاهای دیگر دنیا چنین رسیی وجود دارد. بسیار خوب، این کار هم انجام شود. اما آیا جهنم وحشی و دانیی معضلات، همین است؟

در این که این حادثه و هر حادثه دیگری از این دستست که با جان شهروندان در ارتباط است باید کالبد شکافی و با مقصران آن بدون اغضاخ و با قاطعیت برخورد و از تخرار حوادثی از این دست جلوگیری شود تردیدی نیست اما حل اساسی مسأله چون هر مسأله دیگری نیازمند آسیب‌شناسی درست علل ایجابی آن و نیز لزوم حل ریشه‌ای مسأله است. همچنان که بعد از افزایش ناوخت هوا صحبت با برکناری رئیس سازمان مسأله نیست بدون شناخت عوامل ایجابی و حل ریشه‌ای مسأله، سطحی نگری تمام است. واقعیت این است که ما در تأمین زنجیر زیرساخت‌های این وزارتخانه کوتاهی‌های فراوانی داشته‌ام. در دوران وفور درآمدهای ارزی با وجود علم به ضرورت گسترش شبکه ریلی کشور که از عوامل اصلی توسعه به حساب می‌آید به شدت کوتاهی کرده‌ام. آنهم با این توضیح که اگر در مورد هواپیما و تأمین آن دچار مشکلات تحریمی بودیم در این مورد چنین محدودیت‌هایی حداقل با این حجم نداشته‌ایم.

شوربختانه آن‌زمان که می‌بایست به فکر گسترش شبکه و رزومندی حمل و نقل ریلی می‌بودیم غفلت کردیم. حتی در همین دولت هم با وجود تمام مشکلات بودجه‌ای، مردم مناسبی را برای سرمایه‌گذاری در این بخش نداشتیم که البته باید اذعان کرد که دولت جدید هم منابع چندان چشمگیری نمی‌توانست برایش در نظر بگیرد اما این با وجود بازم به این بخش کمتر عنایت ششد. شساید این حادثه تلخ باعث ششود که ما بیش از پیش به ضرورت توجه بیشتر به لزوم توجه به شبکه حمل و نقل ریلی و ضرورت سرمایه‌گذاری در آن اری بريم. هنوز مردم ما هنوز آن‌که بتوانند با چند مسافرت کنند اکثرا برای تهیه دلار دچار مشکل می‌شوند. هنوز بسیاری از مناطق کشور به شبکه ریلی متصل نیست. هنوز سهم شبکه حمل و نقل ریلی در ترازینات و حمل و نقل، نسبیست یا آنچه که باید باشد ندارد و همه این‌ها نیازمند توجه عمیق و برنامه‌ریزی کلان و جذب سرمایه و نگاه توسعه‌محور است که باید در سطح کلان دیده شود و به مرحله اقدام و عمل برسد.

حادثه قطار مسلمان بسیار تلخ و جانگذاز بوده و هست. به هیچ‌وجه به نم نباید ساده از آن گذشت و با مقصران حادثه نیز باید برخورد کرد و جلوی تکرار آنرا هم حتما باید گرفت اما حرکت‌های احساسی و ششازنده و مرقفی و هیجانی بدون اقدام برای حل مشکلات ساختاری این بخش، چاره حقیقی کار نیست.

رهبر معظم انقلاب:

حل ریشه‌ای مصائب در دناک مردم باید اولویت مسئولان باشد

حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی حوادث تلخ و دردناک شهادت ده‌ها نفر از زائران حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) در عراق و همچنین جانباختن و آسیب‌بدی جمعی از مسافران و زائران حضرت امام رضا (علیه‌السلام)، در پیامی ضمن طلب رحمت و مغفرت الهی برای درگذشتگان و دعا برای شفای آسیب‌دیدگان، تأکید کرد: مسئولان از این حوادث دردناک به آسانی عبور نکنند و دغدغه‌ی حل ریشه‌ای این مصائب و امثال آن از مسائل مردم را در صدر اولویت‌های خود قرار دهند.

حتی پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

جانه‌ی تلخ و اندوهبار شهادت ده‌ها نفر از زوار ایرانی و غیر ایرانی حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام در عراق و نیز حادثه‌ی دردناک تصادف قطار که به جانباختن و آسیب‌بدی جمعی از مسافران و زوار حضرت ابی‌الحسن‌الرضا علیه‌السلام انجامید، اینجانب را همچون دیگر هم‌میهنان و خانواده‌های عواراد، مصیبت‌زده کرد.

در حادثه‌ی اول، گروه‌های جانیکار و شقاوت‌بار تکفیری که راهپیمایی عظیم اربعین و امنیت بی‌نظیر زائران حسینی، چشم آنان را کور و توطئه‌های خیانت‌آلود آنان را خشتی کرده است، به انتقام بزدلانه و فجیع دست زدند و بار دیگر چهره‌ی حیثیت و مَئیتِ پلید خود را به همه نشان دادند. از مناطق دیگر جهان همچون نیجریه و پاکستان و افغانستان نیز خبرهای تلخ و تکان‌دهنده از جنایات هم‌مسک‌ان آنها می‌رسد و خطر جریان تکفیری و دولت‌های حامی آنان را بار دیگر به همه‌ی مسلمانان و دلسوزان گوش‌رشد می‌کنی.

در حادثه‌ی دوم نیز قصور یا تقصیر و بی‌تدبیری دست‌اندرکاران خانواده‌هایی را داغدار کرد و موجب جان‌باختن و آسیب‌بدی جمعی از مردم عزمزیمان شد.

اینجانب ضمن طلب رحمت و مغفرت الهی برای درگذشتگان و دعا برای شفای آسیب‌دیدگان و عرض تسلیت به خانواده‌های آنان، از مسئولان و دست‌اندرکاران در هر دو بخش داخلی و خارجی می‌خواهم که از این حوادث دردناک به آسانی عبور نکنند و دغدغه‌ی حل ریشه‌ای این مصائب و امثال آن از مسائل مردم را در صدر اولویت‌های خود قرار دهند و اکنون نیز سهمی تلاش خود را برای علاج مصدومان و انتقال جان‌باختگان و کاستن از مصائب داغداران به کار برند.

سَید علی خامنه‌ای

۶ آذر ۱۳۹۵

خاطرات یادگار گرامی امام از دیدارهایش با فیدل کاسترو



به من گفت من پیرم و دارم می‌میرم می‌گویم که تهران داشت و برای آمدن احترام به امام، به حرم ایشان آمدم. بعد از حضور در حرم به ساختمان کناری آمد و یک ساعتی صحبت کردیم.

موقع رفتن از او دعوت کردم که به دیدن بیت امام در جماران بیاید. بلافاصله پذیرفت و بسیار هنگام رفتن، من را به کویا کورید خود برد و بر خلاف فرایج رایج خیلی هم اصرار کرد. قالیچه‌ای را در کاغذ کاوو به ریسم هدیه می‌آفدیم کردیم، کاغذ کاوو، نقش یک ببر را در خود داشتند، بلافاصله کویا همی نشی رهبر ریتمام می‌گفت آمریکا برپ کاغذی است، مثل همین ببر کاغذی. فردا عصر به جماران آمدم.

بر خیالرف روز قبل که کت و شلوار سورمه‌ای پوشیده بود لباس نظمی به تن داشت. یک ساعت هم در جماران بود. نسبت به امام احترام و ارادت بسیاری داشت. موقع رفتن

آیت الله‌هاشمی رفسنجانی: با تکیه به مردم، انقلاب آسیب نخواهد دید

ایشان با درایت، آینده‌اندیشی و پیش‌بینی‌های لازمی که داشتند و با توجه به این که مطمئن بودند انقلاب به دلیل ماهیت ظلم‌پهنیزی خود، دلنست و در آینده دچار موانع و مشکلات تحمیلی داخلی و خارجی خواهد ششد، به فکر تأسیس نیروی مردمی‌سب ۲۰ میلیون افغاندد.

هاشمی رفسنجانی، افزود: انقلاب اسلامی‌ای را حضور پرشور مردم و بدون حمایت‌های خارجی نیاز دارد و با حضور و مشارکت مردم تازم یافت و کشوری که از چنگال استعمار و استبداد به دست مردم آزاد ششده بود، قطعاً برای ادامه هم به حضور مردم نیاز داشت و خواهد داشت.

وی افزود: طبیعی بسود که این انقلاب مردمی‌بود و ششخت کدورتی به نام مصدام در عراق و دشمنان جهانی ششد، لذا بیسج مردم می‌بایه با این مردم و جمع وسیع تهاجمات از ابداعات امام راحل بود که آثار ارزشمندش در تاریخ برجای گذاشت.

رئیس جمعیت تشخیص مصلحت نظام، دربارهٔ علل آن بررسی‌های لازم را انجام دهند و ضمن برخورد قاطع با مسببان احتمالی، نسبت به رسیدگی به امور مجروحان و تسلی‌ای خاطر بازماندگان سرعتر عمل کنند.

رئیس جمعیت تشخیص مصلحت نظام، با گرامی‌داشتن هشیج، به تاریخ‌چه‌ی تأسیس هیئت مستغنیین توسط امام(ره) اشاره کرد و گفت:

اخبار داخلی

رئیس جمهوری: حضور قدرت‌های منطقه در کنار هم مشکلات را حل می‌کند

دوجانبه می‌تواند در حل و فصل مسایل مهم تأثیرگذار باشد. آنچه امروز برای ما اهمیت دارد، ایجاد صلح و ثبات در منطقه، بازگشت مردم به خانه‌های خود و برقراری دموکراسی و حاکمیت توسعه مناسبات و همکاری‌های خوب و دوستانه

تهران – آنکارا را به دنبال خواهد داشت.
حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر حسن روحانی با اشاره به این که مردم ترکیه در حادثه کودتای نافرجام در این کشور نشان دادند به رأی خود و دموکراسی وفادار هستند و در شرایط کنونی جهان نمی‌توان کودتا را به مردم یک کشور تحمیل کرد، گفت: متأسفانه غرب در موضوع دموکراسی از استانداردهای دوگانه‌ای استفاده می‌کند و در مقام عمل به آنچه که در مورد دموکراسی و مردمسالاری می‌گوید، وفادار نیست.

وی با اشاره به این که ثبات و امنیت منطقه‌ای به ویژه در عراق و سوریه باید مبنای تعامل و همکاری باشد، گفت: همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در حل و فصل مسایل تأثیرگذار باشد.

وزیر خارجه ترکیه هم در این دیدار ضمن تسلیت شهادت زائران ایرانی در حمله تروریستی حله در عراق و کشته و مجروح شدن تعدادی از هموطنانم در حادثه برخورد دو قطار مسافری، در حمایت‌های دولت و ملت ایران از مردم ترکیه تقدیر و تشکر کرد.

«مسئود چاوشاوش اوغلو» با تأکید بر نقش سازنده و ارزشمند ایران در مسائل بین‌المللی و ضرورت برقراری صلح و مبارزه با تروریسم در منطقه، گفت: حفظ ثبات ارضی و اتحاد ملی و عراق و سوریه به نفع ایران و ترکیه و صلح و ثبات منطقه‌ای است.

«مسئود چاوشاوش اوغلو» با تأکید بر نقش سازنده و ارزشمند ایران در مسائل بین‌المللی و ضرورت برقراری صلح و مبارزه با تروریسم در منطقه، گفت: حفظ ثبات ارضی و اتحاد ملی و عراق و سوریه به نفع ایران و ترکیه و صلح و ثبات منطقه‌ای است.

گزارش جدید آسیب‌های اجتماعی به رهبر معظم انقلاب

تقدیم می‌شود

سرویس سیاسی – اجتماعی: وزیرکشور از ارائه گزارش جدید حوزه آسیب‌های اجتماعی به رهبر معظم انقلاب در دیدهبشتمه‌ام سال آینده خبر داد و دربارهٔ ارائه تروریستی اتوبوس زائران در حله و قطار سمنان توضیحاتی ارائه کرد.

عبدالرضا رحمانی فضلی در حاشیه‌ی شهادت و تجعین جلسه شورای اجتماعی کشور به ارائه گزارش قبلی این حوزه به رهبر معظم انقلاب اشاره کرد و افزود: دستگاه‌های اجرایی در این جلسه گزارش‌های مفصلی از اقدامات خود در مقابله با آسیب‌های اجتماعی ارائه و رسای قوا هم نظرات خود را در این باره اعلام کردند. رهبر معظم انقلاب هم فرمایشاتی راکشاش و هدایتگر داشتند. همچنین موفقت شدیم در شش ماه آینده جلسه دیگری در حضور ایشان داشته باشیم و گزارش عملکرد خود را با روبرکرد انجام دادیم. فرموده‌ای‌قلعه‌ی خدمت ایشان ارائه کنیم که این جلسه در دیدهبشتمه‌ام سال آینده برگزار خواهد شد.

وی تأکید کرد طی دو هفته آینده با دستگاه‌های ذیربط در این مقابله با آسیب‌های اجتماعی باید برنامه‌های فوق‌العاده خود برای ششش ماه آینده را ارائه کنند. در این برنامه‌ها باید بر استفاده از ظرفیت ۱۵ها تأکید جدی شود.دستگاه‌های ذیربط در این مقابله با آسیب‌های اجتماعی، ماموریت‌هایشان مشخص و مقرر شده است. موضوعات و شاخص‌های تعیین شده مورد پیگیری قرار گیرد. دستگاه‌های محکار در حوزه آسیب‌های اجتماعی، پروپاگنای خود را در این مقابله با آسیب‌های اجتماعی، ماموریت‌هایشان مشخص و مقرر شده است که در حوزه مقابله با آسیب‌های اجتماعی بر اساس وظایف تعیین شده اقداماتی را انجام دهند.

رحمانی فضلی افزود:دو موضوع ریشه‌ی‌های آسیب‌های اجتماعی و جریان‌سازی در جهت مشارکت مردم در حوزه مقابله با آسیب‌های اجتماعی مورد تأکید رهبر معظم انقلاب است.

بر همین اساس دو کمیته مفصل با حضور نمایندگان دستگاه‌های مختلف تشکیل خواهد شد.تا به طور مستقل این دو حوزه را به طور جدی مورد پیگیری قرار دهند. تا برنامه‌ریزی، ریشه‌یابی علت بروز آسیب‌های اجتماعی و جریان‌سازی برای جلب مشارکت‌های اجتماعی در حوزه مقابله با آسیب‌های اجتماعی تعیین شده مورد پیگیری قرار گیرد. دستگاه‌های محکار در حوزه آسیب‌های اجتماعی، پروپاگنای خود را در این مقابله با آسیب‌های اجتماعی، ماموریت‌هایشان مشخص و مقرر شده است که در حوزه مقابله با آسیب‌های اجتماعی بر اساس وظایف تعیین شده اقداماتی را انجام دهند.

رحمانی فضلی افزود:دو موضوع ریشه‌ی‌های آسیب‌های اجتماعی و جریان‌سازی در جهت مشارکت مردم در حوزه مقابله با آسیب‌های اجتماعی مورد تأکید رهبر معظم انقلاب است.

وزیر کشور در بخش دیگری از صحبت‌های خود با انتقاد از آنچه که در فضای مجازی کشور در حال رخ دادن است، گفت: متأسفانه علل و براری و دلگاری در فضای مجازی بسیار افزایش یافته است و حتماً باید با این موضوع برخورد کرد. متأسفانه آبرو، سوابق و… افراد در این فضا به بازی گرفته می‌شود، لذا در این باره نیاز به تذکر نیست و باید حتماً برخورد مناسب انجام شود.

در این باره هم هرجا مشکلی ایجاد شد، بنده به عنوان وزیر کشور بستر فضاحتی که چنین رویه‌ای را دارند، حمایت جدی خواهم کرد.

رحمانی فضلی تأکید کرد: این مناسب نیست حرفی توسط شخصیتی زده شود و پس از آن صد‌ها سخن‌پرازی برآی از این صفحات نوشته شود. این شیوه یعنی هزینه

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح گفت:برای تأمین نیازهای دفاعی خودمان به هر مرجعی که نیاز داریم باید به جزی آمریکا و رژیم اشغالگر قدس حتماً اعتماد ما برای تأمین نیازهای دفاعی خودمان را به هر مرجعی که قادر به تأمین آن نیازها باشد، به جزی آمریکا و رژیم اشغالگر قدس حتماً مذاکره کنیم.

وی در پاسخخ به سئوالی

جلسه رسیدگی به حادثه ۲ قطار مسافری با حضور معاون اول رئیس جمهوری

عمومی‌را در جریان جزئیات این اتفاق ناگوار قرار دهد.

جهانگیری با بیان این که در سال‌های اخیر راه آهن ایران شاهد پیشرفت‌های چشمگیری از جمله نصب سیستم‌های پیشرفته و تمام‌اتوماتیک بوده است و قطار به عنوان ترین سریع‌ترین سفر به حساب می‌آید، بر تألیش برتری کستر شدن حوادث ناشی از خطای انسانی در حمل و نقل و با مسافران همراهی با تأکید کرد و از کمیسون عالی سوانح راه آهن خواست در اسرع وقت با بررسی دقیق فوری و همه‌جانبه موضوع، عوامل و مقصران فوری این حادثه ناگوار را برای محاکمه به مراجع قضایی معرفی کند.

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به تأکید معظم رهبری، رئیس جمهوری و خواست مقامات رهبری، بر بررسی فوری و سربسریه این حادثه تلخ به ریاست مه‌ندس تران کاشاواور (رئیس جمهوری ریشه‌یابی این حادثه تا کمیت‌ها بررسی ابعاد مختلف این حادثه، در اسرع وقت گزارش کامل و جامع خود را ارائه کند. وی در این جلسه با دستور به وزرای بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کشور و نیز شناسایی سرچشمه جانباختگان و فراهم آوردن شرایط دفع اجساد، از رسانه ملی خواست با اطلاع رسانی دقیق و فنی ابعاد سانحه، افکار

رئیس جمهوری: حضور قدرت‌های منطقه در کنار هم مشکلات را حل می‌کند

وی با بیان این که کشورهای غربی به مسایله منطقه فقط به دنبال منافع خود هستند، خاطر نشان کرد: امروز تلاش برای برقراری آتش‌بس در سوریه، برقراری وحدت ملی در این کشور،



حل و فصل مسایل از طریق راه‌حل سیاسی و مبارزه جهانی و مشترک با گروه‌های تروریستی ضرورت دارد.

چاوش اوغلو با اشاره به آمادگی ترکیه برای تشکیل کمیسیون مشترک در کشور و ارتقاء سطح همکاری‌ها، گفت: باید تلاش کنیم تا هدف رسیدن مبادلات تجاری دو کشور به ۳۰ میلیارد دلار، محقق شود.

وزیر خارجه ترکیه همچنین بر ضرورت توسعه، تحکیم و تقویت مناسبات و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه و تعمیق روابط ایران و ترکیه تأکید کرد.

دیدار وزیران خارجه ایران و ترکیه

وزیر خارجه و رئیس سازمان امنیت ترکیه در حضور دو وزارت امور خارجه با محمد جواد طریف دیدار و گفتگو کردند.

سفر مولود چاوش اوغلو وهاکان فیلدان در ادامه رایزنی‌های مستمر دو کشور در زمینه‌های دوجانبه و منطقه‌ای صورت گرفت.

گزارش جدید آسیب‌های اجتماعی به رهبر معظم انقلاب

تقدیم می‌شود

شخصیت‌ها. نباید به اعتماد عمومی‌لطمه وارد شود، قطعاً حریم‌های اخلاقی و آبروی افراد خط قرمز است.

وزیر کشور همچنین دربارهٔ عملیات تروریستی حله و پیگیری دولت جمهوری اسلامی‌ایران گفت:

توجه به این که این عملیات تروریستی در کشور عراق انجام ششده است، به طور جدی در دستور کار وزارت امور خارجه قرار گرفته است تا پیگیری شود. رهبر رئیس جمهوری به ناهم‌ای در این باره نوشته‌اند تا با همکاری کشور عراق این موضوع به طور دقیق مورد پیگیری قرار گیرد.

وی افزود: قبل از برگزاری مراسم اربعین اعلام آمادگی کرده بودیم که باره تأمین امنیت زائران کشورمان، با کشور عراق مشارکت داشته باشیم اما این کشور پذیرفت که امنیت را خودش تأمین خواهد کرد. در سوات گذشته هم این باره طور مناسبی انجام داده است اما در مسیرهای فرعی با توجه به خالاهایی که وجود دارد و با توجه به ناآمیی‌ها دشمن از این فرصت استفاده کرده و دست به عملیات تروریستی زد است. بی‌تدبیر این حادثه برای ما دلخراش بوده است چرا که خانواده زائران چشم‌نظر این افراد هستند. تلاش می‌کنیم مسبابان این حادثه مشخص و مقرر شده است و در مراحل آنی هم امنیت اهل برقرار شود.

رحمانی فضلی درباره کاهش دمای هوا در استان‌های ششمالی و بروز مشکلاتی در جمله قطعی آب در این استان‌ها هم گفت: پس از بارش برف به ویژه در مازندران، عمده مشکل این‌ها گود چرا که این استان در انتهای خط گازرسانی قرار گرفته و این استان فشار گاز پایین است. البته گازرسانی به میزان مصرف و تولید وابسته است که در مراحل اولیه بروز این مشکل، همه عوامل دست به کار شدند و تمهیداتی همچون بازنگری مصرف گاز کارخانه‌ها و یا حتی تعطیلی بعضی از آنها انجام شد.

وی تأکید کرد: تلاش ششد ما مدیریت نیروها، گاز به استان‌های شمالی برسد اما با توجه به مسدود شدن این دو برخی نقاط این فعالیت‌ها دچار مشکل شد. ۱۲ گروه در استان‌ها مشغول به کار شدند تا برقراری‌ای گازرسانی را انجام دهند.

وزیر کشور با انتقاد از برخی اطلاع‌رلاس‌رسانی‌های نادرست در این باره افزود: همه کسانی که می‌توانستند اطلاع‌رسانی کنند به جای کمک به موضوع متأسفانه مشکل را برجسته می‌کردند قطعاً چنین شیوه‌ای کمکی به رفع مشکل نمی‌کرد. به دو مواقع بخرهان دست به دست یکدیگر بدهیم تا مشکل حل شود و بعد از حل مشکل می‌توان از مسئولان سؤال و در آن‌ها دربارهٔ نحوه عملکرد محبت کرد. بی‌تدبیر برجسته کرد این‌ها خود روی رویج مردم تأثیرات منفی خواهد داشت.

وزیر کشور با تأکید بر این که حضور گروه‌های تروریستی در کشورمان بزرگ و بیشتر نشده است، افزود: نیروهای ما با مسطله‌ای که دارند و با برخورد نواستندانه در حمایت‌های رانشناسی و با آنها باوجود خدمت انجام دادند. اخیراً هم گروه تروریستی در شرق کشور قصد انجام عملیات داشت که توسط نیروهای کشورمان شناسایی و با آنها برخورد شد.

وزیر کشور با تأکید بر این که حضور گروه‌های تروریستی در کشورمان بزرگ و بیشتر نشده است، افزود: نیروهای ما با مسطله‌ای که دارند و با برخورد نواستندانه در حمایت‌های رانشناسی و با آنها باوجود خدمت انجام دادند. اخیراً هم گروه تروریستی در شرق کشور قصد انجام عملیات داشت که توسط نیروهای کشورمان شناسایی و با آنها برخورد شد.

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح گفت:برای تأمین نیازهای دفاعی خودمان به هر مرجعی که نیاز داریم باید به جزی آمریکا و رژیم اشغالگر قدس حتماً اعتماد ما برای تأمین نیازهای دفاعی خودمان را به هر مرجعی که قادر به تأمین آن نیازها باشد، به جزی آمریکا و رژیم اشغالگر قدس حتماً مذاکره کنیم.

وی در پاسخخ به سئوالی

وزیر دفاع: خرید جنگنده «سوخو ۳۰» در دستور کار است

درباره اظهارات اخیر مقامات روسیه مبنی بر انعقاد قرارداد تسلیحاتی ۱۰ میلیارد دلاری با ایران، گفت: درباره این موضوع باید از روس‌ها پرسید که ما چرا جوده است، اما برای تأمین نیازهای دفاعی خودمان را به هر مرجعی که قادر به تأمین آن نیازها باشد، به جزی آمریکا و رژیم اشغالگر قدس حتماً مذاکره کنیم.

وی در پاسخخ به سئوالی

یکشنبه ۷ آذر ۱۳۹۵ ۲۷- صفر ۱۴۳۸ ۲۷-نوامبر ۲۰۱۶ سال نویدکم-شماره ۲۶۹۵۵

سماحت مرحوم آیت الله العظمی موسوی اردبیلی

علی اصغر شعردوست

عالم ربانی، قَیِّه صمدانی و مرجع انقلابی حضرت آیت الله العظمی‌عبدالکریم موسوی اردبیلی به عالم باقی شتافت و با شکوه و عظمت شیع و در جوار حضرت فاطمه معصومه روی در تیره تراب کشید. بیان فضائل اخلاقی، جایگاه علمی و انقلابی و ابعاد شخصیتی آید قَیِّه قدس سعید ضرورتی است که لابد، نسبت به آن اقدام خواهد شد. اما رقم این سطور به دلیل ارادتی که به معظم له داشتم و لطفی که ایشان به اینجانب داشتند، در ایام وفات ایشان بیان خاطره ای از مساحت آن مرجع انقلابی را برای ادای وظیفه بر خود فرض دانستم. امام جاعت مساحت‌الرویینین(ع) در سال‌های پیش از انقلاب، عضو شورای انقلاب و از سلسله جنبانان نهضت و جمهوری اسلامی که در این ایام دار فانی را وداع گفت، از یاران دیرین و صدیق امام بود که نام نورانی ایشان، قرین رخدادهای مهم دوران انقلاب اسلامی بود. از مهم‌ترین مسئولیت‌های ایشان، ریاست قوه قضائیه بود که از آن دوران خاطره‌ای دارم و به نشان ارادت به مساحت آن قَیِّه سعید خاطره را نقل می‌کنم... سال ۱۳۴۷ بود و اینجانب مسئولیت شبکه سراسری ص‌ادی جمهوری اسلامی‌ایران را برعهده داشتم. در آن سال‌ها به سبب جریان دفاع مقدس از سویی و محدودیت شبکه‌های تلویزیونی بود و شبکه آن هم در ساعات شب از سویی دیگر و هم وجود نیروهای توانا و قوی قلم، روابط مخاطبان فراوانی داشت. در روز هشتم بهمن ماه به مناسبت سالروز ولادت حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا(س) برنامه صحبتگاهی دو ساعتهت رادیو – به جای برنامه خانواده که به صورت رادیو پخش می‌شد– اختصاص به ویژه برنامه ای تولیدی در مورد آن حضرت و «روز زن» داشت. نوح برنامه ترکیبی و حاوی نمایش، شعر و آواز، گزارش و پخش‌های جذاب دیگر بود که در گروه معارف اسلامی‌رادیو تهیه شده بود.بعدازظهر آن روز بود که از منبئی مطلع شدم که با امام خمینی گزارش داده شده است، در یک برنامه رادیویی به ساحت مقدس حضرت زهرا(س) اهانت شده است و امام در این مورد حکمی صادر فرموده است. –البته به مورد چگونگی گزارش، انگیزه و اشخاص گزارش دهنده نکاتی وجود دارد که خارج از حوصله این مقال است –...گفته‌امند که چند روز پیش از آن، امام، از آبشسته شدن پرورنده‌ها در محاکم اظهار نارضایتی کرده و به رسیدگی دقیق و سریع و عادلانه پرورنده‌های قضائی تأکید فرموده بودند و اینکه امام حکمی‌صادر کرده بودند با این مضمون که توین کنندگان به ساحت حضرت زهرا باید مجازات شوند. با اینکه دستور امام به صورت نامه ای از لحن تند خطاب به جناب آقای محمدحاشمی‌صادر شده بود، اما من شاهد شخصیت صدای که اول مختلف و دستور حضرت برعهده قوه قضائیه است، با توجه به ابعاد مختلف از دستور حضرت ام، متن نامه معظم له را از صفحه ۷۶ جلد ۲۱ مجموعه صحیفه نور عینا نقل می‌کنم:

«آقای محمدحاشمی‌مدیرعامل صدا و سیماي جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی‌مطلبی در مورد‌الگوی زن پخش کرده‌است که انسان شرم دارد بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر اخرج می‌گردد و دست‌اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توین در کار بوده است، بلاشک در توین‌کننده معمم به ساحت امام است. اگر بار دیگر از این گونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیماي جمهوری اسلامی‌است. البته در تمامی‌زمینه‌ها قوه قضاییه اقدام می‌نماید. حالا چند روز بعداز زاین قضایا، هم‌چون محاکم، قوه قضائیه می‌خواست با تحکم و فوریت حکم امام را عملی کند. صبح روز بعد شوی‌ای‌قوه قضائیه رسیدگی را به دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران محول کرده بود که محل آن در مجاورت ساختمان رادیو بین مدانی پانزده خرداد بود. ساعت حدود ۹ صبح چند ضابط قضایی به رادیو مراجعه و همه عوامل دخیل در تولید و پخش برنامه ام را نوبسند، تهدید کردند، گزارشگر، سربر برنامه، مدیر گروه معارف و مدیر کل پخش این مدیر گروه نظارت رادیو را با خود بردند...روایت شده هنوز از ساختمان پخش‌ها که با خود جرم به تولید رادیو در پانزده خرداد برگشته بود. گفتیم فوراً نوار را بیاورند. موضوع مورد بحث، گزارش تهیه شده از باشگاه جابجایی و همه کس صاحب‌شده گفته بود: در انتخاب کلبی برای نسل ما شان و شرایط حضرت زهرا طوری است که ما نمی‌توانیم به حضرت زهرا نزدیک شویم و از او تبعیت کنیم، بلکه بایدالگوی مانند «الوشین» را به زمان و شرایط ما نزدیک‌تر است برای خود اگر کار داریم. اولین بازنگری سربال معارف راینی با نام «سپاهای خود از خانه» است که به عنوان دختر روستایی با رنج فراوان و در عین ناداری در آن تلاش و تحمل سختی‌ها به مراب همی‌ای موفقیت دست یافته بود. فراموش نمی‌کنم که در آن جلب افراد دست‌اندرکار برنامه و رسیدن نسوار چندینس بار به اتفاق برخی همکاران و معاونین آن را به دقت گوش کردم. سناط وجود و بعد یعنی من نمود، اما این چند نفر مدیران و برنامه سازان خود را به حال بازرسی آوردی برای اینکه قاضی پرونده موضوع را با مستند آن مورد بررسی قرار دهد. نوار را از حرقه ای به کاست منتقل کردم و در حالی که بعضی از همکاران از جمله جناب عبدالحمیدنگران خبردار بود، ورزش و تفریحات سالم بنسده را هرهمی می‌کرد، طول حیاط رادیو را طی کردیم. رادیو و دادسرا پارکینگ مشترکی داشتند. خبر اورد که آن روز بسیار ملتب بود و چندینار به دادسرا مراجعه کرده و خبر اورد که با ملاطضی گفت: قاضی که دارد سوار خودرویش می‌شود که برود. نزدیک شد و گفت: برای اینکه در قضوات مستند مردم بحث را بداند، بایدش، نوار را می‌خواستم به حضوران بیاورم. ایشان خود را به کرد و گفت: احکامشان را صادر کردم و در حال انتقال به زندان هستند. تلاش‌های ما و سایر مقامات قضائی مقامات قضائی برای تجدید نظر بی نتیجه بود. تا اینکه دست به دامان مرحوم آیت‌الله‌عظمی‌موسوی اردبیلی شدم. معظم له از بررسی موضوع از اشخاص مورد اطمینان و بویژه با ملاطضی سوابق و اعتقادات مثبت مذهبی آنان در مقام رسیدن قوه قضائیه نام‌های خدمت امام نوشتند و تقاضای عفو برای همکارانمان کردند. این اقدام می‌بسیاربه آیت‌الله موسوی اردبیلی مورد موافقت امام خمینی(ره) واقع شد. وقتی نامه موافقت امام با عفو همکاران را گرفتم، من که از روند اجرای احکام قضائی اطلاع نداشتم، فکر می‌کردم همان ساعت که نامه آیت‌الله موسوی اردبیلی که ذیل آن حجت‌الاسلام‌المسلمین محمدعلی‌نصاری‌مورد موافقت امام با عفو را مرقوم فرموده‌اند، به زندان قصر برسانم آنها آزاد خواهند شدد. اما آن سید شوخ رئیس زندان ضمن آنکه رهاشمی کرد که آن‌امه باید از طریق اجرای احکام گذشتگی به ما اطلاع شدد. گفت: خدا آقای موسوی اردبیلی را حفظ کرد برای راهیای بچه‌های رادیو از خودگذشتگی کردند، اما می‌دانی اگر این بچه‌های عمیقاً متدین و فرهنگی چند سال مهمان ما بودند. چه در اصلاح در جهت زندان و زندانی‌ها پیش می‌آمد؟ در این جریان رئیس وقت صدوا سیما جناب محمدحاشمی‌رفسنجانی از لحظه ورود همکاران به زندان قصر با حضور خود و اقدامهای متعدد باعث وقت قلب بودند. همچنین جناب محمدعلی ایزدی مدیر کل صدای جمهوری اتلفی، که ارتباط یقینی با دفتر حضرت امام داشتند در تبیین اعتقادات متنی مدیران رادیو بسیار کوشیدند و بالاخره جناب کرم ابوالقاسم قاسم زاده – داماد آیت الله موسوی اردبیلی – که آن مقطع معاون فرهنگی صدای جمهوری اسلامی‌ایران بودند، تلاش‌های فراوانی داشتند. بنده هم به وظیفه خود در حمایت از قربانان این اقدام رادیو عمل کردم، اما نام آیت الله‌العظمی‌موسوی اردبیلی قرین این اقدام بارزش در تاریخ قضا و فرهنگ انقلاب اسلامی‌ماندگار شد.

مراسم سوگواری رئیس جمهوری

و اعضای دولت به مناسبت ۲۸ صفر

مراسم سوگواری ۲۸ صفر،رحلت‌حضرت‌ختمی‌مرتبت‌محمدمصطفی(ص) و شهادت حضرت امام حسن مجتبی(ع) و علی ابن موسی‌الرضا(ع) (دیروز با حضور حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر حسن روحانی و اعضای هیات دولت، در دفتر رئیس جمهوری برگزار شد.

در این مراسم معنوی که جمعی از وزرا و معاونین رئیس جمهوری، مدیران و کارکنان دول و نهاد ریاست جمهوری حضور داشتند، پس از مرتبه‌سرای یک (ام‌داحان‌الیه‌بیت) در نماز چهار پیجم‌عظیم‌الشان(اسلام‌) و شهادت امام حسن(ع) و امام رضا(ع)، حجت‌الاسلام‌المسلمین سیدهدی طباطبائی استاد اخلاق و از پیشگامان مبارزات ضداستعماری و ضداستبدادی، سخنرانی کرد. حجت‌الاسلام‌المسلمین طباطبائی با تشریح تحولات امام یازدهم هجری قمری، سال رحلت پیامبر عظیم‌الشان اسلام(ص)، محور سخنان خود را به بحث ظاهر و باطن قضایا در زندگی اجتماعی از دیدگاه این مکرِم اسلام اختصاص داد.

وی با تأکید بر ضرورت توجه رسانی به مردم، خطاب به کارکنان و ویژه‌اعضای دولت گفت: بنده به امید به هر میزان که تلاش کار و نگاه شد و بلداند خداوند کمک می‌کند و مردم از زحمات و تلاش‌هایی که منجر به حل بسیاری از مشکلات شده است، آگاهند.

در پایان از این مراسم، نماز ظهر و عصر به امامت حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر روحانی اقامه شد.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، استانتاران آذربایجان شرقی و سمنان، رئیس راه آهن ایران، رئیس اورژانس کشور و سایر مسئولان مرتبط با حادثه تصادف قطار حضور داشتند. علشوری رئیس کمیسیون عالی سوانح راه آهن در گزارش اولیه خود از نحوه بروز سانحه، عملکرد سیستم اتکروپیتی هوشمند، مدیریت تولد و نقل ریلی را بدون خطا ارزیابی کرد و تصمیم نادرست و خطای فاشل انسانی

چند نفر نظیر لوکوموتورران، مسئول مسئولیت کنترل کتزل کننده هوشمند و مسئول کنترل خط را از عوامل بروز این حادثه ناگوار دانست.
وی با اشاره به این که همه مکالمات میان لوکوموتورران، مسئول مسئولیت کنترل کتزل کننده هوشمند و مسئول کنترل خط ضبط شده است، گفت: در اولین فرصت ممکن این کمیسیون نظصری‌

اطلاعات

اشاره: در روایت اصلی درباره سالروز ارتحال جانسوز پیامبر اکرم(ص) وجود دارد: بیست و هشتم صفر (که عمدتا شسیحیان به آن باور دارند) و دوازدهم ربیع‌الاول (که عمدتا پرادان اهل سنت آن را اصیل می‌شمارند). آنچه در پی می‌آید، بخش از کتاب مفصلی است که استاد رسولی محلاتی درباره پیامبر خاتم(ص) نگاشته‌اند (که، بدین بخش مربوط به روزهای پایانی حیات مبارک ایشان و شمار خواهد شد که از آغاز بیماری آن حضرت و حوادث آن ایام به موضوع پرداخته می‌شود؛ همچون احتمال حمله روم شرقی به سرحدات قلمرو اسلامی و اعزام سپاه اسامه به آن منطقه.

پیامی پیامبر(ص)

اسامه فرزند زید بن حارثه بود که پدرش زید در جنگ موته به شهادت رسید. رسول خدا(ص) پس از مراجعت از سفر حجه الوداع، که خیالش از دشمنان داخلی عربستان تا حدود زیادی آسوده شده بود و پیوسته در اندیشه رومیان بود که از ناحیه شمال، کشور عربستان را تهدید می‌کردند و برای اسلام و مسلمان خطر بزرگی به شمار می‌رفتند.

در اواسط ماه صفر بود که درصدد تهیه لشکری شظیم برآمد تا روانه روم کند و فرماندهی لشکر مزبور را، با اسامه واکدار کرد و پرچم جنگ را به دست خود، به نام اسامه بست و عموم مهاجر و انصار را که از آن جمله ابوبکر، عمر، ابوعبیده جراح، طلحه، زبیر، سعد بن وقاص و دیگران نیز در میان آنها بودند، مأور کرد تا تحت فرماندهی اسامه در این جنگ شرکت کنند. اسامه در آن روز حدود بیست سال بیشتر نداشت و بلکه برخی سنن او را هیجده سال نوشته‌اند و همین موضوع برای برخی از پیرمردان و کار آموزگانی که مأور شده بودند تحت فرماندهی او به جنگ بروند، گران می‌آمد و تأدیجا آنچه را در دل داشتند به زبان آورد، گفتند: «سپرچه خردسالی را بر عموم بزرگان صحابه و مهاجر و انصار مانده ساخت»

اسامه منطقه «جرف» را که در یک فرسنگی مدینه قرار داشت، لشکرگاه خود قرار داد و منتظر بود تا کسانی که مأور بودند لشکریان بروند، به «جرف» رفته و از نظر وسایل مجهز شده و به سوی محل مأموریت خود حرکت کنند. اما پیرمردان صحابه به همان دلیل که گفتیم، از رفتن به «جرف» خودداری کرده، امروز و فردا می‌کردند.

در این میان، رسول خدا(ص) بیمار شد و در بستر افتاد؛ همان بیماری که منجر به رحلت آن بزرگوار گردید، اما با این حال وقتی مطلع شد که مردم از رفتن به دنبال لشکر تعلل می‌کنند، با همان حال بیماری و تب و سردرد شدید، دستمالی به سر خود بست و از خانه به مسجد آمد و به منبر رفته، فرمود: «ای مردم، فرماندهی اسامه را بپذیرید که سو کند به جان خودم اگر (اکنون) درباره فرماندهی او منتهای تمکین، پیش از این نیز درباره فرماندهی پدرش حرف‌ها زدید، ولی او شایسته و لایق فرماندهی است چنان‌که پدرش نیز لایق این مقام بود.»

این جملات را بر منبر ایراد کرد و به خانه آمد و پس از آن نیز به افرادی که به عیادتش می‌آمدند، با جمالتی نظیر «جهّو! حیث اسامه» سفارش می‌کرد که هرچه زودتر به لشکر اسامه ملحق شده و سپاه را حرکت دهند و حتی گاهی می‌فرمود: «لعن الله من تخلف عن جيش اسامه» هر کس از لشکر اسامه تخلف کند، لعنت خدا بر او!

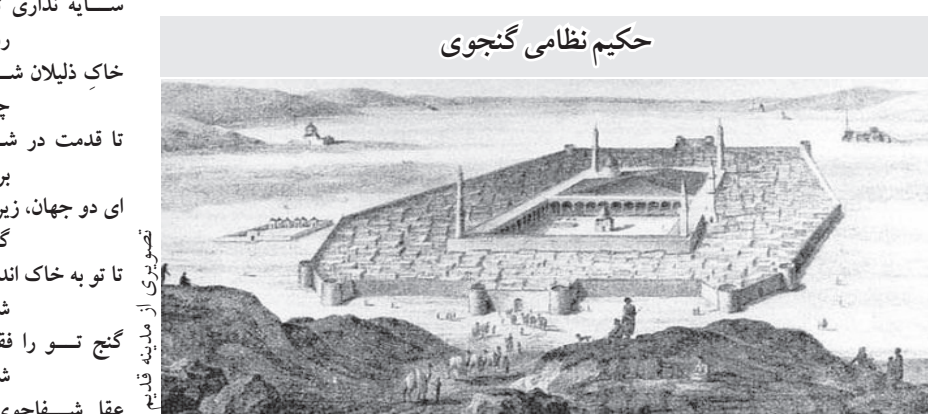
اما چون روز به روز حال پیغمبر سخت‌تر می‌شد، بهانه دیگری به دست برخی افتاده بود و می‌گفتند با این وضع حال پیغمبر، دلمان راضی نمی‌شود آن حضرت را بگذاریم و برویم، اکنون در مدینه بهمانیم و ببینیم حال پیغمبر بهبود می‌یابد یا نه. با تأکید و سفارش‌های پیغمبر، بیشتر سپاهیان به جرف رفتند و خود اسامه نیز برای آخرین بار که نزد رسول خدا(ص) آمد و اجازه خواست که چند روز در این منطقه «جرف» بماند، پیسان گریست. پیغمبر(ص) اشاره کرد که نزدیک بیا و آهسته به او سخنی گفت که چهره دخترش شگفته شد و بعدها فرمود: پیغمبر به من خبر داد نخستین کسی که از خاندانش به او ملحق می‌شود من هستم و همین سبب رفع بی‌تابی من شد!

در واپسین روزها فاطمه(ص) پیسان گریست. پیغمبر(ص) اشاره کرد که نزدیک بیا و آهسته به او سخنی گفت که چهره دخترش شگفته شد و بعدها فرمود: پیغمبر به من خبر داد نخستین کسی که از خاندانش به او ملحق می‌شود من هستم و همین سبب رفع بی‌تابی من شد!

حرکت خود را به تأخیر بیندازد تا وضع بیماری پیغمبر روشن شود. آن حضرت با لعن تند و قاطعی فرمود: «به دنبال مأموریتی که به تو دادم، برو و توقف مکن» اسامه به «جرف» آمد و در صدد حرکت بود که پیک امادین آمد که: «بدین پیغمبر سخت و مرگ آن حضرت نزدیک شده» و پایان ترتیب اسامه و همراهانش توقف کردند و افراد بهانه‌جویی که دنبال غدری می‌گشتند تا از این سفر سرباز زنند، همین خبر را دستاویز قرار داده به مدینه آمدند و سرانجام نگذارند یکی از آرزوهای پیغمبر اسلام یا آن همه تأکید و سفارش در زمان حیات او جامه عمل بپوشد.

آخرین روزهای زندگانی پیغمبر اسلام(ص)
سخنان پیغمبر(ص) و رفتار آن حضرت در روزهای آخر عمر همه حکایات از این داشتند که مرگ خود را نزدیک می‌دانست و با گفتار و کردار از مرگ خود خبر می‌داد؛ از آن جمله در چند حدیث آمده است که در

روضه تو جان و جهان من است



حکیم نظامی گنجوی	
	
<div>ای مدنی برقع و مکی نقاب سایه‌نشین چند بـود آفتاب؟ گر مهی، از مهر تو موئی بیار ور گلسی، از بـاع تو بویی بیار منتظران را به لب آمد نشد، ای ز تو سـو رفتی، به فریادس ملک برآرای و جهان تازه کن هـردو جهان را پر از آوازه کن سکه تو زن، تا امر کن زنند خطبه تو، از خطبا دم زنند خاک تو بویی به ولایت سـپرد بـاد نفاق اـمد و آن بوی برد ما همه جسمیم، بی جان تو باش ما همه موریم، سلیمان تو باش شـحنه توئی، قافله تنها چـراست؟ قلب تو داری، عـلم آنجا چـراست؟ خلوتی پـرده اسرار شـو ما همه خـشیم، تو بیدار شـو ز آفت این خانـه آفت پذیر دست برآور همـه را دست گیر</div>	
<div><div> </div><div>هر چه رضای تو، به جز راست نیست</div><div> </div><div>با تو کسی را سر و احواست نیست</div><div> </div><div>گر نظر از راه عنایت کنی</div><div> </div><div>جمله همساک کفایت کنی</div><div> </div><div>ای تن سو پاکتر از جان جان؟</div><div> </div><div>روح تو پروردهٔ «روحی فداک»</div><div> </div><div>نقطه‌گه خانه رحمت توئی</div><div> </div><div>خانه‌بر نقطه زحمت توئی</div><div> </div><div>راه‌روان عربی را تو سوا</div><div> </div><div>یوگاسنج جسمی را تو سوا</div><div> </div><div>از سر خوانی که رطب خورده‌ای</div><div> </div><div>از پی سی ما زله چه آورده‌ای؟</div><div> </div><div>لب بگش تا همه شب خورند</div><div> </div><div>ز آب دهانت، رطب تر خورند</div><div> </div><div>ای شب گیسوی تو روز نجات</div><div> </div><div>آتش سـودای تو آب حیات</div><div> </div><div>عقل شـده شـفته روی تو</div><div> </div><div>سلسله شیفگانگ، موی تو</div><div> </div><div>خاک تو از باد سلیمان بُه است</div><div> </div><div>روحه چه گویم؟ کمزروان به است</div></div>	

که خود را به محراب رسانده است. رسول خدا(ص) با دست اشاره کرد و آنگاه در محراب ایستاده و نماز را از ابتدا شـروع کرد و چون سـلام داد، به خانه بازگشت و سپس آنها را مخاطب ساخت، چنین گفت: «السلام علیکم یا اهل المقابر، لبثتی لکم ما أصیحتم فیه فما أصبح الناس فیه، اقبلت الفتن قطع اللیل المظلم بین آخرها اولها، الاخره شـمر من الاولی: درود بر شـما ای سـاکت‌ان گـورستان، گـوارا باد بر شـما روزگاری که در آن هستنید؛ زیرا بهتر از روزگار این مردم است، فتنه‌ها همچون باره‌های شب تیره در پی می‌رسند و دنباله‌اش مـخوف‌تر از آغـازش می‌باشد» ابوالموهبه گوید: آنگاه به سمت من توجه شده،

فرمود: «ای ابا موبهه، همانا کلید گنجهای دنیا را برایت می‌آورند و مرا میان مائدن همیشگی در دنیا و بهشت مخیر ساختند و من رفتن به بهشت و دیدار پروردگارم را انتخاب کردم.» ولی در حدیث اعلام‌الوری مرحوم طبرسی و ارشاد شیخ مفید(رح) است که این جریان در روز اتفاق افتاد و علی(ع) را مخاطب ساخت و آن جملات را فرمود، سپس به علی(ع) گفت: «همانا جریرتل قرآن را در هر سال یک بار بر من عرضه می‌کرد و اسباب او بار عرضه کرد و این نیست مگر برای آنکه زمان مرگ من رسیده است.»

وداع با پیامبر (ص)



ناراحتی از عمل مردم، بی‌حال شد و ساعتی به حال اغما فرو رفت؛ در این وقت صدای گریه مسلمانان بلند شد و زنان و نزدیکان آن حضرت نیز صداها را به گریه بلند کردند. رسول خدا(ص) به هوش آمد و نگاهی به اطراف خود کرد، فرمود: «بـتـوی بـدوا و کـف لاکـتب لکم کتـابا لا تـعـلـوا بـهـه ابد» «برای من دوات و کتفی» بیابرد تا نامه‌ای برای شما بنویسم که پس از آن هرگز نیاز به رسول خدا(ص) از حاضران برخاسته تا آنچه را خواسته بود بیاورد، ولی یکی او را برگرداند، گفت: «کتاب خدا ما را بـارخـدا یا، آ یا ابلاغ کرد؟» «بروید و در نقل دیگری است که برخی گفتند: «ای رسول خدا، آیا دوات و کتفی که خواستی برای تو نیابوریم؟» فرمود: «آیا پس از این سخنان که گفتید؟» و سپس روی خود را از آنها برگرداند و بدین ترتیب کراحت خود را از حضور آنان بدان‌ها فهمانید.»

برادر و عمو
مردم برخاستند و تنها نزدیکان آن حضرت مانند علی(ع) و عباس و فرزندش فضل و سسایر خاندان و نزدیکانش ماندند. آنان نیز پس از ساعتی رفتند. در اینجا گفتند که پیغمبر فرمود: «برادم و عمویم را بازگردان» و چون علی(ع) و عباس حاضر شدند، رسول خدا(ص) رو به عمویش عباس کرده، فرمود: «عموجان، آیا وصیت مسرا می‌پذیری؟ من عمل می‌کنی و دین مرا می‌پردازی؟» عباس گفت: «ای رسول‌ خدا، من پیرمردی هستم

و چون احتضار و هنگام رحلتش فرا رسید، فرمود: «ای علی، سر مرا در دامن خود گیر که امر خدا آمد و چون جانم بیرون رفت، آن را به دست خود بگیر

و بـسه روی خـود بکش. آنگاه مرا رو به قبله کن و کار غسل و نماز و کفن مرا به عهده گیر و تا هنگام دفن از من جدا مشو» و بدین ترتیب علی(ع) سر آن حضرت را به دامن گرفت و پیغمبر از حال برفت.

فاطمه(س) که این جریان را می‌دید و در کناری نشسته بود، در اینجا دیگر نتوانست خودداری کند و شروع به گریستن نمود و این شعر را خواند:

و ابیض یسئلی فلعلم بوجهه

رسول خدا(ص) که از صدای گریه دخترش به هوش آمد، چشم‌پاشش را باز کرد و با صدای ضعیفی فرمود: «دخترکم! این گفتار عمویت ابوطالب است، آن را مگو و به پایت یگر؛ و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل أفان مات أو قتل انقلبتم علی اعقابکم؟»

فاطمه بسیار گریست. پیغمبر که چنان دید، به او اشاره کرد که نزدیک بیا و چون نزدیک رفت، آهسته به او سخنی گفت که چهره فاطمه از هم باز و شکفته شد و به دنبال آن رسول خدا(ص) از دنیا رفت. در روایات بسیاری است که بعدها از فاطمه(س) پرسیدند که: «پیغمبر چه چیز به تو گفت که آن بی‌تابی و اضطراب تو برطرف گردید؟» فرمود: «پیغمبر به من خبر داد نخستین کسی که از داندانش به او ملحق می‌شود من هستم و فاصله مرگ من و او چندان طول نمی‌گشدد و همین سبب رفع اندوه و بی‌تابی من شد.»

پرواز

بر طبق روایات مشهور میان محدثان شیعه، رحلت رسول خدا(ص) در روز دوشنبه بیست و هشتم ماه صفر اتفاق افتاد؛ ولی مشهور نزد اهل سنت آن است که آن مصیبت بزرگ در روز دوازدهم ربیع الاول واقع شد و در آن موقع ۶۳ سال از عمر شریف آن حضرت گذشته بود.

و چون امیرالمؤمنین(ط) طبق وصیت رسول خدا(ص) خواست بدن آن حضرت را غسل دهد، فضل بن عباس را طلبید تا به او کمک کند و بدین ترتیب علی(ع) اجازه

از غسل‌داد و حنوط و کفن کرد، سپس به تنهایی بر او نماز خواند، آنگاه از خانه بیرون آمده و رو به مردم کرد و گفت: «همانا پیغمبر در زندگی و پس از مرگ امام و پیشگوی مامت، اکنون دسته دسته بیاپاید و بر او نماز بخوانید.»

پس از انجام این کار، عباس بن عبدالمطلب شخصی به نزد ابوعبیده جراح که برای مردم مکه قبر می‌کند، می‌فرسند تا او کار حفر قبر آن حضرت را به عهده گیرد و در همان اتاقی که پیغمبر از دنیا رفته بود، قبری حفر کرده و همانجا آن حضرت را دفن کرد.

و چون هنگام دفن، صدای از پشت خانه صدا زدند:

«یا علی، برای خدا حق ما را نیز در این روز فراموش مکن و اجازه بده تا یکی از ما نیز در دفن رسول خدا شرکت جوید و ما نیز از این افتخار سهم و نصیبی ببریم.» علی(ع) اجازه داد اوس بسن خولی – که یکی از شرکت‌کنندگان در جنگ بدر و از بزرگان قبیله بنی‌عوف بود در مراسم دفن آن حضرت شرکت جوید و چون اوس به داخل خانه آمد، علی(ع) بدو فرمود: «تو در میان قبر برو، و علی(ع) اجازه رسول خدا(ص) را برداشته بر دست او ایستاد و او را بر سر جنازه را در قبر نهاد و چون روی زمین قبر قرار گرفت، بدو فرمود: «اکنون بیرون آی.» سپس خود امیرالمؤمنین(ع) داخل قبر شد و بند کفن را از سر تا سر بزرگ کرد و گوته مبارک رسول خدا را روی خاک نهاد و لحد چیده، خاک روی قبر ریختند و بدین ترتیب با یک دنیا اندوه و غم بدن مظهر رسول خدا(ص) را در خاک دفن کردند.

پیامبر(ص) زمانی طولانی با علی(ع) به طور خصوصی

سخن گفت. چون از اسام از اتاق خارج شد و از او پرسیدند، فرمود: هر از باب علم به من آموخت که هر بابی هزار باب دیگر را بر من گشود. به چیزی مرا وصیت کرد که آن شاهانه بدان عمل خواهم کرد

بی‌نوشته‌ها:

- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج۲، ص۲۱.
- طبرحی(رح) و دیگران احتمال داده‌اند که شاید منظور آن حضرت اینست بود که همان‌گونه که زنان مصری هر کدام می‌خواستند یوسف را به تنهایی دیدار کرده و به نفع خود از آن پیغمبر بکامان بهره‌برداری کنند، شما نیز همان‌گونه هستید و احتمالات دیگری هم برای سخن آن حضرت ذکر کرده‌اند.
- در تفنیل ابن ابی‌الحدید این‌گونه است که فرمود: «البـتـوی بـدوا و کـف لاکـتب لکم کتـابا لا تـعـلـوا بـهـه ابد» «برای من دوات و کتفی» بیابرد تا نامه‌ای برای شما بنویسم که پس از آن هرگز نیاز به رسول خدا(ص) از حاضران برخاسته تا آنچه را خواسته بود بیاورد، ولی یکی او را برگرداند، گفت: «کتاب خدا ما را بـارخـدا یا، آ یا ابلاغ کرد؟» «بروید و در نقل دیگری است که برخی گفتند: «ای رسول خدا، آیا دوات و کتفی که خواستی برای تو نیابوریم؟» فرمود: «آیا پس از این سخنان که گفتید؟» و سپس روی خود را از آنها برگرداند و بدین ترتیب کراحت خود را از حضور آنان بدان‌ها فهمانید.»
- زمانی طولانی با او به طور خصوصی و در گوشه سخن گفت، و در این وقت دوباره از حال رفت.
- علی(ع) نیز برخاست و گوشه‌ای نشست و سپس از اتاق آن حضرت خارج شد. و چون از علی(ع) پرسیدند: پیغمبر با تو چه گفت؟ فرمود: «**علمنی اللب باب من العلم فتح لی کل باب اللب باب آ و اوصانی بما انا قائم به** **انشاءه**» هزار باب علم به من آموخت که هر بابی هزار باب دیگر را بر من گشود. به چیزی مرا وصیت کرد که آن شاهانه تعالی بدان عمل خواهم کرد.»
- آل عمران/ ۱۴۴

بدرود باشید که من رفتم

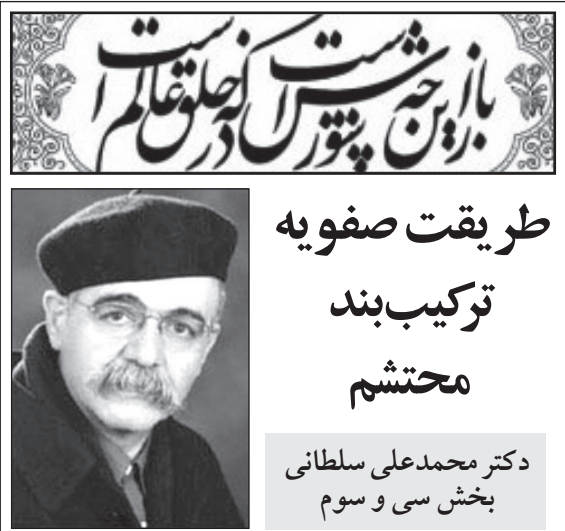
جند روایت کهن در بیان واپسین روزهای پیامبر (ص)

عایشه گوید: پیامبر صلی‌الله علیه و سلم از خود بی‌خود شد و دردتش شدت گرفت و فرمود: «هفت طرف از این سپاهای مוחلف بر من بریزند تا بیرون بروم و با مردم سخن بگویم.» او را در تشتی نشاندیم و آب بر او ریختیم تا گفتی: «بـس! بـس!» (طبری، ص۱۱۳) پس در حالی که به علی و فضل بن عباس تکیه کرده بود، به مسجد رفت و بر منبر نشست و بر اصحاب آمد درود فرستاد و برایشان آموزش خواست؛ آنگاه فرمود:

«ای مردم، هنگام آن رسیده است که حقوق خود را از من بستانید. هر کس از تازیانه‌ای را پشت نواخته باشم، اینک پشت من به روی او باز است، بیاید و پشتم را با تازیانه بپازارد. از هر کس مالی بپاشم، بیاید و آن را بستاند و از کینه‌توزی من تریسی به دل راه نهد که مرا با کینه‌توزی کسی نیست. همانا محبوب‌ترین شما من نزد من کسی است که با بیاید و حق خود را از من بگیرد یا آن را به من ببخشد که با جانی پاک و آرام و پاکیزه به دیدار پروردگار خود و مسرا می‌پذیری و به وعده‌های من عمل می‌کنی و دین مرا می‌پردازی؟»

عباس گفت: «ای رسول‌ خدا، من پیرمردی هستم

یکشنبه ۷ آذر ۱۳۹۵ - ۲۷ صفر ۱۴۲۸ - ۲۷ نوامبر ۲۰۱۶ - سال نود و یکم - شماره ۲۶۵۹۵



با آنکه سرزد این عمل از اَمّت نبی روح‌الاحیاء روح نبی گشت شرمسار وانگه ز کوفه خیل الو رب به شام کرد

نوعی که **قتل** گفت قیامت قیام کرد
در این بیت که ترکیب «آی نبی» بداعی سخنان استاد شهید مرتضی مطهری است که می‌فرماید: «ما قیلا ثلثت کردیم که این داستان از این نظر مهم است و گفتیم که کشته شدن امام حسین بعد از پنجاه سال از وفات پیغمبر به دست مردمی مسلمان، بلکه شیعه، معمای بسیار قابل توجه است!»(مطهری، همان ج۲، ص۵۶) «چگونه شد که آنلا حزب یوسفیان روحی حکومت را در دست گرفتند و ثانیاً مردم مسلمان و بلکه شیعه قاتل امام حسین(ع) شدند؟» (مطهری، همان ج۲، ص۱۲) «لی شک مردم کوفه از شیعیان علی ابن ابیطالب بودند و امام حسین از شیعیانش کشتند؛ لذا در همان زمان هم سبب آنست: *فلو یهمّ معّهُ و یوسفهمّ* غلیبه» (مقل الحسین، مقّم، ص۲۰)، چرا که *اموی‌ها* شخصیت ملت مسلمان را له کرده کوبیده بودند و دیگر کسی از آن احساس‌های اسلامی در خودش نمی‌دید.»(استاد شهید مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج۱، انتشارات صدرا، ص۴۶)

«... امام حسین به دست یهود و نصاری و مجوس یا مشرکین عرب راه دهنده کشته شد» به دست مسلمانان و بلکه دوستان پدرش کشته شد و حتی به دست شامیان کشته نشد، به دست کوفیان کشته شد، البته کوفیان معروب بودند و عامّه پیرو رُسا بودند و رُسا از رشوه آیینست بودند: «اما زُساؤهم فقد اظلمت زُهورهم» و *مِلّت غرائِزُهم* آنها جوال‌هایشان پر شده بود و...»(مطهری، همان ج۲، ص۳)

شرماری روح‌الامین از اسلام قاتلان امام حسین(ع) می‌دانند: زیرا ریخته شهیدان اهل بیت(ع) است، روح‌الامین(جبرئیل) به سبب جنایت امت پیغمبر در حق فرزندان پیغمبر شرمناک است؛ چنان‌که اشاره شد، مولانا محتشم اعزام اسرا به شام را «قیام قیامت» می‌داند؛ زیرا دوره امام حسین(ع) در عالم مادی به پایان رسید و رسالت خود را به انجام رسانید و از زمان عزیمت به شام، دوره امام سجاد(ع) آغاز شد با روح متعالی امام حسین(ع) که در مقاطع لازم بر رأس مبارکش بر سرنیزه نزول می‌فرمود و...

هر حربگاه چون ره آن کاروان فناد
شور نشور واهمه را در گمان فناد

هم گریه بر ملاک هفت آسمان فناد
این نشانه‌ها همه نشان رستخیز است. زمانی که کاروان اسیران اهل بیت(ع) را از کنار میدان جنگ عبور دادند و «شور نشور»، برپایی قیامت به گمان رسید. مولانا محتشم این احتیاط و رعایت را هم کاملاً در تصاویر جاودانه ادبی خود رعایت می‌کند که رأی به قطعیت اندیشهٔ شاعرانه خود نمی‌دهد؛ چنان‌که این قیامت مستمسک برخی از معاصران او بوده است. در اینجا از «هم» و «واهمه» که درک جزئی دارد و جزئیات هم لایتهای و بدون قطعیت است استفاده می‌کند. دربارهٔ شرح بیت دوم به شرح‌های پیشین رجوع شود.

هر جـسا که بود اهوئی، از دشت با کشید
هر جـسا که بود طائری، از آشیان فناد
شد وحشتی که شور قیامت به باد رفت
در این دو بیت از تَخَيُّل شور قیامت نیز عبور می‌کند، و وارد دایرهٔ شهود و عقل و حس می‌شود.
هر چند بر تن شهدا چشم کار کسرد
بر زخم‌های کاری تیغ و سان فناد
ناگاه چشم دختر زهر را در آن میان
بی‌اختیار نعرهٔ «هـذا حسین» از او
سرزد، چنان‌که آتش از او در جهان فناد
پس با زبان بـرگـله آن بضعه لبشول
رو در مدینه کرد که! یا ایها الزّول!

مولانا کاشفی در طرح ادبیانه این صحنه می‌نویسد:
آوردن‌اند که چون زینب تن برادر خود امام حسین علیه‌السلام را دید، فریاد برکنید که: «وا جدّه، و احمه‌ها!» یا رسول‌الله، این حسین توست که بوسه بر روی او می‌دادی و زاری می‌بردک بر سینه او می‌نهادی. این اهل بیت تواند بدین خورای و روی در کربت گرفتار شده، این تن جگر گوشهٔ توست که بر توده غبرا افتاده.

به جای غلیبه بر روی خاک و خون‌آلود
کنند غلیبهٔ اسای مشکسای حسین
سپهر شیشه شامی پـر اشک یاقوتی
که آب می‌طلبد لعل جانغزای حسین
نشسته بر سر خاکستر آفتاب منیر
کبود پوش شده از پی عزای حسین
(کاشفی، ۱۳۶۱)

این کشتهٔ فـتاده به هامون، حسین توست
وین صیدست وپازده درخون، حسین توست
وین نخل تر کز آتش جانسوز تشنگی
دود از زمین رسانده به گردون، حسین توست

این ماهی فـتاده به دریای خون که هست
زخم از ستاره بر تنش افزون، حسین توست
این غرقهٔ محیط شهادت که روح دشت
کز موج خون وی شده گلگون، حسین توست
این خشک لب فـتاده منوع از فـرات
کز خون او زمین شده جیحون، حسین توست
این شاه کم‌سپاه که با خیل اشک و آه
خرگاه‌ها از این جهان زده بیرون، حسین توست
این قالب تپان که چمن مانده بر زمین
شاه شهید ناشده مدفون، حسین توست
چون روی در بقیع به زهرا خطاب کرد
وچشم زمزمین و مرغ هوا را کباب کرد
دامه دارد

بی‌نوشته:
۱- با کمال احترام به استاد شهید آیت‌الله مطهری، باید گفت به رغم فرمایش ایشان، بیان این جمله که سالار شهیدان به دست شیعیان کشته شد، قطعاً اشتباهی تاریخی است؛ چه، کسانی از قبیل عبدالله بن زیاد، عمر بن سعد، شمر بن ذی‌الجوشن، سنان بن انس، محمدبن اشعث بن قیس کندی و برادرش قیس بن اشعث، خوئی و کسایی چون خر بن زیاد ریاحی و زهیر بن قین بجلی که در رکاب امام به شهادت رسیدند، در شمار شیعیان و پیروان امام حسین(ع) نبودند. ضمن آنکه همهٔ کوفیان نیز اساساً شیعه نبودند، بلکه ترکیبی بودند از شیعیان، خوارج، یهودیان عثمان (همچون زهیر شمر) و حامیان بنی‌امیه. افراد فوق‌مذنبی هستند نبیث بن ریمه نیز بودند که نخست مسلمان بود، سپس برای مدتی مؤذن سجاح(مدعی نبوت) شد، دوباره مسلمان شد؛ اما بعد به مخالفان خلیفهٔ سوم پیوست و چون خلیفه کشته شد، معاویه را متمم در قتل او دانست، مدتی فرمانده بخشی از سپاه امیرالمؤمنین شد، اما در ماجرای حکمت در شمار خوارج درآمد، دوباره به امام پیوست؛ در قیام قروه بن نوفل فرماندهی سپاه مغیره را بر عهده گرفت؛ اما بعد در درگشتش معاویه، به امام حسین(ع) نامه نوشت و ایشان را به کوفه دعوت کرد؛ اما فراموشید که شیعیان در زمان او، به خدمت او درآمد و بر کربلا فرماندهی بخشی از سپاه عمر سعد را به عهده گرفت. پس در شهادت امام نیز به شکرانهٔ پیروزی، مسجدی را در کوفه تجدید بنا کرد. در قیامتار نخست به شورشیان مخالف پیوست و بعد که خود را کم تنگنا دید، پامی لاجوئانه برایش فرستاد. او یهودی از افراد مذنب قمیمه قمیم بود که به فرمودهٔ امیرمؤمنان(ع) *«یملون عن کل رج»*، و خلاصت است که ائمال او را شیعه بخوانم. تا چه رسد به کسانی که رسماً در شمار خوارج و یا بدلیستان نبی‌امیه بودند. آنرا، در کوفه چند زیادی از شیعیان بودند که عدای او آنها نداشتند. فاصلهٔ افزون بر ۸۰ کیلومتری تا کربلا را بپیمایند و خود را به امام حسین(ع) برسانند و جمعی نیز کواتی کردند که به‌زودی شیمان شدند و قیام تواریب را راه انداختند. با این حساب فرمودهٔ استاد مطهری را با واقعیت تاریخی مطابقت چندانی ندارد. (صفحه نظرها و اندیشه‌ها)

برپای دومین اجلاس نماز

استان خراسان جنوبی در طبرس

طبرس – خبرنگار اطلاعات: دومین اجلاس نماز استان خراسان جنوبی به میزبانی طبرس گلشن برگزار شد.

نمایندهٔ ولی فقیه در خراسان جنوبی در این اجلاس اظهار داشت:

اگر عمل با کلامی بدون قرب الهی انجام شد شاید به ظاهر حال باشد، اما تصرف عصبی است.

آیت‌الله سیدعلیرضا عبادی افزود: نماز با کم فروشی، دروغ، تهمت و پایدی مهمخوانی ندارد و اگر نمازی اقامه شد اما این زشتی‌ها پاک نشد عبادت بدون قرب الهی بوده است.

وی گفت: آثار نیک نماز بر جامعه را ندیدیم و خواستیم آسیب‌شناسی کنیم، بهتر است در رفتار و گفتار براساس بندگی ائمه اطهار(ع) فکر کنیم تا میزان عبودیت و خلوص در عبادت و کلام و عمل خود را بسنجیم. او تاکید کرد: نماز محبت با خداس‌ت و در این سخن گفتن با «الله» اگر ناخالصی وارد شـد تأثیر آن از بین می‌رود و این ناخالصی زمانی ایجاد می‌شود که در عمل خود کاستی کرده و ناخالصی می‌آوریم و اگر اقامه نماز بعد از کار و استراحت و تفریح بر دل ننشست، نشان از نبودن وارستگی در عمل بوده است و اینجاست که نماز تراویز عمل انسان می‌شود.

وی تاکید کرد: مسایل دینی را آلوده به بازی‌های سیاسی نکنیم براساس آنچه که دین عین عدالت است مواظبت کنیم که با عمل ناعادلاته ما به دین ضربه‌ای وارد نشود.

او نماز را واسطه وصل الهی خواند و گفت: توجه به ماهیت انسانی و شناخت وظایف دین ما دین عین عدالت نماز باید در مسیر الهی و خاص و برای قرب خداوند باشد تا تأثیر آن در جامعه دیده شود.

در این اجلاس که معاون ستاد اقامه نماز کشور، معاون استاندار و مدیران کل استان خراسان جنوبی حضور داشتند معاون شاسی –امینتی استاندار خراسان جنوبی هم گفت: تأثیر نماز وقتی است که در قلب بنشیند و بتواند دروغ و کذب را از جامعه پاک کند.

محمد حسینی افزود: غیبت، تهمت، تجاوز، اختلاس، فساد و غیره در جامعه برآمدن از نماز بی‌عمل و بی‌توجه است.

او یادآور شد: نماز و تبیین آثار آن زمانی در جامعه موثر است که با روش‌های پایایی و علمی روی آن کار شود و وقتی قابل ارزش گذاری است که نتیجه آن در جامعه دیده شود.

او به ضعف‌ها در جامعه اسلامی اشاره کرد و گفت: آسیب‌شناسی نبودن تعمیق روح نماز در جامعه را در دستور کار همایش‌های نماز قرار دهد و کار مسیر را اشتباه رفته‌ایم برگردیم، عذرخواهی کنیم و ضمن ریشه‌یابی علل کم اثر بودن برنامه‌های فرهنگی در ترویج واقعی و عملی نماز برای تأثیر گذاری آن اقدام کنیم.

صادرات صنایع دستی استان یزد

به ۱۴ کشور دنیا

یزد -دخبرنگار اطلاعات: صنایع دستی استان یزد در بیش از پنجاه رشته، به ۱۴کشور دنیا صادر می‌شود.

محمددرضا نصیری معاون برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری اداره کل با بیان این مطلب افزود: هنرمندان و صنعتگران این استان آثار بی‌بدیلی در این رشته‌ها خلق می‌کنند.

وی گفت: صنایع دستی استان یزد به دلیل تنوع، ظرافت و کیفیت رتبه بالایی دارد و از این رو قابلیت صادرات را دارد است.

او ادامه داد: عمده کالاهای صادراتی صنایع دستی استان شامل فرش، گلیم، ظروف تشینه‌ای، اشیای چوبی، پارچه قلم کار، زیلو، سفال و سرامیک، زیورآلات سنتی، مبله‌ان، مس، مصنوعات سنگی دست ساز و ترمه است.

وی با اشاره به قدمت نساجی سنتی در یزد افزود: برنامه‌ریزی‌های لازم برای ایجاد کارخانه‌های صنایع دستی در راستای حضور پررونق صنعتگران از جمله برنامه‌های اجرایی این اداره کل است.

به گفته نصیری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان در نظر دارد حمایت‌های لازم در راستای ارائه تسهیلات، مرمت کارگاه‌های صنایع دستی، واگذاری و تأمین راضی مورد نیاز جهت تولید، توزیع و فروش محصولات را برای صنعتگران و هنرمندان صنایع دستی انجام دهد.

او ادامه داد با تعامل انجام شده با سایر بخش‌های خصوصی و دولتی مقدمات ایجاد و تشکیل شرکت‌های مدیریت صادرات جهت ارتباط موثر تولیدکنندگان و فروشندگان نیز مهیا شده است.

در ۶ ماه اسامال پیش از ۷۴۶۵۰ هزار دلار صادرات صنایع دستی استان یزد انجام گرفته است.

پارمندیهای اطلاعات

وی با اشاره به قدمت نساجی سنتی در یزد افزود: برنامه‌ریزی‌های لازم برای ایجاد کارخانه‌های صنایع دستی در راستای حضور پررونق صنعتگران از جمله برنامه‌های اجرایی این اداره کل است. به گفته نصیری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان در نظر دارد حمایت‌های لازم در راستای ارائه تسهیلات، مرمت کارگاه‌های صنایع دستی، واگذاری و تأمین راضی مورد نیاز جهت تولید، توزیع و فروش محصولات را برای صنعتگران و هنرمندان صنایع دستی انجام دهد.

او ادامه داد با تعامل انجام شده با سایر بخش‌های خصوصی و دولتی مقدمات ایجاد و تشکیل شرکت‌های مدیریت صادرات جهت ارتباط موثر تولیدکنندگان و فروشندگان نیز مهیا شده است.

در ۶ ماه اسامال پیش از ۷۴۶۵۰ هزار دلار صادرات صنایع دستی استان یزد انجام گرفته است.

کرمسان – خبرنگار اطلاعات: اسـمـال ۱۵۳ هزار تن محصول پسته از باغ‌های کشور برداشت شد.

عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران در

نشستی که با حضور رئیس و شماری از اعضای هیات رئیسه اتاق بازرگانی استان کرمان، فرماندار و مسئولان شهرستان رفسنجان تشکیل شد، افزود: با تولید انبوه پسته در آمریکا، تصور بر این بود بازار پسته ایران در خارج کشور از دست برود، اما خوشبختانه با خط‌گذاری که کشاورزان برای عرضه این محصول انجام دادند، شاهدکنندگان توانستند به موقع پسته را صادر کنند.

محمود ابطحی یادآور شد: سال‌هاست که محصول پسته از گمرک رفسنجان به خارج از کشور صادر می‌شود اما در آسال گذشته با جابه‌ایی این گمرک از داخل شهر به منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان، مشکلاتی برای صادرکنندگان از جمله طبق مسافت زیاد، هدررفت زمان و پرداخت هزینه به اتاق بازرگانی برای به وجود آمده که باید مسئولان

به این موضوع رسیدگی کنند.فرماندار رفسنجان

نیز در این نشست گفت: دهستان ختمان این

ایجاد بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی دیابت کشور در یزد

یزد -دخبرنگار اطلاعات: اولین بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی دیابت کشور در شهرستان اشکذر یزد ایجاد می‌شود.

محمدرضا آقای ریئس مرکز دیابت یزد در جلسه خبرنگاران با اشاره به تهیه طرح و کسب مجوزهای اولیه برای ایجاد این بیمارستان، افزود: امیدواریم که در آینده نزدیک ایجاد این بیمارستان توسط مقامات ارشد وزارت بهداشت اعلام رسمی شود و ظرف دو سال دال آینده بیمارستان در حال ساخت زینب کبری(س) شهرستان اشکذر به این مرکز فوق تخصصی تبدیل شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.وی افزود: این بیمارستان نه فقط خدمات درمانی معمول را به بیماران شهرستان اشکذر ارائه خواهد کرد، بلکه به داییتی‌ها نیز خدمات تخصصی و فوق‌تخصصی

اشکذر به این مرکز فوق تخصصی تبدیل شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.وی افزود: این بیمارستان نه فقط خدمات درمانی معمول را به بیماران شهرستان اشکذر ارائه خواهد کرد، بلکه به داییتی‌ها نیز خدمات تخصصی و فوق‌تخصصی

یزد -دخبرنگار اطلاعات: صنایع دستی استان یزد در بیش از پنجاه رشته، به ۱۴کشور دنیا صادر می‌شود.

محمددرضا نصیری معاون برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری اداره کل با بیان این مطلب افزود: هنرمندان و صنعتگران این استان آثار بی‌بدیلی در این رشته‌ها خلق می‌کنند.

وی گفت: صنایع دستی استان یزد به دلیل تنوع، ظرافت و کیفیت رتبه بالایی دارد و از این رو قابلیت صادرات را دارد است.

او ادامه داد: عمده کالاهای صادراتی صنایع دستی استان شامل فرش، گلیم، ظروف تشینه‌ای، اشیای چوبی، پارچه قلم کار، زیلو، سفال و سرامیک، زیورآلات سنتی، مبله‌ان، مس، مصنوعات سنگی دست ساز و ترمه است.

وی با اشاره به قدمت نساجی سنتی در یزد افزود: برنامه‌ریزی‌های لازم برای ایجاد کارخانه‌های صنایع دستی در راستای حضور پررونق صنعتگران از جمله برنامه‌های اجرایی این اداره کل است.

به گفته نصیری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان در نظر دارد حمایت‌های لازم در راستای ارائه تسهیلات، مرمت کارگاه‌های صنایع دستی، واگذاری و تأمین راضی مورد نیاز جهت تولید، توزیع و فروش محصولات را برای صنعتگران و هنرمندان صنایع دستی انجام دهد.

او ادامه داد با تعامل انجام شده با سایر بخش‌های خصوصی و دولتی مقدمات ایجاد و تشکیل شرکت‌های مدیریت صادرات جهت ارتباط موثر تولیدکنندگان و فروشندگان نیز مهیا شده است.

در ۶ ماه اسامال پیش از ۷۴۶۵۰ هزار دلار صادرات صنایع دستی استان یزد انجام گرفته است.

اخبار شهرستانها

برداشت ۱۵۳ هزار تن پسته در کشور



به این موضوع رسیدگی کنند.فرماندار رفسنجان

نیز در این نشست گفت: دهستان ختمان این

ایجاد بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی دیابت کشور در یزد

یزد -دخبرنگار اطلاعات: اولین بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی دیابت کشور در شهرستان اشکذر یزد ایجاد می‌شود.

محمدرضا آقای ریئس مرکز دیابت یزد در جلسه خبرنگاران با اشاره به تهیه طرح و کسب مجوزهای اولیه برای ایجاد این بیمارستان، افزود: امیدواریم که در آینده نزدیک ایجاد این بیمارستان توسط مقامات ارشد وزارت بهداشت اعلام رسمی شود و ظرف دو سال دال آینده بیمارستان در حال ساخت زینب کبری(س) شهرستان اشکذر به این مرکز فوق تخصصی تبدیل شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.وی افزود: این بیمارستان نه فقط خدمات درمانی معمول را به بیماران شهرستان اشکذر ارائه خواهد کرد، بلکه به داییتی‌ها نیز خدمات تخصصی و فوق‌تخصصی

اشکذر به این مرکز فوق تخصصی تبدیل شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.وی افزود: این بیمارستان نه فقط خدمات درمانی معمول را به بیماران شهرستان اشکذر ارائه خواهد کرد، بلکه به داییتی‌ها نیز خدمات تخصصی و فوق‌تخصصی

اجرای ۹۴ طرح بهداشتی و درمانی در استان اردبیل

اردبیل- خبرنگار اطلاعات: ۹۴ پروژه عمرانی، بهداشتی و درمانی در مناطق مختلف استان اردبیل با هدف توسعه فضاهای بهداشتی در حال اجرا است.
فرهاد پورفرشی افزود: برای ارتقای سطح خدمات دهی بیمارستان‌ها ۳۲۰ میلیارد ریال اسکن، خرید تجهیزات برای بیمارستان‌های کوثر پارس آباد و نوسازی بیش از ۳۰ درصد تخت‌های بیمارستان‌ها را از دیگر اقدامات دانشگاه علوم پزشکی بشمره د افزود: اسال پیش از ۲۸۰ هزار نفر در کلینیک‌های عمومی و تخصصی ویزیت شده‌اند و همگی هم در بحث خدمات دهی از کیفیت‌های مطلوبی برخوردار هستند که در این زمینه رضامندی مردم هم از ۷۰ درصد به ۹۱ درصد رسیده است.

پورفرشی گفت: دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در ۲۰ دانشکده کشور رتبه دوم در حوزه آموزشی شده است.

وی در پایان درباره عملیات ساخت مراکز ترمو و بخش‌های جراحی و سوختگی و mti گفت: این پروژه‌ها نیز تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسد.

ایجاد ۴۰هزار شغل در استان البرز

کرج - خبرنگار اطلاعات: استان البرز پیش از آغاز به کار دولت تدبیر و امید، نرخ رشد یکبارگی بالای ۲۲ درصد را تجربه می‌کند، اما در تلاش‌های صورت گرفته، این رقم کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

استاندار البرز در این باره گفت: ظرف ۳ سال و ۴ ماه از عمر دولت تدبیر و امید، بیش از ۴۰ هزار اشتغال در استان ایجاد شد که نشان از عملکرد خوب دولت در البرز دارد.سیدمحمد طه‌ای افزود: آمار ملی در ارتباط با مردم‌فعل در جامعه‌نشان می‌دهد که البرز جزو استان‌های فعال در اشتغال ثابت است.

وی گفت: اکنون اهتمام لازم برای حفظ اشتغال طی مورد وجود دارد و به جد در صدد افزایش فرصت‌های شغلی می‌شود. سرماهی‌گذاری، صنایع‌های داخلی و خارجی همچنین یادآور شد: یکی از مهمترین دستاوردهای برجام، انعقاد قرارداد با ۱۲ شرکت خارجی است.

استاندار البرز اظهار داشت: در همین زمینه شمار زیادی نیرو آموزش دیده و تکنولوژی‌های جدید وارد استان شده است. وی گفت: در مقایسه با سایر استان‌ها در البرز اقبال زیادی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد و به دلیل کمبود آب به دنبال راه‌اندازی صنایع کم آب بر می‌آید. مدیر عامل بانک مسکن، طهانی افزود: شاخص اشتغال در کشور ۳۶/۵ است که در استان البرز به ۳۸ رسیده است.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب هاشمی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب محمد به‌شماره ۱۸۱۷۱۷۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۰۰۶۳۴۲۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت یک‌شوندۀ اینجاب کرم‌گنجی به‌شماره ۱۵۸۱۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

از کشتزارهای زعفران رفسنجان برداشت شـددی یادآور شد: فضای کسب و کار رفسنجان در سـال‌های اخیر رونق گرفته به طوری که در ۲ سال گذشته برای مرمت بزرگترین خانه خشتی جهان در رفسنجان ۱۵۰ میلیارد ریال هزینه شده است.

فرماندار رفسنجان با اشاره به تولید آرتیمیا در منطقه نوق، گفت: پارسال بزرگترین مرکز تولید آرتیمیا کشور در منطقه نوق سال گذشته به بهره برداری رسید که می‌تواند بخشی از آرتیمیا مورد نیاز کشور را تأمین کند.به گفته وی وجود آب شور در منطقه نوق رفسنجان موجب ایجاد اشتغال در زمینه تولید آرتیمیا (غذا آبزیان و ماهیسان زینتی و خاویاری) شده است.ملاطوری تاکید کرد: با توجه به کمبود منابع آبی باید بر ایجاد اشتغال در بخش‌های دیگر و کارآفرینی با طرح‌های نو

باشیم.کرمان با بیش از ۶۰ هزار هکتار باغ پسته، مهمترین قطب تولید این محصول در کشور به شمار می‌آید که ۸۵ هزار هکتار از این باغ‌ها در شهرستان رفسنجان است.

ایجاد اشتغال برای جوانان بیکار

در دوران ریاست آقای آیت‌الله الراجائی در قوه قضائیه شاهد تحولات مثبت در این قوه هستیم. از آیت‌الله آملی الراجائی برای کمک با دولت عراق دریافت کنند تا وضعیت مستقل از دولت باقی بماند و وجهه مردم خود را حفظ کند. به نظر همین رویه باید در حوزه علمیه هم هم وجود داشته باشد و هیچ ردیفی در بودجه دولتی برای حوزه‌های علمیه در نظر گرفته نشود.

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

ایجاد اشتغال برای جوانان بیکار

در دوران ریاست آقای آیت‌الله الراجائی در قوه قضائیه شاهد تحولات مثبت در این قوه هستیم. از آیت‌الله آملی الراجائی برای کمک با دولت عراق دریافت کنند تا وضعیت مستقل از دولت باقی بماند و وجهه مردم خود را حفظ کند. به نظر همین رویه باید در حوزه علمیه هم هم وجود داشته باشد و هیچ ردیفی در بودجه دولتی برای حوزه‌های علمیه در نظر گرفته نشود.

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

شهروندی از تهران

یکشنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۵ - ۲۷ نوامبر ۲۰۱۶ - سال نو دو یکم - شماره ۲۶۵۹۵



خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن

ایمیل خط ارتباطی:

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۳

اخبار ورزشی

استوکر بازیان ایران در مرحله یک شانزدهم رقابت های جهانی چهار نماینده استوکر ایران در رقابت های قهرمانی جهان در قطر با پیروزی در حریفان خود به مرحله یک شانزدهم نهایی صعود کردند. به گزارش ایران از فدراسیون فوتبالینگ و بلیارد،در رقابت های استوکر قهرمانی جهان از ۲۹ آبان ماه تا ۴فرماد در بخش آقایان، پیشکسوتان و بانوان به میزبانی کشور قطر در حال برگزاری است. در مرحله یک شص و دوم و یک حذفی مسابقات استوکر قهرمانی جهان و در بخش آقایان، پر یروز امیر سرخوش، «الیور پروان» از انگلیس را ۴ بر ۳ شکست داد و راهی دور یک شانزدهم نهایی شد. سرخوش امروز به مصاف «مایکل کولامپ» از اسکاتلند می‌رود. همچنین سهیل واحدی، آرمان دیناروند و حامد ذور دوست دیگر نمایندگان ایران هم موفق شدند در مرحله حذفی به ترتیب «ماتئوس بارانوسکی» از لهستان، «کترین وان هوه» از بلژیک و «متیو بولتون» از استرالیا را با نتیجه مشابه ۴ بر ۳ مغلوب کنند و به مرحله بعد صعود کردند.

تساوی خادم الشریع مقابل صدرنشین مسابقات

شطرنج باز ایرانی حاضر در مرحله آخر مسابقات گرندپری بانوان جهان، در دور ششم این رقابت‌ها مقابل صدرنشین مسابقات به تساوی دست یافت.

به گزارش مهر، مرحله آخر مسابقات شطرنج گرندپری بانوان جهان با برگزاری دیدارهای دور ششم پیگیری شد. در این مرحله از رقابت ها سارا اسادات خادم الشریعه به مصاف منیراپاتیسوی شویلی از گرجستان رفت و موفق شد این بازیکن را با نتیجه تساوی متوقف کند. حریف گرجستانی سارا اسادات خادم الشریعه صدرنشین فعلی مسابقات گرندپری است. شطرنج باز کشورمان که در مرحله دوم گرندپری بانوان جهان موفق به کسب عنوان نایب قهرمانی شده بود، پیش از این دور اول، دوم، چهارم و پنجم مسابقات هم صاحب تساوی شده بود و در مرحله سوم هم به یک برد دست یافته بود.

۲۰ بهمن، زمان آغاز بازی های حذفی لیگ بر تر والیبال

مرحله پلی آف لیگ برتر والیبال از ۲۰ بهمن آغاز می‌شود. به گزارش ایسنا، سیمین امین دوره لیگ برتر والیبال از ۲۸ بهمن آغاز شد و ۱۲ تیم در این دوره از رقابت‌ها به رقابت با یکدیگر می‌پردازند.بمب فصل این رقابت‌ها هم ۲۱ آذر به پایان می‌رسد و نیم فصل دوم از ۲۸ آذر آغاز می‌شود.مسابقات هفته پایانی لیگ برتر والیبال هم ۱۳ بهمن انجام می‌شود. تیم‌های راه یافته به پلی‌آف(حذفی) این دوره لیگ از ۲۰ تا ۲۷ بهمن نخستین مرحله پلی آف را برگزار می‌کنند.

تاکید کرده بود که باید این دیدار در زمین بی طرف برگزار شود.

فدراسیون فوتبال عراق به حکم دادگاه عالی ورزش که این کشور را ملزم کرده دیدار با تیم ملی فوتبال عربستان را در خاک سعودی برگزار کند، واکنش نشان داد.

به گزارش شبکه العراقیه، دادگاه عالی ورزش سرانجام حکم نهایی خود را درباره دعوی فوتبالی بین عراق و عربستان اعلام کرد.

براساس حکم دادگاه عالی ورزش، عربستان مجاز اعلام برای میزبانی از عراق ندارد و دیدار برگشت دو تیم در انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه باید در خاک عربستان برگزار شود این درحالی است که فیفا پیش از این تاکید کرده بود که هیچ وجه حاشیه نیست در خاک ایران و این میدان برود و همین سبب شد تا عراق مازی را در عنوان میزبان خود انتخاب کند.

این حکم اعتراض شدید و خشم مسئولان فدراسیون فوتبال عراق را در پی داشت. عبدالخالق مسعود رئیس فدراسیون فوتبال عراق این حکم را «ظلم آشکار» دانست.

فدراسیون عراق هم بعد از این حکم، تأیید نشده و راهکار دیگری را برای مقابله با فدراسیون فوتبال عربستان برگزیده است. علی جبار نایب رئیس دوم فدراسیون فوتبال عراق در این ارتباط گفت: بازی در کشور بی طرف حق عراق است چرا که ما هم در بازی رفت همین کار را کردیم.وی افزود: به همین خاطر به دادگاه فدرال سوئیس شکایت می‌کنیم و از طریق وکیل خود پیگیر این دادگاه کاس هستیم.

قائم مقام وزیر بهداشت:در اجرای طرح تحول سلامت نباید مانع تراشی کرد

به حتی قریب به اتفاق منتقدین برخی انتقادات و اظهار نظرها درباره پزشک‌ک خانواده، مقایسه خدمات پزشکان ایرانی و آمریکایی و…، توضیحاتی ارائه کرد.
دکتر اسیرج حریری در پاسخ به گفت‌وگو با ایسنا، درباره بعضی انتقادات و حمله‌ات تند علیه طرح تحول سلامت در مورد فعالیت در پزشکی مطرح می‌شود، گفت: البته برخی انتقاداتی که مطرح می‌شود از سر دلسوزی است و در موارد قابل توجهی این انتقادات دارای نکات کارشناسی نیز هستند که ما از آنها برای ارائه برنامه‌هایمان بسیار استقبال می‌کنیم.
حریری خطاب به منتقدان گفت: راه اصلاح و ارتقای حوزه سلامت ولو با فراز و نشیب پیش خواهد رفت، بنابراین اگر کمک کنید، حداقل مانع ایجاد نکنید. اینکه نقل این موضوع و انعکاس وسیع رسانه‌ای آن، بدون توجه به این گفته که وزارت بهداشت، تمایلی برای اجرای پزشک خانواده ندارد، اظهار کرد: متأسفانه مهابطور

حقی همکاری که ما اخیراً می‌ستله را مطرح کرده‌اند، به این مقدمات و موخرات صرفاً اشاره داشتند.
وی افزود: من امروز با آقای دکتر پزشکیان ملازمه داشتم که صراحتاً گفتند منظورشان این نبوده که متوسط درآمد متخصصین ایرانی هفت برابر متوسط درآمد متخصصین آمریکایی است، بلکه منظورشان بعضی موارد و آن هم بر اساس مقایسه با درآمد سرانه ملی کشورها بوده است و نه رقم خام. همچنین آقای پزشکیان اعلام کردند که سوپر دانه‌شی هم در مورد اظهارات‌شان در مورد دریافتی مدیران دولتی شده است که باز صحیح نبوده است.

حریری ادامه داد: بنابراین البته توجه کرد که نقل خام و بدون استدلال جمله جهت احساسی در مردم عادی، خصوصاً محرومان و متضعین وحی تحصیل کرده‌ها و متخصصین رشته‌های غیر پزشکی ایجاد می‌کند.

پزشکیان در این موضوع از چند منظر امکان پذیر است. اول اینکه نقل این موضوع و انعکاس وسیع رسانه‌ای آن، بدون توجه به مقدمات و موخرات مربوطه انجام نمی‌شود.

البته بررسی این موضوع از چند منظر امکان پذیر است. اول اینکه نقل این موضوع و انعکاس وسیع رسانه‌ای آن، بدون توجه به مقدمات و موخرات مربوطه انجام نمی‌شود.

پنا به این گزارش، دهه وقف از یک‌شنبه هفتم آذرماه تا شنبه ۱۶ اردامه دارد و هر کدام از این روزها دارای عنوانی هستند که این عنوان‌ها عبارتند از: یکشنبه: «وقف و رساله»، دوشنبه: «وقف و ترویج فرهنگ لایب بیت (ع)»، سه‌شنبه: «وقف و ترویج فرهنگ قرآنی»، چهارشنبه: «وقف و بقای متبرک و زیارت»، پنج‌شنبه: «وقف و حوزه‌های علمیه»، جمعه «وقف و محرومیت‌زدایی»، شنبه «وقف و سلامت»، یکشنبه «وقف و خانواده»، دوشنبه «وقف و اقتصاد مقاومتی» و سه‌شنبه «وقف و علم و فناوری».

بمقدی با اشاره به افزایش میزان وقف در سراسر کشور، افزود: تا سال ۸۸ سالانه ۲۰۰ میلیارد تومان وقف در کل کشور به ثبت می‌رسید اما از سال ۸۹ به بعد به دلیل تبلیغ و ترویج اصحاب رسانه، میانگین یکصد مانه به بیش از ۲۵۰۰ میلیارد تومان در کل کشور رسید. وی همچنین با تسلیت ایام دهه آخر صفر و با بیان این که راهپیمایی اربعین جزئی از عظمت امام حسین (ع) است، اظهار داشت: امام حسین (ع) نوری است که بشریت را دربرمی‌گیرد و راهپیمایی اربعین جز یکی از این نور است.
وی همچنین به ادعای آزادی فکر و اندیشه را دارند، هرگز این رویداد مهم و بزرگ مردمی، مکتوب را پوشش ندادند و با اگر منتشر کردند، با بغض و عنی از آن سخنان گفتند. سازمان اوقاف با همکاری سایر نهادهای افتخار این را داشت که ۱۶۰۰ مُبلغ و روحانی را برای برپایی نماز جماعت و ترویج مفاهیم اسلامی به این راهپیمایی عظیم اعزام کند و همچنین ۴۰۰ موبک در نقاط مختلف کشور برای خدمت رسائی به زائران از طرف سازمان اوقاف فعال بود.

سرویس سیاسی – اجتماعی/ رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به انجام اقدامات مناسب و تدابیر اتخاذ شده در نیروی دریایی ارتش، اظهار داشت: ارزیابی‌های میدانی و بررسی‌های انجام گرفته، نشان از پیشرفت چشمگیر ندادجا در دوران فرماندهی این سیاری دارد.

سردار سرلشکر محمد داریوش در همایش گردمهای فرماندهان مناطق دریایی که در ستاد دفاع برپا شد، اظهار داشت: امروز دواولتان زیادی برای حضور در صحنه دفاع از حرم در نیروی دریایی و دیگر نیروها وجود دارند که اگر فضا ایجاد نشود، آماده جانشینی هستند.
وی در بیان این که با بررسی بخش دیگری از سخنان خود با بیان این که در حوضر اطلاعات دریایی خوبی در نیروی دریایی ارتش شده است، افزود: اکنون ناو شیراز در حال ساخت است و با عملیاتی شدن آن حرکت بزرگی در حوزه اطلاعاتی

کاراتسه کاهای ایران در دومین روز رقابت های قهرمانی دهه های سنی آسیا به هشت مدال رنگارنگ دست یافتند.

پانزدهمین دوره رقابت های کاراته رده های سنی آسیا از صبح جمعه در شهر «ماکاسار» اندونزی آغاز شد و درروز نمایندگان ایران عملکرد خوبی نسبت به روز ابتدایی داشتند و به دو مدال طلا و شش برنزدریگر دست یافتند.

کاتای تیمی مردان ایران بـا ترکیب «محمدجواد شریفیان»، «بهنام براتی» و «دانیال نواب صفوی» ابتدا سرلایان را ۵ بر صفر شکست داد و در دومین مبارزه به مصاف تیم میزبان رفت و با نتیجه نزدیک ۳ بر ۲ شکست خورد و به مدال برنز رسید.

در بخش کاتای تیمی دختران، تیم ایران با ترکیب «ستاره خاکپور»، «آرزو لونجی» و «محدنه نانچی» در نخستین مبارزه پنج بر صفر تایوان را پشت سر گذاشت، اما در دومین مبارزه مقابل مالزیی نتیجه را واگذار کرد و به مدال برنز دست یافت.«امیربهادر تالدین» در کاتای انفرادی از ۲۱سال در مبارزه نخست برابر کانازو مالزی باخت و زیر دور رقابت ها کنار رفت.

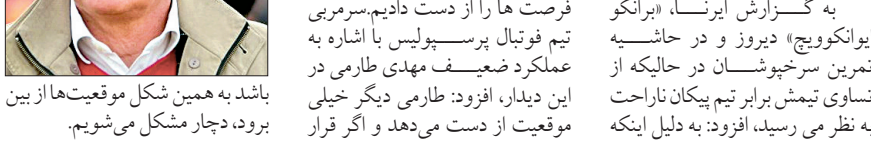
«آرزو نعمتی پوره» در کاتای انفرادی زیر ۲۱ سال دختران ابتدا نماینده هنگ کنگ را پنج بر صفر برد، سپس مقابل کانزوی ژاپنی چهار بر یک مغلوب شد و در جدول شانس مجدد مقابل اندونزی ۳ بر ۲ نتیجه را واگذار کرد و حذف شد.

در کوبیده رده سنی جوانان و در وزن به اضافه ۷۶ کیلوگرم، «مجید کوهسود» در نخستین مبارزه برابر تیم ژاپن ۵ بر یک شکست خورد و در وقت قانونی مبارزه با رای داوران بازنده شد.نیکوهمت با راهمایی حریف ژاپنی به فینال در جدول شانس مجدد به میدان

بر انکو، طارمی را تهدید به نیمکت نشینی کرد

بازیکانسه مقابل تیم چهارم جدول انگیزه خوبی داشتند به آنان تیریک می‌گویم.

وی افزود: در این دیدار، دو موقعیت صد درصد داشتیم ولی متأسفانه باز هم در زدن ضربات آخر فرصت ها را از دست دادیم.سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس با اشاره به عملکرد ضعیف مهدی طارمی در این دیدار، افزود: طارمی دیگر خیلی موقعیت از دست می‌دهد و اگر قرار



به نظر می‌رسد، افزود: به دلیل اینکه

مدیر فنی استقلال: اشتباهات فردی بود را از آبی پوشان گرفت

گسترش فولاد تیزتر، افزود: بازی جمعه از لحاظ فنی بسیار خوب بود و توانستیم در نیمه اول به تمام ضربه‌ها خطر نشان کرد. سال گذشته متظلومی جوان گرای را با استقلال دریافت کرد.اضافه کرد: گل نخست دقیقاً برروی حرکتی رقم خورد که در تمرینات برروی آن تاکید زیادی شده بود، اما به هرحال اشتباهات جزئی از فوتبال است.

مدیر فنی تیم فوتبال استقلال تهران، گفت: اشتباهات فردی در دیدار مقابل گسترش فولاد سه امتیاز مهم را از استقلال گرفت.

«بهتاش فریاد» دیروز در گفتگو با ایرنا در باره دیدار استقلال و

بازدید معاون اول رئیس جمهوری از نمایشگاه بسیج دهه ۹۰

معاون اول رئیس جمهوری به حضور در سازمان بسیج مستضعفین، از نمایشگاه عملکرد دهه ۹۰ این سازمان بازدید کرد.

به گزارش ایرنا، سردار محمدحسینقلی رئیس سازمان بسیج مستضعفین، سردار حسین دهقان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و رضوی معاون توسعه روستایی رئیس جمهوری، اسحاق جهانگیری را در این بازدید همراهی کردند. از جمله حوزه های اصلی فعالیت بسیج مستضعفین بسترسازی

دکتر فاضل: خرید و فروش کلیه غیر قانونی نیست اما شرم آور است

می‌داند دردیگر کشورها این کار را انجام نمی‌دهند و نمی‌توانند قانون را دور بزنند. وزیربسیان بهداشت و درمان گفت: بعضی افراد فکر می‌کنند که این اتفاق که یک ایرانی از خارج کرده و زمانی کوتاه کلیه گرفته اما هزاران نفر همواره در لیست انتظار هستند عضو تیم پزشکی امام راحل افزود: بنابر این من کلا با فروختن عضو و کلیه هر گونه پیوند با عضو و کلیه هر گونه پیوند از جمله غریبه به کلی مخالف و بهترین راه پیوند را پیوند از مرگ مغزی ویا پیوند زنده فرزند از پدر و مادر می‌داند. مشاور وزیر بهداشت و درمان ادامه داد: پیوند کلیه نیزحتماً می‌بایست از جسد باشد و امکان اینکه کسی کلیه را بفروشد نیست اما فقط در مورد بچه های کوچک که نیاز به پیوند دارند می‌شود یک قطعه از کلیه پدر یا مادرشان را به کودکی پیوند بزنند.

رئیس جامعه جراحان کشور درواکنش به پیوند کلیه یک پیرمرد ۷۸ ساله ایرانی مقیم آمریکا در داخل کشور که با واکنش های تندى روبرو شد گفت: خرید و فروش کلیه درحال حاضر کاری غیر قانونی نیست اما یک شک غیر انسانی است که مایه ی ابروزیری کشور عزیزان است به همین خاطر باید دراین باره هرچه زودتر چاره ای جدی اندیشیده شود. دکتر ایرج فاضل در گفتگو با شفافانلاین ضمن بیان این مطلب اظهار کرد: من به طور کل در مورد افراد اعضا، از زنده مخالمف و به فروشش راهم کاری غیر انسانی می‌دانم که باعث ابروزیری برای کشور است و کسی هم که می‌داند در کشور واین کار را انجام می‌دهد قرار بگیرد.

انجام می‌شود.باید با تجهیزات مانند پهادهای دریایابه روی مسائل اطلاعاتی و دریافت اطلاعات دشمن متمرکز شویم و راهبردها و دکنین‌های ما باید همواره بروز و راهگشا و موجب بازدارندگی دشمن باشد. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تاکید کرد: ما هیچ‌گونه هم ترازى با دشمنان استکبارى در حوزه دریای نداریم لذا روش‌های کلاسیک جوارنگوگ است و باید روش‌های دیگری را حتماً باید به‌نhan بماند را تمرین کنیم تا یک فرمانده ناو بهترین عملکرد را در صحنه برتر داشته باشد. باقری افزود: همچنین کارهای بزرگی در حوزه تعمیر و بازسازی شناورها شده است اما هنوز کارهای زیادی وجود دارد. امیر سرلشکر عطاءالله صالحی فرمانده کل ارتش هم در این مراسم به اشاره به تلاش‌های فرماندهان نادجا در توسعه سواحل مکران گفت: با انجام این کار مهم دل رهبر ششاد شد. امیر سرلشکر عطاءالله صالحی

ورزشی

ورزشی

در خوشی کاراته کاهای ایران در مسابقات قهرمانی آسیا

در وزن نههای ۶۱ کیلوگرم، «مجتبی محمدی» در گام نخست کاراته کا سرلایان را یک بر صفر مغلوب کرد و در دومین مبارزه ۸ بر یک از سد حریفی از هنگ کنگ گذشت.

وی در مبارزه سوم نماینده قزاقستان را ۲ بر صفر شکست داد و در نیمه نهایی برابر اندونزی قرار گرفت



مبارزه سوم مقابل کاراته کا ژاپن قرار گرفت و ۸ بر صفر مغلوب شد. نتاجی در دیدار رده بندی حریفی از عربستان را ۲ بر یک برد و به مدال برنز رسید.

طیعی نخستین گلزن اروپایی فوتسال ایران

تیم فوتسال غیرت قزاقستان با گلزنی ملی پوش ایرانی به پیروزی رسید.

به گزارش ایسنا، حسین طیعی ملی پوش فوتسال ایران که به تازگی به تیم غیرت قزاقستان قهرمان اروپا پیوسته در دومین حضورش در ترکیب این تیم موفق به گلزنی شد. این نخستین گل یک بازیکن ایرانی در لیگ قهرمانان اروپا در رشته فوتسال است.

غیرت در دومین بازی مرحله گروهی این مسابقات به مصاف تیم فنیکس کوکوزوو رفت و با پایان با نتیجه ۶ بر صفر به برتری رسید. طیعی گل ششم غیرت را در دقیقه آخر بازی به ثمر رساند. مرحله گروهی این مسابقات به میزبانی قزاقستان در حال برگزاری است و غیرت به عنوان مدافع عنوان قهرمانی با کسب دو پیروزی در آن‌ساخته صعود قرار دارد.

درگیری شدید در بازی حفاری و گیی‌پسند
همچنین در چارچوب رقابت‌های هفته دوازدهم لیگ برتر فوتسال گیی‌پسند و حفاری روز جمعه به مصاف هم رفتند که در پایان بازی درگیری شدیدی بین دو تیم به‌وجود آمد. گرچه این دیدار در پایان نتیجه شش بر شش مساوی شد اما درگیری وزد وخورده بازیکنان هوجوم تماشا گران به زمین صحنه های زشت و زننده ای را رقم زد که کمیته انضباطی آرای خود رافرای مسابقه اعلام کرد.

اعلام احکام بازی جنجالی
دبیر سازمان لیگ از برخورد قاطعانه و محرومیت سنگین بازی بازیکان خاطی دیدار گیی‌پسند و حفاری خبر داد.

به گزارش ایسنا، جلسه هیات رئیسه سازمان لیگ فوتسال ایران در حضور تمامی اعضا و رضا افتخاری برگزار شد. کاظم سلیمانی دبیر سازمان

ابتکار: بانکداری الکترونیک به کاهش مصرف سوخت کمک می‌کند

سرویس سیاسی – اجتماعی/ رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: همه طرح‌ها محیط زیست زیست‌محیطی داشته باشند و اگر بانک‌ها به این مساله توجه کنند، دیگر شاهد اجرای دولت بازدهم مسافری بانک می‌گردیم و شاهد اجرای طرح‌های مخرب محیط زیستی نشانه‌دهنده مسئولیت اجتماعی نظام بانکی کشور است. ابتکار بانکداری ویژه نداشتن بانکداری در مراسم امضای تفاهنامه سازمان حفاظت محیط زیست و بانک ملی با اشاره به این که دولت بازدهم مسافری بانک کشور برای پیش‌بردر برنامه‌های محیط زیست گام‌های خوبی برداشته است، اظهار داشت: بانک ملی مثال بانک ملت، بیمه پلنگ ایرانی را برعهده گرفت.

می‌داند دردیگر کشورها این کار را انجام نمی‌دهند و نمی‌توانند قانون را دور بزنند. وزیربسیان بهداشت و درمان گفت: بعضی افراد فکر می‌کنند که این اتفاق که یک ایرانی از خارج کرده و زمانی کوتاه کلیه گرفته اما هزاران نفر همواره در لیست انتظار هستند عضو تیم پزشکی امام راحل افزود: بنابر این من کلا با فروختن عضو و کلیه هر گونه پیوند با عضو و کلیه هر گونه پیوند از جمله غریبه به کلی مخالف و بهترین راه پیوند را پیوند از مرگ مغزی ویا پیوند زنده فرزند از پدر و مادر می‌داند. مشاور وزیر بهداشت و درمان ادامه داد: پیوند کلیه نیزحتماً می‌بایست از جسد باشد و امکان اینکه کسی کلیه را بفروشد نیست اما فقط در مورد بچه های کوچک که نیاز به پیوند دارند می‌شود یک قطعه از کلیه پدر یا مادرشان را به کودکی پیوند بزنند.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به این که دولت بازدهم مسافری بانک کشور برای پیش‌بردر برنامه‌های محیط زیست گام‌های خوبی برداشته است، اظهار داشت: بانک ملی مثال بانک ملت، بیمه پلنگ ایرانی را برعهده گرفت.

چین بر گزار شد. رئیس جمعیت هلال‌احمر از همه کشورهای شرکت‌کننده در نشست کنفرانس پرسردوستانه سران خواست تا برای پاسخ به نیازهای انسان‌دوستانه در منطقه، اقدامات عاجل و شایسته ای انجام دهند. به گزارش مهر، نشست پیگیری کنفرانس پرسردوستانه سران با شرکت ۱۲ نفر از روسا و مدیران کل سازمان کارشناسی از ۱۰۰ جمعیت ملی صلیب سرخ و هلال‌احمر از مناطق خاورمیانه و آسیا و اقیانوسیه اجتماعی چین، مدیران پنج استان جنوبی صلیب‌سرخ چین، مدیران مناطق خاورمیانه و آسیا و اقیانوسیه فدراسیون بین‌المللی، برخی از سازمان‌های بین‌المللی و سازمان امداد و نجات یو اس‌آکی چین در شهر دوهونگ در استان «یوننان»

چین برگزار شد. رئیس جمعیت هلال‌احمر از همه کشورهای شرکت‌کننده در نشست کنفرانس پرسردوستانه سران خواست تا برای پاسخ به نیازهای انسان‌دوستانه در منطقه، اقدامات عاجل و شایسته ای انجام دهند. به گزارش مهر، نشست پیگیری کنفرانس پرسردوستانه سران با شرکت ۱۲ نفر از روسا و مدیران کل سازمان کارشناسی از ۱۰۰ جمعیت ملی صلیب سرخ و هلال‌احمر از مناطق خاورمیانه و آسیا و اقیانوسیه اجتماعی چین، مدیران پنج استان جنوبی صلیب‌سرخ چین، مدیران مناطق خاورمیانه و آسیا و اقیانوسیه فدراسیون بین‌المللی، برخی از سازمان‌های بین‌المللی و سازمان امداد و نجات یو اس‌آکی چین در شهر دوهونگ در استان «یوننان»

یکشنبه ۷ آذر ۱۳۹۵ - ۲۷ صفر ۱۳۹۸ - ۲۷ نوامبر ۲۰۱۶ - سال نویدیکم - شماره ۲۶۵۹۵

کوتاه خارجی

پوتین با به توپ شد



به گزارش ایرنا، رئیس جمهوری

به توپ رسمی جام کنفدراسیون۲۰۱۷

قراراست در روسیه برگزار شود، رو پایی

روسیه برای برگزاری موفق جام کنفدراسیون ها همچنین جام

جهان۲۰۱۸ برنامه ریزی ویژه ای کرده است که از آن جمله جام حضور

دزدگان پلیت های جام جهانی برای دو ماه در این کشور همزمان با

مسابقات جام فوتبال کنفدراسیون هاز (۲۷ خرداد ماه تا ۱۱ تیرماه

۱۳۹۶) برگزار می شود و هشت تیم برای تصاحب جام قهرمانی در آن

رقابت می کنند. مراسم قرعه کشی مسابقات جام کنفدراسیون ها دیروز

در قازان پایتخت جمهوری تاتارستان(در منطقه ولگای روسیه) برگزار

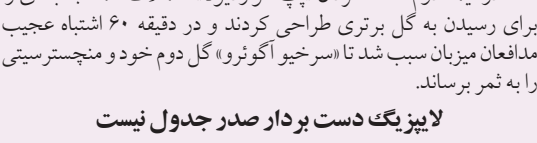
شد.ورزشگاههای مسکو، سن پترزبورگ، سوچی و قازان برای میزبانی

این رقابت ها در حال آماده سازی هستند.

پیروزی منچستریتی با درخشش آگونرو

«سرخپو آگونرو» مهاجم آرژانتینی منچستریتیسی در درخشش خود و به ثمر رساندن دو گل، سند پیروزی تیمش مقابل برنلی را امضاء کرد. به گزارش ایرنا، دیروز و در دیدار نخست هفته سیزدهم لیگ برتر فوتبال باشگاه های انگلیس، نیم مدعی منچستریتیسی در حضور بیش از ۲۰ هزار تماشاگر «تارف مور» میهمان برنلی بود و در نهایت به برتری با یک گل دست یافت تا با ۳۰ امتیاز و به صورت موقت به صدرجدول رده بندی صعود کند. این دیدار از سری مهمان بهتر آغاز شد و این تیم توانست در دقیقه ۱۲ با ضربه «مارتینی» به گل دست یابد، اما «سرخپو آگونرو» مهاجم آرژانتینی منچستریتیسی در دقیقه ۳۷ کار را به تساوی یک بر یک کشاند.در دقیق پایانی نیمه نخست تیم برنلی با بدشانسی وریو شد و دو بازیکن این تیم به دلیل مصدومیت تعویض شدند. دو نیمه دو ششادگرد «پپ گرازدیولا» حلات همه جانبه ای را برای رسیدن به گل برتری طراحی کردند و در دقیقه ۶۰ اشتباه عجیب مدافعان میزبان سبب شد تا «سرخپو آگونرو» گل دوم خود و منچستریتیسی را به ثمر برساند.

لایزیک دست بردار صدر جدول نیست



پدیده این فصل رقابت‌های فوتبال بوندس لیگا با پیروزی در نخستین بازی هفته دوازدهم، جایگاه خود را در صدر جدول تثبیت کرد. به گزارش مهر، تیم های فوتبال فرایبورگ و لایپزیگ در دیدار آغازین هفته دوازدهم رقابت‌های بوندس لیگا به مصاف یکدیگر رفتند که طی آن تیم لایپزیگ با نتیجه ۶ بر یک میزبان خود را شکست داد.بلی کیتا (۲۱) تیمو ووتر (۲۱) و مارسل ساییتز (۷۹) زننده گل این تیم لایپزیگ بودند. گل گل فرایبورگ را هم نیدرلچنر (۱۵) به ثمر رساند. لایپزیگ با این برد خارج از خانه ۳۰ امتیازی شد و در صدر جدول جایگاه خود را تثبیت کرد. بایرن مونیخ با یک بازی کمتر و ۲۴ امتیاز در رده دوم قرار دارد.

سایر نتایج:
دورتموند ۲-۰ دورتموند ۱
اینگولشتات ۱-۰ولفسبورگ ۱
هامبورگ ۲-۰دوردرم ۱
کلمن - آگزبورگ ۲ صفر
موشن گلادباخ ۱-۰هانف هایم

لگنهای گشاده

سازمان یبز یسی: فعالیت خانه های اسباب بازی غیر قانونی است
سرویس سیاسی – اجتماعی/مدیرکل امور حقوقی سازمان بهزیستی کشور گفت: فعالیت هر واحد فعال در حوزه کودک، غیر از مهد کودک، تحت هر عنوانی غیر قانونی است که فعالیت خانه اسباب بازی از جمله این فعالیت های غیر قانونی به شمار می آید.

صلاح‌الدین قاضی‌نژاد در گفتگو با ایرنا افزود: طی دو ماه اخیر ۴۸ واحد فعال در حوزه کودک با عنوانی مانند خانه اسباب بازی، خانه مادر و کودک، س‌سرای کودک و مهدقارنی با همکاری نیروی انتظامی پلمب شد؛ چرا که این واحدها در حقیقت کار مهدکودک را انجام می‌دانند، این حالی است که از بهزیستی هم مجوزی نداشتند. وی بهزیستی را بگانه متولی صدور مجوز این واحدها دانست و گفت: متأسفانه بیشتر این واحدها و مهدهای قرآنی، مجوز فعالیت خود را از سازمان فرهنگی و هنری شهرداری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا بسیج می‌گیرند در حالی که متولی صدور مجوز این واحدها، بهزیستی است نه دستسگاه های دیگر. قاضی‌نژاد ادامه داد: فعالیت واحدهای مرتبط با کودکان، شرایط و الزاماتی را می‌طلبد تا منجر به نوبخ‌عالیه کودک شود اما اگر هر ارگانی یک واحد در این زمینه راه اندازی کند، ممکن است هرحانه‌ای در این واحدها رخ دهد.

ملا مجوز فعالیت خانه های اسباب بازی را شهرداری صادر کرده است اما به آنها تذکرهای لازم را داده و اعلام کرده ایم که باید این مجوز از سوی بهزیستی داده شود اما آنها توجهی نکرده‌اند. مدیرکل امور حقوقی سازمان بهزیستی کشور از خاترواده خواست تا گزارش واحدهای غیرمجاز مرتبط و آموزشی کودکان تحت نظارت مختلف از جمله سرای کودک یا خانه اسباب بازی را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۱۳۳۳۳ اعلام کنند.

دولت تدبیر و امید گشاده‌پوزه‌ای به ارتقای جایگاه زنان دارد
«کنگره زنان مواج ایران به زنان برای حضور در مناصب مدیریتی امید

بیشتری می‌دهد»
زهرایربانی، معاون توسعه منابع انسانی وهماهنکی استان های سازمان برنامه و بودجه شورای عضو شورای عالی راهبردی کنگره زنان موفق ایران با بیان مطلب بالا افزود: این سازمان از برگزاری این کنگره به حد حمایت می‌کند و این رویداد با همکاری معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری و دیگر وزارتخانه‌ها تلاش خواهد کرد که به زنان امید بیشتری برای حضور پررنگتر در مناصب مدیریتی و سیاسی بدهد. همچنین با حضور زنان موفق و ارانه تجربیات و تفاهات بیشتر در افزایش خوداروی و اعتماد به نفس بانوان، نادبیر و راهکارهای اندیشه‌ای ششاد شد. است وی تاکید کرد: دولت تدبیر و امید نگاه ویژه‌ای به جایگاه زنان ارتقاء داده و این جایگاه دراین باره بهتر شسته است اما امیدواریم به‌زهمه شود. ایرابلی گفت: این کنگره با برگزاری پتل های تخصصی و کارگاه های آموزشی موجب می‌شود زنان با عرضه مدیریتی، مشارکت سیاسی و تعاملات بین‌المللی آشنا شوند و همچنین مساحتظان این عرضه، در زمینه‌های مانند افزایش اعتماد به توانمندی‌ها واستعدادهای بانوان کشور در حوزه‌مدیریتی، انتقال تجربیات تراحد مدیر موفق در سطوح ملی و بین المللی به هم اشتراک می‌گذارند.

آگهی دعوت از بستانکاران سازمان تعاون مصرف شهر و روستا (در حال تمفیه)

به‌شماره ثبت ۲۶۰۵۶ و شماره ملی ۱۰۰۷۰۷۱۵۱۹۸ (نوبت اول)

پیرو آگهی انحلال مندرج در روزنامه رسمی شماره ۳۲/۸۶۷۸ مورخ ۱۳۸۱/۴/۹ و مصوبه شورای عالی اداری به شماره ۱۲/۵۸۶۱ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۸ که بر اساس آن سازمان تعاون مصرف شهر و روستا منحل اعلام گردیده بدینوسیله‌وقف ماده ۲۲۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران احتمالی حقیقی و حقوقی این سازمان دعوت به عمل می‌آید با در دسترس داشتن اسناد و مدارک خود به این سازمان به آدرس تهران – خیابان کریم خان زند – خیابان آبان شمالی (شهید عضدی) – کوچه عبده – پلاک ۳ طبقه ۴ مراجعه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت ۴ ماهه هیچگونه ادعایی پذیرفته نخواهد شد.

بهمن لایسی مدیر تفصیه سازمان

از نگاه رهبر معظم انقلاب



روزهای سخت برای مدینه

روز رحلت پیغمبر و قبل از آن، روزهای بیماری آن حضرت، روزهای سختی برای مدینه بود؛ به ویژه با آن خصوصیتی که اندکی قبل از رحلت پیغمبر پیش آمد. پیغمبر به مسجد آمد و روی منبر نشست و فرمود: «هر کس به گردن من حقی دارد، آن حق را از من بگیرد». مردم شروع به گریه کردند و گفتند: «یا رسول الله! ما به گردن تو حق داشته باشیم؟!»

فرمود: «اگر سواپی پیش خدا سخت تر از سواپی پیش شماست. اگر به گردن من حقی دارید، اگر از من طلبی دارید، بیایید و بگیرید تا به روز قیامت نیفتد.»

ببینید چه اخلاقی! کیست که دارد این حرف را می زند؟ آن انسان والا ای که جبرئیل به مصاحبت با او افتخار می کند؛ اما در عین حال با مردم شوخی نمی کند؛ جدی می گوید تا مبادا در جایی به وسیله او، ندانسته حقی از کسی ضایع شده باشد.

پیغمبر این مطلب را دو بار، سه بار تکرار کرد. البته در تاریخ ماجراهایی را آورده اند که من خیلی نمی دانم کدامش و چقدرش دقیق است؛ اما آن مطلبی که غالباً نقل کرده اند، این است که یک نفر بلند شد و عرض کرد: «یا رسول الله! من به گردن تو حقی دارم. تو یک وقت با ناچه از پهلوی من عبور می کردی؛ من هم سوار بودم، تو هم سوار بودی. ناچه من نزدیک تو آمد و تو با عصا، می کردی؛ ولی عصا به شکم من خورد و من این را از تو طلبکارم!»

پیغمبر پیرانش را بالا زد و گفت: «همین حالا بیا قصاص کن؛ نگذار به قیامت بیفتد.»

مردم حیرت زده نگاه می کردند و می گفتند آیا این مرد واقعا می خواهد قصاص کند؟ آیا دلش خواهد آمد؟... دیدند پیغمبر کسی را فرستاد تا از خانه، همان چوبدستی را بیاورند. بعد فرمود: «بیابگیر و با همین چوب به شکم من بزن!»

آن مرد جلو آمد. مردم، همه مبهوت، متحیر و شرمزده از این که نکند این مرد بخواهد این کار را بکند. اما یک وقت دیدند او روی پای پیغمبر افتاد و بنا کرد شکم پیغمبر را بوسیدن. گفت: «یا رسول الله! من با منس بدن تو خودم را از آتش دوزخ نجات می دهم!»

خطبه های نماز جمعه تهران - ۱۳۸۰/۰۲/۲۸
امام حسن (ع) و نحوه مقابله با معاویه
... نوبت امامت به امام حسن علیه السلام رسید و در همان وضعیت بود که آن حضرت نتوانست بیش از شش ماه دوام بیاورد. تنهای تنهای گذشتند. امام حسن مجتبی (ع) می دانست که اگر با همان عده معدود اصحاب و یاران خود با معاویه به جنگ و به شهادت برسد، انحطاط اخلاقی زیادی که بر خواص جامعه اسلامی حاکم بود، نخواهد گذاشت که دنبال خون او را بگیرند.

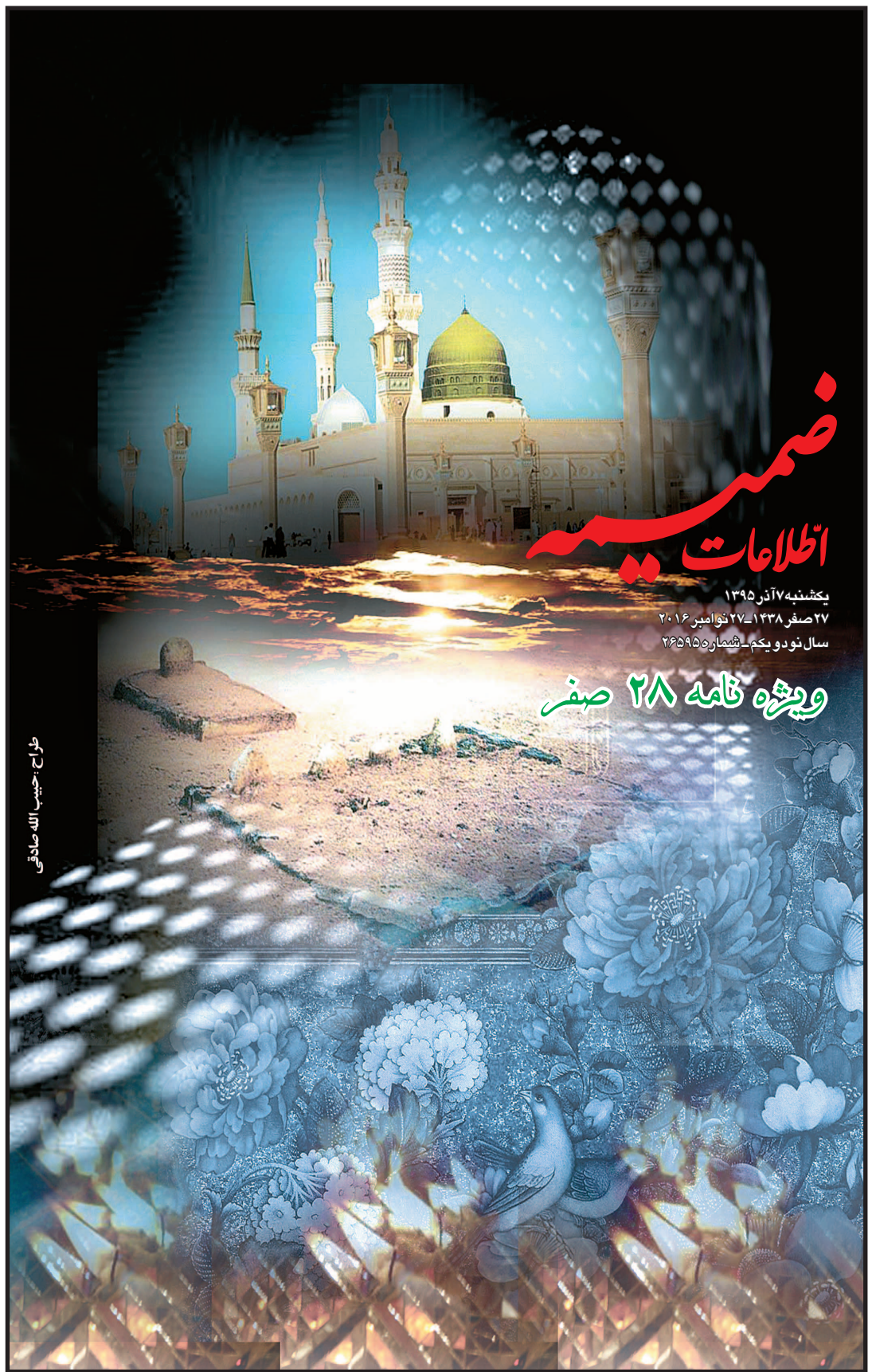
تبلیغات، پول و زرنگی های معاویه، همه را تصرف خواهد کرد و بعد از گذشت یکی دو سال، مردم خواهند گفت «امام حسن بیهوده در مقابل معاویه قد علم کرد». لذا، با همه سختی ها ساخت و خود را به میدان شهادت نینداخت؛ زیرا می دانست خورش هدر خواهد شد.

گاهی شهید شدن آسان تر از زنده ماندن است. حقا که چنین است. این نکته را اهل معنا و حکمت و دقت، خوب درک می کنند. گاهی زنده ماندن و زیستن و تلاش کردن در یک محیط، به مراتب مشکل تر از کشته شدن و شهید شدن و به لقای خدا پیوستن است. امام حسن علیه السلام این مشکل را انتخاب کرد. وضع آن زمان چنین بوده است. خواص، تسلیم بودند و حاضر نمی شدند حرکتی کنند...

در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمدرسلول الله (ص) - ۱۳۷۵/۰۳/۲۰

این مقطع سی و پنج ساله (از ۱۴۸ تا ۱۸۳ هجری) یعنی دوران امامت حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) یکی از مهمترین مقاطع زندگینامه ائمه (علیهم السلام) است.

بقیه در صفحه ۲



ضمیمات

یکشنبه ۷ آذر ۱۳۹۵

۲۷ صفر ۱۴۳۸ - ۲۷ توامیر ۲۰۱۶

سال نود و یکم - شماره ۲۶۵۹۵

ویژه نامه ۲۸ صفر

طراح: حبیب الله صادقی

آخرین سخن رسول خدا (ص)



دکتر عبدالکرم زین کوب

پیغمبر به دلاری اش گفت که من بیش از توح دارم که از سردرد بنالم؛ با این همه باک مدار، اگر تو پیش از من بمیری، تو را کفن خواهم کرد، بر تو نماز خواهم خواند و تو را به خاک خواهم سپرد....

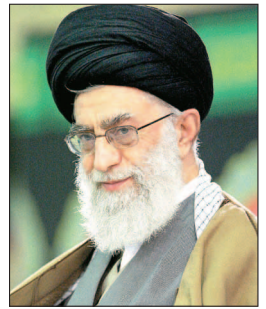
بقیه در صفحه ۲

اندیشه و عبرت پرداخت. با مردگان به زبان دل سخن گفت و برای همه آنها دعا خواند و آموزش طلبید. با بومیه هم گفت که مرا خبر کرده اند بین زندگی دنیا و لقای خدا، اما من لقای خدا را برگزیدم. در بازگشت به خانه، تب و دردی برافزود. اما حتی در بیماری نیز خوشخویی خود را از دست نمی داد. آن شب که از قبرستان باز می گشت، عایشه از سردرد می نالید.

عایشه بیماری اش طولانی شد و یک چند از رفت و آمد مردم کنار ماند. این بار چنین می پنداشت که از بیماری بر نخواهد خاست. در آغاز ناآلانی یک شب که خواب به چشمش راه نمی یافت و با یاری یک تن خادم - ابومویه - یابادگران به بقیع، گورستان مدینه رفت. آنجا که آن همه دوستان و پیروانش در خواب ابدی غنوده بودند، یک چند به

مورد استناد و اعتبار است. *** در پایان عمر، محمد (ص) در خانه «میمونه» بیمار شد و در نوبت بخت جحش بیماری اش شدت یافت.... وقتی او را به خانه عایشه می آوردند، بر دوش علی و فضل بن عباس تکیه داشت. سرش را بسته بود و پاهایش را بر زمین می کشید. در خانه

اشاره: مقاله زیر به قلم مرحوم «دکتر عبدالکرم زین کوب» در سال ۱۳۴۶ نگاشته شده است که روایت متفاوتی را از آنچه در فضای رسمی عزاداری هادرباره رحلت پیامبر گفته می شود، بیان داشته است. برخی از آنچه در این مقاله آمده، از منابع برادران اهل تسنن گرفته شده است. طبعادر موارد اختلاف، منابع تشیع برای شیعیان اهل بیت



بقیه از صفحه اول

دو تن از مقتدرترین سلاطین بنی عباس - منصور و هارون - و دو تن از جبارترین آنان - مهدی و هادی - در آن حکومت می کردند. بسی از قیام ها و شورش ها و شورشگرها در خراسان، در افریقیه، در جزیره موصل، در دیلمان و جرجان، در شام، در نصیبین، در مصر، در آذربایجان و

ارمنستان و در اقطاری دیگر، سرکوب و منقاد گردیده و در ناحیه شرق و غرب و شمال قلمرو وسیع اسلامی، فتوحات تازه و غنائم و اموال وافر، بر قدرت و استحکام تخت عباسیان افزوده بود.

جریان های فکری و عقیدتی در این دوران، برخی به اوج رسیده و برخی زاده شده و فضای ذهنی را از تعارضات، انباشته و حربه ای در دست قدرتمداران و آفتی در هوشیاری اسلامی و سیاسی مردم گشته و میدان را بر علمداران صحنه معارف اصیل اسلامی و صاحبان دعوت علوی،

از نگاه رهبر معظم انقلاب

روزهای سخت برای مدینه

تنگ و دشوار ساخته بود. شعر و هنر، فقه و حدیث و حتی زهد و ورع، در خدمت ارباب قدرت درآمده و مکمل ابزار زر و زور آنان گشته بود. در این دوران، دیگر نه مانند اواخر دوران بنی امیه و نه همچون ده ساله اول دوران بنی عباس و نه شبیه دوران پس از مرگ هارون که در هر یک، حکومت مسلط وقت، به نحوی تهدید می شد؛ تهدیدی جدی دستگاه خلافت را نمی لرزاند و خلیفه را از جریان عمیق و مستمر دعوت اهل بیت (علیهم السّلام) غافل نمی ساخت.

در این دوران، تنها چیزی که می توانست مبارزه و حرکت فکری و سیاسی اهل بیت و یاران صدیق آنان را مجال رشد و استمرار بخشد، تلاش خستگی ناپذیر و جهاد خطیر آن بزرگواران بود و توسل به شیوه الهی «تقیه». و بدین ترتیب است که عظمت حیرت آور و دهشت انگیز جهاد حضرت موسی بن جعفر (علیه) و علی آبا نه التحیه و السلام (اشکار) می گردد.

پیام به سومین کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع) - ۱۳۶۸/۰۷/۲۶

آخرین سخن رسول خدا (ص)

دکتر عبدالعزیز زربین کوب

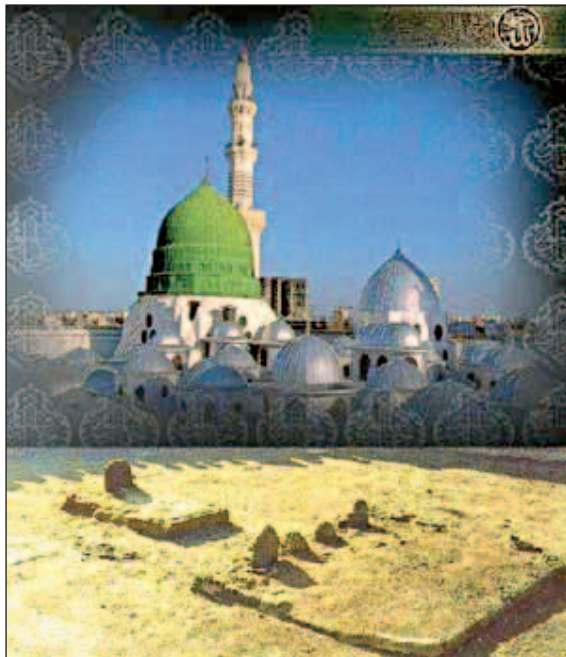
دهد. سر و صدا بلند شد که پیغمبر هذیان می گوید و بدین گونه - شاید برای آن که سخن مرگ را از زبان وی نشنوند - او را از این کار مانع آمدند. در این روزها پیغمبر در تب داغی می سوخت؛ چنان که از شدت حرارت کسی دست بر دست وی نمی توانست نهاد.

ظرف آبی کنار بسترش بود که گاه از آن به صورت خویش می زد و ناله ای می کرد. فاطمه یگانه فرزندش در نزدیک بستر پدر می گریست. وقتی محمد بی تابى او را دریافت، دختر را پیش خواند و چیزی آهسته در گوش او گفت. فاطمه بگریست. پیغمبر دیگر بار او را پیش خواند و باز پنهانی چیزی در گوش او گفت. این بار دختر بخندید. بعدها وقتی عایشه از وی پرسید که آن گریه و خنده چه بود؟ گفت آن روز پدرم اول به من گفت که می میرد و من از درد گریستم. بعد گفت من هم به زودی به او می پیوندم، از شادی خندیدم.

بدین گونه، بیماری پیغمبر شدت یافت. آخرین روز در حالش اندکی بهبود پدید آمد. مردم شادمان شدند و گمان کردند که مگر از بیماری بر خاست. ابوبکر که نگرانی بسیار داشت، آسوده خاطر شد و به خانه خویش - در خارج شهر - بازگشت. اما این بهبود ظاهری و بی دوام بود. پیغمبر باز در صدد برآمد که به مسجد رود، اما نتوانست. نزد عایشه بازگشت و به بستر افتاد.

زن سرش را در کنار گرفت و پیغمبر محترمانه دعایی چند خواند. پس از آن ساکت شد و گویی به خواب رفت. هنوز ظهر نشده بود که حرکتی خفیف کرد. بر پیشانی اش عرق نشست و نفسی کشید. آخرین سخنش این بود: بل الرّقیق الاعلی - بل آن یار برترین!

پس از آن خاموشی گزید و سرش بر سینه عایشه افتاد... و عایشه آن را بر بالش نهاد تا بر خیزد و با دیگر زنها بر مرگش شیون کند.



بی تودق می کنند

سلمان ها

یوسف رحیمی

آمدی با تجلی توحید
به زمین آوری شرافت را
ببری از میان این مردم
غفلت و کفر و جاهلیت را
ولی افسوس عده ای بودند
غرق در ظلمت و تباهی ها
در حضور زلال تو حتی
پی مال و مقام خواهی ها
سال ها در کنار تو اما
دلشان از تب تو عاری بود
چیزی از نور تو نفهمیدند
کار آن ها سیاهکاری بود
در دل این اهالی ظلمت
کاش یک جلوه نور ایمان بود
بین دل های سخت و سنگی شان
اثری از رسوخ قرآن بود
چه به روز دل تو آورده
غفلت نا تمام این مردم؟
در دل تو قرار ماندن نیست
خسته ای از مرام این مردم
آخرین روزها خودت دیدی
فتنه ای سهمگین رقم می خورد
و شکوه سپاه پر شورت
باز با خدعه ها به هم می خورد
پیش چشمان گریه پوشت باز
ببرق ظلم را علم کردند
ساحت را به تهمت هذیان
چه وقیحانه متهم کردند
لحظه های وداع تو افسوس
دل نداده کسی به زمزمه ات
یک جهان را زویک جهان غم داشت
خنده گریه پوش فاطمه ات
بعد تو در میان اصحابت
چه می آید به روز سیره تو
می روی و غریب تر از پیش
بین نامردمان عشیره تو
خوش به حال ستارگانی که
با طلوع تو رو سپید شدند
از تب فتنه در امان ماندند
در رکاب شما شهید شدند
می روی و در این غریستان
بی تودق می کنند سلمان ها
دست های علی و زخم طاب
وای از این ظاهر اُمسلمان ها
راه توحیدی ولایت را
همگی سد شدند بعد از تو
جز علی و فدائیان علی
همه مرتد شدند بعد از تو
حیف خورشید من به این زودی
حرف هایت زیاد می رفت و...
در کنار سقیفه ظلمت
هستی توبه بادمی رفت و...
شاهدی این همه مصیبت را
این غم و درد بی نهایت را
آه اما کسی نمی شنود
غربت سرخ ناله هایت را:
چه شده از بهشت روشن من
این چنین بوی دود می آید؟
از افق های چشم مهتابم
ناله هایی کبود می آید
این همان کوثر است ای مردم
پس چه شد حرمت ذوی القربی؟
آه آیا درست می بینم
آتش و بال چادر زهرا
آه تنها سه روز بعد از من
اجرم را چه خوب ادا کردید!
بر سر یاس دامن یاسین
بین دیوار و در چه آوردید!
غربت توهنوز هم جاری است
قصه تلخ خواب این مردم
منتظر در غروب بی یاری است
سال ها آفتاب این مردم

بقیه از صفحه اول

حتی در بیماری نیز از حال بینوایان غافل نبود. ثروت خود و مکتب خدیجه را پیش از این در همین راه باخته بود و آنچه نیز از سهم غنیمت و خمس به دست آورد، به صدقه داده بود. باین همه پیش از بیماری و چه مختصری به عایشه داده بود تا نگاه بدارد.

در بیماری از وی خواست تا آن را به محتاجان دهد. پس از آن چند لحظه بیهوش شد و در این بیماری مکرر این حال برایش پیش می آمد. چون به هوش آمد، از عایشه پرسید که آیا آن وجه را به محتاجان رسانیده است؟ زن گفت هنوز نه. پیغمبر او را وی داشت تا آن مال را حاضر آورد و آن را به کسانی که مستحق بودند فرستاد. پس از آن گفت اکنون آسوده شدم از آن که شایسته نبود که پیش پروردگار خویش بروم و این اندازه مال داشته باشم.

«بنا به قولی از برادران اهل سنت یک بار که ابوبکر با مردم نماز می خواند، پیغمبر به مسجد وارد شد. لرزان و ناتوان بود و فضل بن عباس و علی بن ابی طالب زیر بازویش را گرفته بودند. مردم که در آن وقت انتظار دیدار وی را نداشتند، از شادی دیدار او نزدیک بود صف نماز را بهم زنند، اما وی نگذاشت. در کنار ابوبکر نشست و نماز خواند. به قولی ابوبکر را کنار زد و خود با مردم نماز به جای آورد.

بعد از آن، روی به مردم کرد و با حالتی رنجور، بارنگی پریده و در حالی که پارچه ای به سر خویش بسته بود با مسلمانان سخن راند. یک جا اشارت به نزدیکی وفات خویش کرد و گفت خداوند بنده ای را مخیر کرد دنیا و آنچه نزد خداست. آن بنده چیزی را که نزد خداست برگزید. در اینجا گویند ابوبکر بگریست و گفت جان ما و پدران ما فدای تو باد. پیغمبر سخن را ادامه داد، به مهاجران سفارش کرد در باب انصار، و با مردم وداع کرد.

در ضمن سخن هم گفت که آدمی را از مرگ گریزی نیست، اما بعد از مرگ حسابی در کار هست که در آن بر هیچکس نخواهند بخشود. به خدا سوگند که من هیچ چیز را حلال نکرده ام، مگر آنچه خدا حلال کرده است و چیزی را حرام نکرده ام، مگر آنچه خدا حرام کرده است. اکنون اگر کسی هست که من بر وی ستم کرده ام، هم امروز از من درخواهد تاداد وی بدهم. اگر کسی هست که بدو وام دارم، هم اکنون از من طلب کند تا آن وام به وی بازدهم. اگر کسی هست که من بر پشت وی تازیانه زده ام، هم اکنون بر خیزد و به جای آن بر پشت من تازیانه زند.

پیغمبر این سخنان را آرام و با آوایی شمرده می گفت. با وجود بیماری ممتد، صدایش رسا بود؛ چنان که در بیرون مسجد نیز شنیده می شد. گویند در این هنگام، در مسجد صدایی گفت: «ای پیغمبر! در فلان وقت بر پشت من تازیانه زده ای. می خواهم که به جای آن تازیانه ات بز نم.» حاضران در مسجد در حیرت و تأثر فرو رفته بودند. مرد تازیانه برگرفت و به جانب پیغمبر آمد.

چون نزدیک محمد فراسید، تازیانه را به کنار افکند. بر شانه پیغمبر خم شد و در حالی که اشک می ریخت، دوش وی را بوسه داد. یکی دیگر برخاست و از وی سه درهم طلب کرد که پیغمبر داد. پس از آن برخاست و به خانه رفت. تب و رنجوری اش سخت تر شد و باز به بسترش انداخت. یک روز جمعی از یاران به عیادتش رفتند. از دیدار آنها چنان شادمان شد که اشک شوق در چشمانش درخشید. با خوشحالی - و شاید غروری آمیخته به نجابت - به آنها خوشامد گفت و اندرزهاشان داد با دستوری چند در باب کفن و دفن خویش.

گفته اند در آخرین روز عمر هم خواست در باب جانشینی خویش دستور



کرد؟» هنگام عصر آن روز در میان جمع سخنرانی کرد و گفت:

«اقوام و ملل پیشین از آن جهت سقوط کردند و منقرض شدند که در اجرای قانون خدا تبعیض می کردند. هر گاه یکی از اقویا و زیر دستان مر تکب جرم می شد، معاف می شد و اگر ضعیف و زیر دستی مرتکب می شد، مجازات می گشت. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، در اجرای عدل درباره هیچکس سستی نمی کنم؛ هر چند از نزدیک ترین خویشاوندان خودم باشد.»

عبادت

پاره ای از شب، گاهی نصف، گاهی ثلث و گاهی دو ثلث شب را به عبادت می پرداخت. باین که تمام روزش، خصوصاً اوقات توقف در مدینه در تلاش بود، از وقت عبادتش نمی کاست. او آرامش کامل خویش را در عبادت و راز و نیاز با حق می یافت. عبادتش به منظور طمع بهشت و یا ترس از جهنم نبود؛ عاشقانه و سپاسگزارانه بود. روزی یکی از همسرانش گفت:

خویش را به او می دادند که برای آنها دعا کند. اتفاق می افتاد که احیاناً آن کودکان روی جامه اش ادرار می کردند؛ مادران ناراحت شده و شرمند می شدند و می خواستند مانع شوند، او آنها را از این کار به شدت منع می کرد و می گفت: «... این که جامه من نجس نشود اهمیت ندارد، تطهیر می کنم.»

بابر دگان

نسبت به بربدگان فوق العاده مهربان بود و به مردم می گفت: «اینها بربادان شما نیستند؛ از هر غذا که می خورید به آنها بخورانید و از هر نوع جامه که می پوشید، آنها را بپوشانید. کار طاقت فرسایه آنها تحمیل نکنید و خودتان در کارهای آنها کمک کنید.» می گفت: «آنها را به عنوان «بنده» و یا «کنیز» (که مملوکیت را می رساند) خطاب نکنید؛ زیرا همه مملوک خداییم و مالک حقیقی خداست؛ بلکه آنها را به عنوان «فتی» (جوانمرد) یا «فتاه» (جوان زن) خطاب کنید.» در شریعت اسلام تمام تسهیلات ممکن را برای آزادی بربدگان - که منتهی به آزادی کلی آنها می شد - فراهم شد. او شغل «نخاسی» یعنی برده فروشی را بدترین شغل حامی

پیغمبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص) که نبوت به او پایان یافت، در سال ۵۷۰ بعد از میلاد متولد شد. در چهل سالگی به نبوت مبعوث گشت؛ سیزده سال در مکه مردم را به اسلام دعوت کرد و سختی ها و مشکلات فراوان متحمل شد و در این مدت گروهی زبده تربیت کرد و پس از آن به مدینه مهاجرت نمود و آنجا را مرکز قرار داد. ده سال در مدینه از ادانه دعوت و تبلیغ نمود و با سرکشان عرب نبرد کرد و همه را مقهور ساخت. پس از ده سال همه جزیره العرب به مسلمان شدند. آیات کریمه قرآن تدریجاً در مدت بیست و سه سال بر آن حضرت نازل شد. مسلمین شیفتگی عجیبی نسبت به قرآن و هم نسبت به شخصیت رسول اکرم نشان می دادند. رسول اکرم در سال یازدهم هجری، یعنی یازدهمین سال هجرت از مکه به مدینه که بیست و سومین سال پیامبری او و شصت و سومین سال از عمرش بود، در گذشت. در حالی که جامعه ای نو بنیاد و مملو از نشاط روحی و مؤمن به یک ایدئولوژی سازنده که احساس مسئولیت جهانی می کرد، تأسیس کرده و باقی گذاشته بود.

آنچه به این جامعه نو بنیاد روح و وحدت و نشاط داده بود، دو چیز بود: قرآن کریم که همواره تلاوت می شد و الهام می بخشید و دیگر شخصیت عظیم و نافذ رسول اکرم که خاطر ها را به خود مشغول و شیفته نگه می داشت. اکنون درباره شخصیت رسول اکرم اندکی بحث می کنیم.

دوران کودکی

هنوز در رحم مادر بود که پدرش در سفر بازرگانی شام در مدینه در گذشت. جدش عبدالمطلب کفالت او را بر عهده گرفت. از کودکی آثار عظمت و فوق العادگی از چهره و رفتار و گفتارش پیدا بود. عبدالمطلب به فراست دریافته بود نوه اش آینده ای درخشان دارد.

هشت ساله بود که جدش عبدالمطلب در گذشت و طبق وصیت او ابوطالب عموی بزرگش عهده دار کفالت او شد. ابوطالب نیز از رفتار عجیب این کودک که با سایر کودکان شباهت نداشت، در شگفت می ماند.

هرگز دیده نشد مانند کودکان همسالش نسبت به غذا حرص و علاقه نشان بدهد. به غذای اندک اکتفا می کرد و از زیاده روی امتناع می ورزید. بر خلاف کودکان همسالش و بر خلاف عادت و تربیت آن روز، موهای خویش را مرتب می کرد و سر و صورت خود را تمیز نگه می داشت.

ابوطالب روزی از او خواست که در حضور او جامه هایش را بکنند و به بستر رود. او این دستور را با کراهت تلقی کرد و چون نمی خواست از دستور عمومی خویش تمرد کند، به عمو گفت: «روی خویش را بر گردان تا بتوانم جامه ام را بکنم.» ابوطالب از این سخن کودک در شگفت شد؛ زیرا در عرب آن روز حتی مردان بزرگ از عریان کردن همه قسمت های بدن خود احتراز نداشتند. ابوطالب می گوید: «من هرگز از او دروغ شنیدم، کار ناشایسته و خنده بیجان دیدم. به بازی های بیجه ها رغبت نمی کرد، تنهایی و خلوت را دوست می داشت و در همه حال، متواضع بود.»

تنفر از بیکاری و بطالت

از بیکاری و بطالت متنفر بود و می گفت: «خدا یا! از کسالت و بی نشاطی، از سستی و تبلی و از عجز و زبونی به تو پناه می برم.» مسلمانان را به کار کردن تشویق می کرد و می گفت: «عبادت هفتاد جزء دارد و بهترین جزء آن، کسب حلال است.»

امانت

پیش از بعثت، برای خدیجه - که بعد به همسری اش درآمد - یک سفر تجارتنی به شام انجام داد. در آن سفر، پیش از پیش لیاقت و استعداد و امانت و درستکاری اش روشن شد. او در میان مردم آن چنان به درستی شهره شده بود که لقب «محمد امین» یافته بود. امانت ها را به او می سپردند. پس از بعثت نیز قریش با همه دشمنی بی که با او پیدا کردند، باز هم امانت های خود را به او می سپردند. از همین رو پس از هجرت به مدینه، علی (ع) را چند روزی بعد از خود باقی گذاشت که امانت ها را به صاحبان اصلی برساند.

مبارزه با ظلم

در دوران جاهلیت، با گروهی که آنها نیز از ظلم و ستم رنج می بردند، برای دفاع از مظلومان و مقاومت در برابر ستمگران همه پیمان شد. این پیمان در خانه عبدالله بن جدعان از شخصیت های مهم مکه بسته شد و به نام «حلف الفضول» نامیده شد. او بعدها در دوره رسالت از آن پیمان یادی می کرد و می گفت: «حاضر نیستم آن پیمان بشکنم و اکنون نیز حاضرم در چنین پیمانی شرکت کنم.»

اخلاق خانوادگی

در خانواده مهربان بود. نسبت به همسران خود هیچگونه خشونت نمی کرد و این بر خلاف خلق و خوی مکیان بود. بد زبانی برخی از همسران خویش را تحمل می کرد تا آنجا که دیگران از این همه تحمل، رنج می بردند. او به حسن معاشرت با زنان توصیه و تأکید می کرد و می گفت: «همه مردم دارای خصلت های نیک و بد هستند. مرد نباید تنها جنبه های ناپسند همسر خویش را در نظر بگیرد و همسر خود را ترک کند. چه، هر گاه از یک خصلت او ناراحت شود، خصلت دیگرش مایه خشنودی اوست و این دو را باید با هم به حساب آورد.» او با فرزندان و با فرزندان دکان خود فوق العاده عطف و مهربان بود. به آنها محبت می کرد، در روی دامن خویش می نشاند، بر دوش خویش سوار می کرد، آنها را می بوسید؛ و اینها همه برخلاف خلق و خوی رایج آن زمان بود.

روزی در حضور یکی از اشراف، یکی از فرزندان دکان خویش (حضرت مجتبی) را می بوسید؛ آن مرد گفت: «من دو پسر دارم و هنوز حتی یک بار هیچ کدام از آنها را نبوسیده ام!» پیامبر فرمود: «لا یرحم لا یرحم»؛ کسی که مهربانی نکند، رحمت خدا شامل حالش نمی شود.

نسبت به فرزندان مسلمین نیز مهربانی می کرد. آنها را روی زانو ی خویش نشاند، دست بر سر آنها می کشید. گاه مادران، کودکان خردسال

جلوه هایی از اخلاق نبوی

استاد شهید مر قنصی مطهری



«تو دیگر چرا آن همه عبادت می کنی؟ تو که آمرزیده ای!» جواب داد: «آیا یک بنده سپاسگزار نباشم؟»

بسیار روزه می گرفت. علاوه بر ماه رمضان قسمتی از شعبان، یک روز در میان روزه می گرفت. دهه آخر ماه رمضان بسترش به کلی جمع می شد و در مسجد معتکف می گشت و یکسره به عبادت می پرداخت، ولی به دیگران می گفت: «کافی است در هر ماه سه روز روزه بگیرید.» می گفت: «به اندازه طاعت عبادت کنید. بیش از ظرفیت خود بر خود تحمیل نکنید که اثر معکوس دارد.» باره بنایت و انزوا و گوشه گیری و ترک اهل و عیال مخالف بود. بعضی از اصحاب که چنین تصمیمی گرفته بودند، مورد انکار و ملامت قرار گرفتند. می فرمود: «بدن شما، زن و فرزند شما و یاران شما، همه حقوقی بر شما دارند و می باید آنها را رعایت کنید.»

در حال انفراد عبادت را طول می داد و گاهی در حال تهجد ساعت ها سرگرم بود. اما در جماعت به اختصار می کوشید. رعایت حال اضعف مأمومین را لازم می شمرد و به آن توصیه می کرد.

زهد و ساده زیستی

زهد و ساده زیستی از اصول زندگی او بود. ساده غذا می خورد، ساده لباس می پوشید و ساده حرکت می کرد. زیر اندازش غالباً حصیر بود. بر روی زمین می نشست، بادهست خود از بز شیر می نوشید و بر مرکب بی زین و پالان سوار می شد و از این که کسی در رکابش حرکت کند، به شدت جلوگیری می کرد. قوت غالبش نان جوین و خرما بود. کفش و جامه اش را با دست خویش و صله می کرد. در عین سادگی، طرفدار فلسفه فقر نبود. مال و ثروت را به سود جامعه و برای صرف در راه های مشروع لازم می شمرد و می گفت: «نعم المال الصالح للرجل الصالح؛ چه نیکو است ثروتی که از راه مشروع به دست آید برای آدمی که شایسته داشتن ثروت باشد و بداند چگونه صرف کند.» و هم می فرمود: «نعم العون علی تقوی الله الغنی؛ مال و ثروت کمک خوبی است برای تقوا.»

اراده و استقامت

اراده و استقامتش بی نظیر بود و از او به یارانش سرایت کرده بود. دوره بیست و سه ساله بعثتش یکسره درس اراده و استقامت است. او در تاریخ زندگی اش مکرر در شرایطی قرار گرفت که امیدها از همه جاقط می شد، ولی او یک لحظه تصور شکست را در مخیله اش راه نداد. ایمان نیرومندش به موفقیت، یک لحظه متزلزل نشد.

دانست و می گفت: «بدترین مردم نزد خدا، آدم فروشانند.»

نظافت و بوی خوش

به نظافت و بوی خوش علاقه شدید داشت. هم خودش رعایت می کرد و هم به دیگران دستور می داد. به یاران و پیروان خود تأکید می نمود که تن و خانه خویش را پاکیزه و خوشبو نگه دارند. به خصوص روزهای جمعه وادارشان می کرد غسل کنند و خود را معطر سازند که بوی بد از آنها استشمام نشود؛ آنگاه در نماز جمعه حضور یابند.

بر خورد و معاشرت

در معاشرت با مردم، مهربان و گشاده رو بود. در سلام به همه، حتی کودکان و بربدگان، پیشی می گرفت. پای خود را جلو هیچکس دراز نمی کرد و در حضور کسی تکیه نمی نمود. غالباً دوزانو می نشست. در مجالس دایره وار می نشست تا مجلس بالا و پائینی نداشته باشد و همه جایگاه مساوی داشته باشند. از اصحابش تقدیمی کرد. اگر سه روز یکی از اصحاب را نمی دید، سراغش را می گرفت. اگر مریض بود عبادت می کرد و اگر گرفتاری داشت کمکش می نمود. در مجالس، تنهایی یک فرد نگاه نمی کرد و یک فرد را طرف خطاب قرار نمی داد بلکه نگاه های خود را در میان جمع تقسیم می کرد. از این که بنشینند و دیگران خدمت کنند تنفر داشت. از جابری می خاست و در کارها شرکت می کرد. می گفت: «خداوند کراهت دارد که بنده را ببیند که برای خود نسبت به دیگران امتیازی قابل شده است.»

نرمی در عین صلابت

در مسائل فردی و شخصی و آنچه مربوط به شخص خودش بود، نرم و ملایم و با گذشت بود. گذشت های بزرگ و تاریخی اش یکی از علل پیشرفتش بود. اما در مسائل اصولی و عمومی، آنجا که حریم قانون بود، سختی و صلابت نشان می داد و دیگر جای گذشت نمی دانست. پس از فتح مکه و پیروزی بر قریش، تمام بدی هایی که قریش در طول بیست سال نسبت به خود او مرتکب شده بودند نادیده گرفت و همه را یکجا بخشید. توبه قاتل عمومی محبوبش حمزه را پذیرفت؛ اما در همان فتح مکه، زنی از بنی مخزوم مرتکب سرقت شده بود و جرمش محرز گردید. خاندان آن زن که از اشراف قریش بودند و اجرای حد سرقت را توهینی به خود تلقی می کردند، سخت به تکاپو افتادند که رسول خدا از اجرای حد صرف نظر کند. بعضی از محترمین صحابه را به شفاعت برانگیختند، ولی رنگ رسول خدا از خشم برافروخته شد و گفت: «چه جای شفاعت است؟ مگر قانون خدا را می توان به خاطر افراد تعطیل



آیت‌الله‌المعظمی جعفر سبحانی

مقدمه:

لزوم مودت و دوستی اهل بیت پیامبر گرامی اسلام در قرآن مجید و در روایات بیان شده است. در این مقاله به برخی از آیات و روایات اشاره شده و همچنین برخی از روش‌های ابراز

محبت بیان گردیده است.

مهر ورزیدن و دوست داشتن پیامبر و خاندانش یکی از اصول اسلام است که قرآن و سنت بر آن تاکید دارند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قل ان كان أبأؤکم و ابنأؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموالکم اقترموها و تجارۃ تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیلہ فترضوا حتی یاتی الله بامرہ و الله لا یهدی القوم الفاسقین» (توبه / ۲۴): بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و بستگان شما و اموالی که بدست آورده‌اید و تجارتی که از کساد آن بیم دارید و مسکن‌های مورد علاقه شما، در نظر تان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار این باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند، و خداوند جمعیت نافرمان‌دار را هدایت نمی‌کند.

و در آیه دیگر می‌فرماید: «الذین آمنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون» (اعراف / ۱۵۷): کسانی که به او ایمان آورده‌اند و او را تکریم کرده و کمک نموده‌اند و از نوری که بر وی فروز آمده پیروی کرده‌اند، رستگار اند.

خدا در این آیه برای رستگاران چهار ویژگی

می‌شمارد:

- ۱- ایمان به پیامبر (آمنوا به)
- ۲- تعزیز و تکریم او (عزروه)
- ۳- یاری کردن او (نصروه)
- ۴- پیروی از نور (قرآن)ی که نازل شده است (واتبعوا النور الذی انزل معه)

با توجه به این که یاری کردن پیامبر در ویژگی سوم آمده است، قطعاً مراد از «عزروه» در ویژگی دوم همان تکریم و تعظیم پیامبر است، و مسلماً تکریم پیامبر مخصوص دوران حیات او نیست، همچنین که ایمان به وی که در آیه وارد شده، چنین محدودیتی ندارد.

درباره محبت به خاندان رسالت کافی است که قرآن آن را به صورت پاداش رسالت - البته به صورت پاداش نه پاداش واقعی - ذکر کرده و می‌فرماید: «قل لا اسألكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (شوری / ۲۳): بگو من برای ادای سالت خدا از شما پاداشی نمی‌طلبم، جز محبت ورزیدن به بستگان و نزدیکانم.

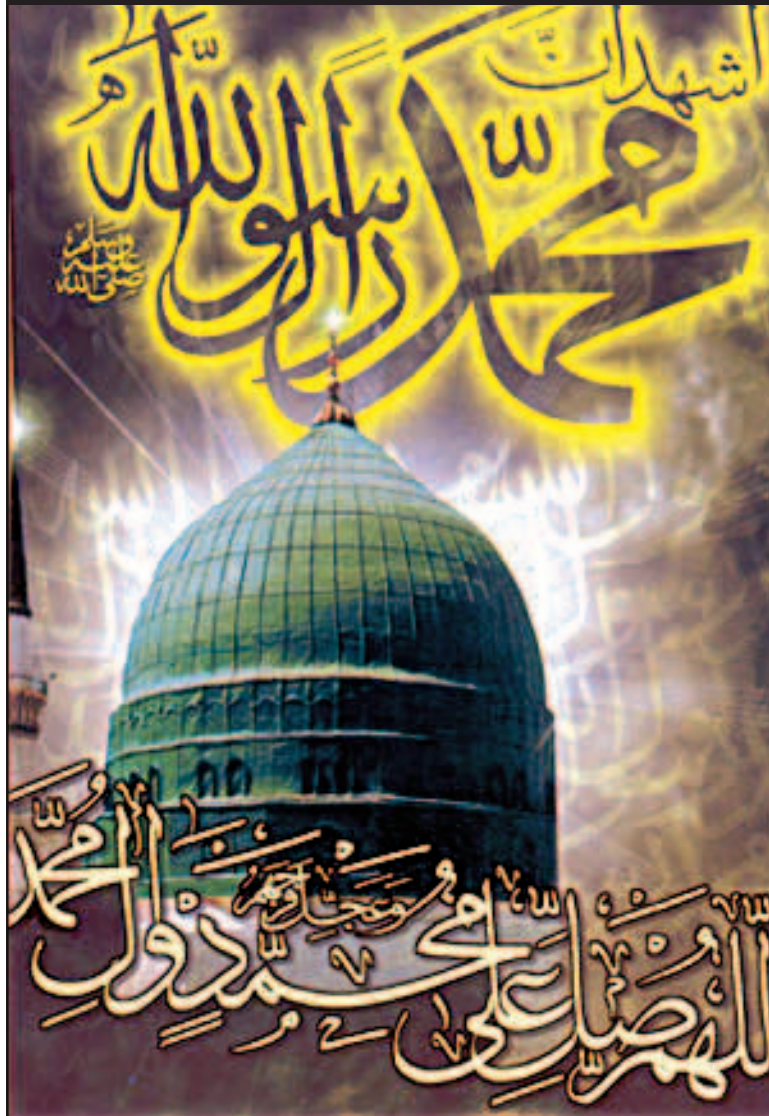
محبت و تکریم نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم نه تنها در قرآن آمده، بلکه در احادیث اسلامی نیز بر آن تاکید شده است، که دو نمونه آن را یادآور می‌شویم:

۱- هرگز یک نفر از شما مؤمن واقعی نخواهد بود، مگر این که من برای او از فرزندان او و همه مردم محبوب‌تر باشم.^(۱)

۲- در حدیث دیگر می‌فرماید: ثلاث من کن فیہ ذاق طعم الايمان: من کان لا شیء احب الیه من الله و رسوله، و من کان لئن یحرق بالنار احب الیه من ان یرتد عن دینہ، و من کان یحب الله و ینغض لله^(۲): سه چیز است که هر کس دارای آن باشد، مزه ایمان را چشیده است: ۱- آن کس که چیزی برای او از خدا و رسولش گرامی‌تر نباشد. ۲- آن کس که سوخته شدن در آتش برای او محبوب‌تر از خروج از دین باشد. ۳- آن کس که برای خدا دوست‌یادشمن بدارد.

محبت‌خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نیز در احادیث اسلامی مورد تاکید واقع شده است که برخی را یادآور می‌شویم:

مهرورزی به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)



ناگفته پیداست وجود چنین روحیه‌ای در انسان مایه تحول بوده و سبب می‌شود که پیوسته راه اطاعت را در پیش گیرد و از گناه بپرهیزد. کسانی که در زبان اظهار علاقه کرده ولی عملاً با محبوب خود مخالفت می‌ورزند، فاقد محبت واقعی می‌باشند. در دو بیتی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است به این نکته اشاره شده؛ آنجا که می‌فرماید:

«تعصی الاله و انت تظهر حبه هذا العمری فی الفعال بدیع لو کان حیک صادقاً لاطعته ان المحب لمن یحب مطیع»^(۵)

«خدا را نافرمانی می‌کنی و اظهار دوستی می‌نمایی؛ به جانم سوگند، این کار شگفتی است. اگر در ادعای خود راستگو بودی او را اطاعت می‌کردی، حقا که مرید پیوسته مطیع محبوب خود می‌باشد.»

اکنون که برخی از ثمرات مهرورزی به پیامبر و خاندان او روشن شد، باید به شیوه ابراز آن بپردازیم: مسلماً مقصود حب درونی بدون هیچ گونه بازتاب عملی نیست، بلکه مقصود مهری است که در گفتار و رفتار انسان بازتاب مناسبی داشته باشد.

شکی نیست که یکی از بازتاب‌های محبت به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و خاندان او پیروی عملی از آنان است؛ چنان که اشاره شد،

ولی سخن در دیگر بازتاب‌های این حالت درونی است، و اجمال آن این است که هر گفتار یا رفتاری که در نظر مردم نشانه محبت و وسیله گرامیداشت افراد به شمار می‌رود، مشمول این قاعده می‌باشد، مشروط بر این که با عمل مشروع او را تکریم کند، نه با عمل حرام.

بنابراین، گرامیداشت پیامبر اکرم (ص) و خاندان او در هر زمان خصوصاً در سالروز ولادت یا وفات - یکی از شیوه‌های ابراز محبت و گرامی داشت مقام و منزلت آنان است و آیین بندگی در روزهای ولادت و روشن کردن چراغ و برافراشتن پرچم و تشکیل مجلس برای ذکر فضایل و مناقب پیامبر اکرم (ص) یا خاندان او، نشانه محبت به آنان و وسیله ابراز آن به شمار می‌رود و به این خاطر تجلیل پیامبر در ایام ولادت یک سنت مستمر، در میان مسلمانان بوده است. دیار بکری در کتاب «تاریخ الخمیس» می‌نویسد: مسلمانان پیوسته ماه ولادت پیامبر را گرامی داشته و جشن می‌گیرند و اطعام می‌کنند و به فقرا صدقه می‌دهند، اظهار شادمانی می‌نمایند و سرگذشت ولادت او را بیان می‌کنند؛ چه بسا کراماتی برای آنان ظاهر می‌شود. عین این سخن را عالم دیگری به نام «ابن حجر قسطلانی» در کتاب خود آورده است.^(۶)

از بیان گذشته، فلسفه سوگواری برای پیشوایان دینی روشن می‌گردد؛ زیرا هر نوع ترتیب مجلس برای ذکر مصائب و مشکلات آنان نوعی اظهار محبت و مهر ورزیدن است، اگر یعقوب سالیان درازی برای فقدان عزیزش یوسف گریه کرد و اشک ریخت^(۷)؛ ریشه آن، علاقه باطنی او به فرزندش بود. هرگاه علاقه مندان به خاندان رسالت در پرتو مهری که به آنان دارند، در روزهای درگذشت آنان اشک بریزند و گریه کنند، در حقیقت از یعقوب پیامبر پیروی کرده‌اند.

اصولاً تشکیل مجلس برای فقدان عزیزان کاری است که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم آن را در جنگ احد پی‌ریزی کرد، آنگاه که از گریه زنان انصار برای شهدای احد آگاه گشت، به یاد عمومی بزرگوار خود افتاد و فرمود: «ولکن حمزة لا یوکی له»^(۸)؛ «ولی کسی بر حمزه گریه نمی‌کند». وقتی یاران پیامبر علاقه رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را به برپایی مجلس عزای عمومی خویش احساس کردند، به زنان خود دستور دادند تا مجلسی برپا کرده و بر عمومی پیامبر سوگواری کنند. مجلس تشکیل شد و رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم از ابراز عواطف آنان تقدیر و در حق آنان دعا کرد و فرمود: «رحم الله الانصار»؛ سپس از سران انصار خواست به زنان دستور دهند تا به خانه‌های خود باز گردند.^(۹)

گذشته از این، سوگواری برای شهیدان راه حق، فلسفه دیگری نیز دارد و آن اینکه بزرگداشت یاد آنان مایه حفظ مکتب آنهاست. مکتبی که اساس آن را افداکاری در راه دین و تن ندادن به ذلت و خواری تشکیل می‌دهد. و منطق آنان این است که «مرگ سرخ به از زندگی ننگین است» و در هر عاشورای حسینی این منطق احیاء می‌گردد و ملت‌ها از نهضت او، درس آموخته و می‌آموزند.

پی‌نوشت:

- ۱- ۲- کنز العمال: ج ۱، ح ۷۰ و ۷۲ و جامع الاصول: ج ۱، ص ۲۳۸
- ۳- مناقب الامام امیر المؤمنین نگارش حافظ محمد بن سلیمان کوفی ج ۲ ح ۶۱۹ و ۷۰۰ و بحار الانوار ج ۱۷ ص ۱۳، علل الشرایع باب ۱۷ ح ۳
- ۵- سفینه البحار: ۱/ ۱۹۹
- ۶- الماوهب اللدینه، ج ۲۱، ص ۲۷، تاریخ الخمسین ج ۱، ص ۲۲۳
- ۷- یوسف / ۱۸۴
- ۸- سیره ابن هشام: ۹۹/۱
- ۹- مدرک قبل و مقریزی، امتاع الاسماع: ۱۶۴/۱۱



پیامدهای رحلت پیامبر اکرم (ص) از دیدگاه حضرت زهرا (س)

محمد صفر جبریلی



رحلت پیامبر اکرم (ص) برای حکومت اسلامی و امت اسلام حادثه‌ای سخت و جانسوز بود. چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

«پدر و مادرم فدایت ای پیامبر خدا، با مرگ تو رشته‌های پاره شد که در مرگ دیگران چنین قطع نشد و آن نبوت و فرد آمدن پیام و اخبار آسمانی بود. مصیبت تو دیگر مصیبت دیدگان را تسلی دهنده است؛ یعنی پس از مصیبت تو دیگر مرگ‌ها اهمیتی ندارد. و از طرفی این یک مصیبت همگانی است که عموم مردم به خاطر تو عزادارند. اگر نبود که امر به صبر و شکیبایی فرموده‌ای و از بی‌تابی نهی نموده‌ای، آنقدر گریه می‌کردم که اشک‌هایم تمام شود. و این درد جانکاه همیشه در من می‌ماند و حزن و اندوهم دائمی می‌شد. که همه اینها در مصیبت تو کم و ناچیز است.»

سخنی مصیبت رحلت پیامبر به قدری بود که امام علی می‌فرماید:

«فَضِیْحَتِ الدَّارُ الْاِفْنِیَّةُ کَیْوَیَادِرٍ وَ دِیْوَارِ خَانه فریادمی زد.»

اجمالی از آثار پربحث بیعت پیامبر اکرم

شاید تصور آن روز برای خیلی‌ها امری مشکل به نظر می‌رسید؛ چرا که پیامبر توانسته بود در مدت کمی علاوه بر ایجاد الفت و اخوت و صفوا صمیمیت بین مردم، حکومتی عدل گستر و نظامی قانونمند را بی‌ریزی کند که مردم، خصوصاً طبقه عامه از آن بهره‌مند باشند.

چنان‌که حضرت امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «حال به نعمت‌های بزرگ الهی که به هنگامه بعثت پیامبر اسلام بر آنان فرو ریخت بنگرید که چگونه اطاعت آنان را بآیین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را به وحدت رساند. چگونه نعمت‌های الهی بالهای کرامت خود را بر آنان گسیرتاند و جویبارهای آسایش و رفاه برایشان روان ساخت و تمام برکات آیین حق، آنها را در بر گرفت در میان نعمت‌ها غرق شدند و در خرمی زندگانی شادمان. امور اجتماعی آنان در سایه حکومت اسلام استوار شد. در پرتو عزتی پایدار آرام یافتند و به حکومتی پایدار رسیدند. آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند و سلاطین روی زمین گردیدند و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند و قوانین الهی را بر کسانی اجرا می‌کردند که مجریان احکام بودند و در گذشته کسی قدرت در هم شکستن نیروی آنان را نداشت و هیچکس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند.»

شمه‌ای از حالات فرصت طلبان عصر پیامبر

شرایط قبل از اسلام و حتی بعد از حکومت اسلامی پیامبر به گونه‌ای نبود که تمام کسانی که در جزیره‌العرب آن روز می‌زیستند از جان و دل تسلیم او امر حکومت نبوی شوند و چه بسا بودند کسانی که نه از سر تسلیم بلکه از ناچاری به بیعت حکومت حضرت تش درآمده بودند. و حتی کسانی که در حیات حضرت توانستند کاری کنند.

چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «خویشاوندان ما از قریش می‌خواستند پیامبرمان (ص) را بکشند و ریشه ما را درآورند و در این راه اندیشه‌ها از سر گذراندند و هر چه خواستند نسبت به ما انجام دادند. و زندگی خوش را از ما سلب کردند. و با ترس و وحشت به هم آمیختند و ما را به پیهمون کوه‌های صعب العبور مجبور کردند و برای ما آتش جنگ افروختند. اما خدا خواست که ما پاسدار دین او باشیم و شرّ آنان را از حرم دین بازداریم.»

آنان منتظر رحلت پیامبر بودند تا بتوانند به مطامع نفسانی خود دست یازند. چنان‌که امام علی (ع) خطاب به برادرش عقیل نوشتند: «قریش را بگذار تا در گمراهی بتازند و در جدایی سرگردان باشند. و با سرکشی و دشمنی زندگی کنند. همانا آنان در جنگ با من متحد شدند؛ آن‌گونه که پیش از من در نبرد با رسول خدا هماهنگ بودند.» البته بیانات پیامبر اکرم (ص) در حق امیرالمؤمنین و در رأس آنها در غدیر خم توانسته بود از شدت و حدت آن بکاهد. چنان‌که حضرت زهر اسلام الله علیه‌افرمودند: «... گو یا از آن چه رسول خدا (ص) در روز غدیر خم فرمود، آگاهی ندارید؟ سوگند به خدا که ایشان در آن روز ولایت و رهبری امام علی را مطرح کرد و از مردم بیعت گرفت تا مباد شما فرصت طلبان تشنه قدرت را قطع نمایم.»

گروهی نیز توان و توفیق معرفت پیامبر و حکومت حضرت تش را پیدا نکردده بودند. چنان‌که خداوند تعالی می‌فرماید:

«قَالَ الْاَعْرَابُ اَمَّا، قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوْا وَلٰكِنْ قَوْلُوْا اَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْاِيْمَانُ فِیْ قُلُوْبِكُمْ.»

شرایط حاد و تأسّف بار بعد از رحلت پیامبر

این عوامل و عواملی دیگر دست به دست هم داده بود تا بعد از رحلت پیامبر اکرم جامعه آن روز با مشکلات خاصی مواجه شود. چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید:

«... تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد (ص) را نابود سازند. پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شماست.»

پیامدهای رحلت از زبان حضرت زهرا (س)

در این مقال بنابر آن است که پیامدهای رحلت پیامبر اکرم از نگاه تنها یادگار ش حضرت فاطمه سلام الله علیها بیان شود. او که بضعة الرسول است و به تعبیر امام علی (ع) بَقِیَّةُ النَّبِیَّةِ است و به اعتراف دیگران، خیرة النساء و ابنة خیر الانبیاء، صادق‌فی قولک، سابقه‌فی وفور عقلک است.

او که خلیفه اول در جمع مردم مدینه در باره‌اش چنین گفته است: «أَنْتَ مَعْدُنُ الْحِکْمَةِ وَ مَوْطِنُ الْهَدٰی وَ الرَّحْمَةُ وَ رُكْنُ الدِّیْنِ وَ عِیْنُ الْحِجَّةِ.»

و حتی عاتشه همسر شهیر پیامبر نیز گفته است: «ما رأیت احدا کان اصدق لهجة من فاطمة الا ان یكون الذی ولدها.»

او که هم مردمان مکه و مدینه را دیده و هم شاهد حیات پیامبر اکرم (ص) بوده و هم در کنار پیامبر و حضرت امیر (ع) حوادث ریز و درشت عصر نبوت و روزهای بعد از رحلت و حوادث تلخ و دردناک آن ایام کوتاه را به دقت زیر نظر داشته است. آری او می‌تواند پیامدهای تأسف بار رحلت پیامبر را خوب بیان کند. در اینجا به مواردی از آنها می‌پردازیم:

آن حضرت سلام الله علیها در خطبه فدکیه و خطبه‌ای که بعد از جمع زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند ایراد فرموده‌اند. پیامدهای رحلت پیامبر را بیان می‌کنند از جمله آنها عبارت‌اند از:

۱- ایجاد ضعف و سستی در میان مردم استومع و هتته «یا وهیة».

حضرت در خطبه‌ای که در حضور زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند نیز این امر را تذکر دادند و با تأسف فرمودند:

«فقیح الفلول الخلو اللع بعد الجذ و قی الصفاة چه زشت است سستی و باز یچه بودن مردانتان پس از آن همه تلاش و کوشش.»

۲- پیدایی فقره و اختلاف «استنهر فتقو افتق رتقة تشتت و پراکندگی گسترش یافت و وحدت و همدمی از هم گسست.»

استنهر از نهر به معنای وسعت و زیادی است و فق به معنای جدایی و پاره پاره شدن است. افتق از افتقاق یعنی شکافتن و رتق هم به معنای همبستگی و اتحاد است. در قرآن کریم نیز آمده است که: «ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما؛ (یا) کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم.»

۳- آسنا می‌شدن امیدها و آرزوهای مسلمانان آنان که به پیامبر اکرم (ص) و احکام عالی‌ه اسلام ناب حضرت دل‌خوش کرده بودند و از نعمت دین الهی و حکومت اسلامی بهره‌مند گشته بودند؛ اکنون با بدین حوادث بعد از آن حضرت مأیوس شده و امیدشان به یأس مبدل گشت. «واکذت الامال.»

۴- سبی حرمتی به حرم پیامبر «اضیع الحرمی و از یلت الحرمه عند مماته؛ هنوز جسد مبارک پیامبر بر زمین است. در اجتماع سقیفه بدو نظر خواهی از خاندان پیامبر به تعیین جانشین برای آن حضرت می‌پردازند. و حق اهل بیت حضرتش را ضایع می‌کنند.»

چنان‌که حضرت امام علی (ع) می‌فرماید: «فوالله ما کان یلقی فی وعی، و لا یخطب ببالی ان العرب تزج هذا الامر بعدی (ص) عن اهل بیته و لانهم منخوه عنی من بعدی؛ به خدا سوگند، نه در فکر می‌گذشت و نه در خاطر می‌آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا از اهل بیت او بگرداند؛ یا مرا پس از وی از عهد دار شدن حکومت بازدارند.»

و حتی در لحظات افسین عمر حضرت و هنگام رحلت ایشان، هنگامی که قلم و لوحی طلب فرمودند؛ به آن حضرت بی‌حرمتی کردند و ندای «فاته یهجر» سر دادند. و مدتی هم از رحلت حضرت نگذشت که به در خانه تنها یادگار ش آمدند و چه بی‌حرمتی‌ها که نکردند. چنان‌که حضرت زهر فرمود: «یا ابتاه یا رسول الله هكذا کان یفعل بحبیبتک و ابنتک... یا ابتاه یا رسول الله... پس از تو چه بر سر ما آمد.»

۵- آشکار شدن خط نفاق و دورویی «ظهر فیکم حسنة النفاق.»

حضرت در جای دیگری از همین خطبه، با کنایه زیبایی به این نفاق افکنی پرداخته است و فرموده است:

«تَشْرَبُونَ حَسْوَافِی اِزْ تَغْءَء وَ تَمْسُونَ لِاَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِی الْحَمْرِ وَالْضَّرْءِ وَ تَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلٰی مِثْلِ حَزْرِ الْمُدٰی، وَ وَخَرِ السَّنَانِ فِی الْحِیْءِ؛ شیر را اندک‌اندک با آب ممزوج نمودید و به بهانه این که آب می‌نوشید، شیر را خوریدید. کنایه از نفاق است که تظاهر به عملی می‌شود که در واقع خلاف آن است و برای نابودی اهل بیت او در پشت تپه‌ها و درختان کمین کردید. و ما بر این رفتار شما که مانند بریدن کارد و فرو بردن نیزه در شکم، درد آور و کشنده است صبر می‌کنیم.»

۶- کم‌رنگ شدن دین و معنویت «و سَمَلْ جَلْبَابِ الدِّیْنِ» «جلباب» چادر یا عیابی که بدن انسان را می‌پوشاند. حضرت زهر (س) تعبیر به جلباب دین فرموده؛ چون دین نیز تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان را دربر می‌گیرد، همان‌گونه که چادر و عبا تمام بدن انسان را دربر می‌گیرد. و در عبارتی دیگر فرموده‌اند: «به خاموش کردن انوار درخشان دین و بی‌اهمیت کردن و مهمل گذاردن سنت‌های پیامبر بر گزیده خداهمت گماردید.»

۷- بی تفاوت شدن مردم حضرت خطاب به انصار که با جان و مال، پیامبر را کمک کرده بودند، چنین فرمودند:

«یا معاشرَ الْفُتَیَّةِ وَاَعْضَاءِ الْمِلَّةِ، وَ حَصْنَةَ الْاِسْلَامِ ما هذه الْعَمِیَّةُ فِی حَقِّی وَالسَّنَّةُ عَنْ ظِلَامَتِی؛ ای گروه جوانمرد، ای بازوان ملت و یاوران اسلام، این غفلت و سستی و ضعف شما در حق من و تغافل و بی‌تفاوتی و خواب آلودگی در مورد دادخواهی من چیست؟»

۸- پیمان شکنی مردم فرمودند: «فَانِّی حُرْمَتُ بَعْدَ النَّبِیِّانِ وَ اَسْرَرْتُ بَعْدَ الْاِعْلَانِ وَ نَكَصْتُ بَعْدَ الْاِقْدَامِ؛ پس چرا بعد از بیان حق حیران و سرگردانید، و بعد از آشکار کردن عقیده پنهان کاری می‌کنید و بعد از آن پیشگامی و روی آوردن به عقب برگشته پشت نموده‌اید.» حضرت زهر اسلام الله علیها، در این فراز به حادثه غدیر اشاره می‌کند که پیامبر اکرم (ص) آن را برای مردم بیان فرمود و به آنها اعلام کرد و آنان نیز با علی (ع) بیعت کردند؛ اما اکنون بیعت خود را شکستند.

۹- سابتلا به وسوسه‌های شیطنی «تَسْتَجِیْبُونَ لِهَتَافِ الشَّیْطَانِ الْغَوٰی؛ به شیطان گمراه کننده پاسخ مثبت دادید.» و در جای دیگر از خطبه فرموده‌اند: «اَطْلَعِ الشَّیْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْزَرِهِ هَاتِفًا یَكُمُ قَالًا کَمُ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِیْبِیْنِ؛ شیطان سر خود را از مخفیگاه بدر آورد. شما را آفر خواند. دید که پاسخگوی دعوت باطل او هستی...»

۱۰- مغزور یعنی مخفیگاه. در اینجا شیطان به سنگ پشت و خاریشت تشبیه شده است. چون آن هم وقتی دشمن را می‌بیند، سرش را در لاک خود فرو می‌برد. و اما وقتی که محصور را بدوین خطر احساس کرد، سر خود را بیرون می‌آورد. شیطان نیز تا وقتی که پیامبر اکرم (ص) زنده بودند، سرش را در لاک خود فرو برده بود و جرأت نمی‌کرد خود را نشان دهد؛ ولی بعد از آن سرش را بیرون آورد و به تحریک مردم پرداخت.

۱۱- شتاب در شنیدن حرف‌های پیهوده و بی‌اساس «معاشر الناس المُسْرِعِ اِلٰی قِبَلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِیَةِ عَلٰی الْفِعْلِ الْقَبِیْحِ الْخَاسِرِ؛ ای گروه مردم که به سوی شنیدن حرف‌های پیهوده شتاب می‌کنید، و کردار زشت زیانبار را نادیده می‌گیرید.»

۱۲- سرور بی‌دین نطفه مظاهر فساد در پایان خطبه عیادت خطاب به زنان مهاجر و انصار فرمود: «اَمَّا الْعَمْرٰی لَقَدْ لَقَحَتْ فِطْرَةً رِشْمًا تُنَجِّمُ اَحْلٰیو اَمَلِ الْعَقَبِ دَمًا عَیْبًا وَ دُعَا فَا مُبِید؛ به جان خود سوگند، نطفه فساد بسته شد، باید انتظار کشید تا کی مرض فساد پیکر جامعه اسلامی را از پای درآورد که پس از این پستان شتر به جای شیر خون بدو شد و زهری که به سرعت هلاک کننده است.»

۱۳- سر سرکار آمدن فرصت طلبان حضرت سلام الله علیها در فرازهایی از خطبه فدکیه به گروه‌های فرصت طلب که منتظر بودند تا بعد از رحلت پیامبر از موقعیت بهره‌برند پرداخته و ویژگی‌های آنها را نیز بیان فرموده است. گروه‌های فرصت طلب، عبارت بودند از:

الف) گمراهان ساکت و منتظر «نَطَقَ کَاظِمُ الْغَاوِیْنِ؛ گمراهان خاموش به سخن در آمدند.»

ب) فروامایگان بی‌نام و نشان «و نَبَغَ خَامِلُ الْاَقْلِیْنِ؛ آدمهای بیست و بی‌ارزش با قدر و منزلت شدند.»

ج) کسانی که نه از سابقه در دین و نه فداکاری در جنگ‌های پیامبر بر خوردار بودند؛ به بهانه ترس از فتنه در حالی که بدن پیامبر بر زمین بود، در تعیین خلیفه پیامبر مردم را تحریص می‌کردند.

د) شجاعان و دلار مردان از اهل باطل «شتر اهل باطل بانگ بر آورد و در میدان‌های شما به جولان درآمد.»

ویژگی‌های فرصت طلبان حضرت در جای دیگری از همین خطبه و ویژگی‌های آنان را چنین بیان می‌کند:

۱- سدر ظاهر ساکت و آرام بودند؛ و ادعوی فرو گذاران.

۲- سهل‌خوش‌گذرانی بودند؛ فاکهون.

۳- راحت طلب و رفاه‌زده بودند؛ اثم فی رفاهیه من العیش.

۴- منتظر پیش آمد حوادث برای پیامبر و اهل بیت بودند؛ تر یصون بنا للدوائر.

۵- اخبار و رویدادها را دنبال می‌کردند؛ تتولفون الاخبار.

۶- عذر جنگ‌ها عقب نشینی و یا فرار می‌کردند؛ تنکصون عند التوال و یقرون من القتال.

می‌توان با مطالعه تاریخ به عنوان نمونه ملاحظه کرد که در جنگ احد چه کسانی عقب‌نشینی کردند و یا فرار کردند و چه کسانی تا آخرین لحظات در کنار پیامبر اکرم (ص) باقی‌بودند.

هر چند ممکن است با قدری دقت و تأمل، موارد دیگری از این پیامدهای تأسف‌بار را از بیانات حضرت زهر (س) به دست آورد، اما در این نوشتار به همین دوا ده مورد اکتفا می‌شود.



گردد. چرا که همیشه افرادی هستند که از شیوه حلم بزرگان، سوء استفاده می کنند، و تازیر ضربات خرد کننده شلاق مجازات قرار نگیرند، دست از کردار زشت خود بر نمی دارند، در این گونه موارد باید در برابر آنها شدت عمل نشان داد، تا ایجاد مزاحمت نکنند، لذا در زندگی امام حسن مجتبی (ع) ملاحظه می کنیم، در عین آن که به حلم معروف بود، در بعضی از موارد، فریادی چون صاعقه داشت که تار و پود دشمنان را می سوزانید. به عنوان نمونه، پس از ماجرای صلح تحمیلی، معاویه به کوفه آمد، و در میان ازدحام جمعیت بر فراز منبر رفت، در ضمن گفتار با گستاخی بی شرمه ای از امیرمؤمنان علی (ع) بدگویی نمود، هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که امام حسن (ع) بر پله آن منبر ایستاد، و خطاب به معاویه فریاد زد: «ای پسر هند جگر خوار! آیا تو از امیرمؤمنان علی (ع) بدگویی می کنی، با این که پیامبر (ص) در شأن او فرمود: «من سب علیا فقد سبنی، و من سبنی فقد سب الله، و من سب الله، ادخله نار جهنم خالدا فیها مخرلا و له عذاب مقيم؛ کسی که به علی (ع) ناسزا گوید، به من ناسزا گفته، و کسی که به من ناسزا گوید، به خدا ناسزا گفته، و کسی که به خدا ناسزا گوید، خداوند او را برای همیشه وارد دوزخ می کند، و او در آنجا همواره گرفتار عذاب الهی است.»

آنگاه امام حسن (ع) از منبر پایین آمد و به عنوان اعتراض از مسجد خارج شد و دیگر باز نگشت.^(۱۶)

بر خوردهای پرصلابت امام حسن (ع) در برابر معاویه و مزدوران او، بسیار است، که به همین یک نمونه بسنده شد.^(۱۷)

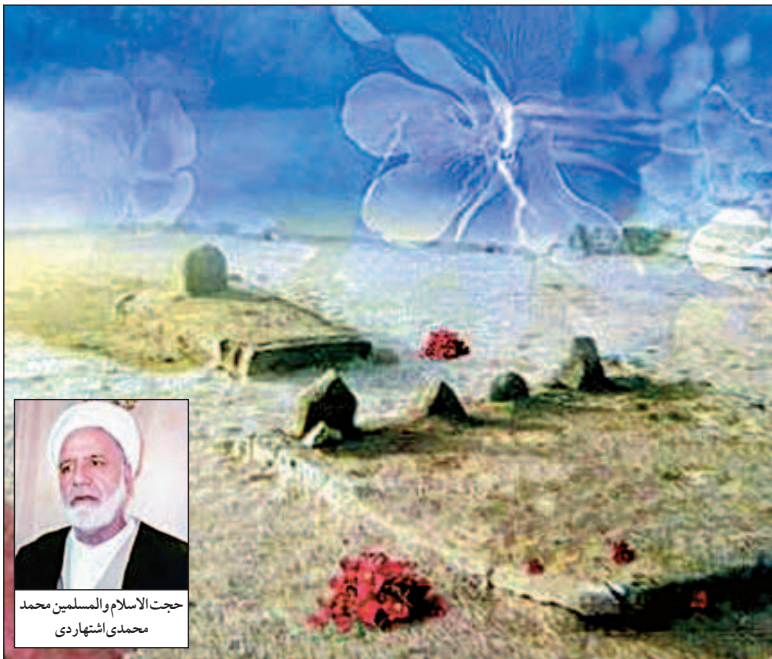
دخالت در سیاست

اینک این سؤال مطرح می شود که امام حسن (علیه السلام) بعد از شهادت پدر بزرگوارش حضرت علی (علیه السلام) با آن که آن حضرت ده سال امامت کرد، تنهاشش ماه و چهار روز خلافت و حکومت نمود، و سپس از کوفه به مدینه رفت و از سیاست و حکومت دوری نموده و انزوا را برگزید، آیا این روش که نشأت گرفته از حلم او بود، کناره گیری از سیاست نیست؟ پاسخ به طور خلاصه این است که شرایط و جوی که دشمنان و بدخواهان، و حتی دوستان، برای آن حضرت ایجاد کردند، آن حضرت را قهر از سیاست و حکومت داری کنار زدند، نه این که او خودش کنار رفت، و هرگز حلم او باعث این کار نشد، بلکه شرایط و صلاح اسلام، چنین اقتضا می کرد، از این رو در مدینه نیز در فرصت های مناسب، مطالب را به طور صریح بیان می کرد، و با روش معاویه مخالفت می نمود. به همین دلیل معاویه نتوانست وجود آن حضرت را تحمل کند، و با پیام های محرمانه اش، جعده دختر اشعث را که همسر امام حسن (علیه السلام) بود، واداشت تا آن حضرت را مسموم نماید. شهادت جانشین او بزرگترین دلیل بر دخالت او در سیاست، و صلابت او در طاغوت زدایی است، چنان که حلم او نیز در این راستا بود.

پی نویس:

(۱) هود (۱۱) آیه ۷۵. در آیه ۱۱۴ سوره توبه نیز نظیر این آیه با اندکی تفاوت آمده است.
(۲) مناسک آیه ۲۲۵ و ۲۳۵ و ۲۶۳ - سوره بقره، و ۱۵۵ سوره آل عمران، و... (المعجم المفهرس، ص ۲۱۶ و ۲۱۷)

۳ و ۴) میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱۵ - ۵۱۶
(۵) بحار، ج ۷۱، ص ۴۲۲
(۶) مفردات راغب، واژه حلم
(۷) بحار، ج ۷۸، ص ۱۰۲
(۸) بحار، ج ۷۷، ص ۷۸
(۹) نساء (۴) آیه ۸۶
(۱۰) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۸
(۱۱) فصلت (۴۱) آیه ۳۴
(۱۲) منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۷۱
(۱۳) کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۵؛ بحار، ج ۴۳، ص ۳۴۴
(۱۴) بحار، ج ۴۴، ص ۱۹ «والله الذی عملت خیر لشیعتهی ماطلعت علیه الشمس او غربت.»
(۱۵) فرائد السطین، ج ۲، ص ۶۸
(۱۶) احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۴۲۰؛ بحار، ج ۴۴، ص ۹۱
(۱۷) برای اطلاع بیشتر در این مورد، به کتاب های زیر مراجعه کنید: احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۹۸ تا ۴۲۰؛ بحار، ج ۴۴، ص ۷۰ تا ۱۰۹، کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۲۴ تا ۱۵۲



صبر در سیره امام مجتبی (ع)

هنگامی که آن پیر ناآگاه این گفتار مهر انگیز نشأت گرفته از حلم و صبر انقلابی امام حسن (ع) را شنید، آن چنان دگرگون شد که اشک از چشمانش جاری گردید و گفت: «گواهی می دهم که تو خلیفه خدا در زمین هستی، خداوند آگاه تر است که مقام رسالت خود را در وجود چه کسی قرار دهد. تو و پدرت بیغرض ترین افراد در نزد من بودید، و لسی اینک تو محبوب ترین انسان هادر نزد من هستی!»

سپس او به خانه امام حسن (ع) وارد شد، و مهمان آن بزرگسوار گردید، و پس از مدتی در حالی که قلبش سرشار از محبت خاندان رسالت بود، از محضر امام حسن (ع) بیرون رفت.^(۱۳)

فراموش نمی کنم هنگامی که حضرت امام خمینی -قدس سره- در اوایل پیروزی انقلاب در قم تشریف داشتند، روزی جمعی از چماق به دستان بدخواه، از خانه ای بیرون آمده و با شعار داد و فریاد نزدیک بیت امام آمدند. امام اگر اشاره ای می کرد، مردم به آنها حمله کرده و آنها را تار و مار می کردند، ولی امام در عین شجاعت و صلابت بی نظیری که داشت، در این مورد صلاح اسلام را در حلم و صبر انقلابی دید، با حلم کم نظیری، سکوت کرد، و قریب به این مضمون فرمود: «کاری به آنها نداشته باشید، مساله به مرور زمان حل خواهد شد.»

همان گونه که امام فرموده بود، مساله به طور طبیعی حل شد. آری گاهی حلم و صبر انقلابی، این گونه پی امندی در خشان دارد، و کارساز تر از عکس العمل های دیگر خواهد بود.

امام حسن (ع) در عصر حکومت خود کامه معاویه، در وضعیتی قرار گرفت که اگر صلح تحمیلی را (که به معنای آتش بس و متار که جنگ موقت، مشروط به شرایط بود) نمی پذیرفت، و با خصلت والای حلم و صبر انقلابی، با آن بر خورد نمی کرد، کیان تشیع در خطری عظیم، و جان همه شیعیان در معرض نابودی جدی قرار می گرفت. از این رو، در پاسخ به معتزضان فرمود: «وای بر شما! شما نمی دانید که من چه کرده ام، سوگند به خدا پذیرش صلح من برای شیعیانم بهتر است از آنچه خورشید بر آن می تابد و غروب می کند...»^(۱۴)

شاید بر همین اساس بود که پیامبر (ص) با بینش جهانی و پیش بینی وسیعی که داشت، در شأن امام حسن (ع) فرمود: «لو کان العقل رجلا لکان الحسن؛^(۱۵) اگر عقل، خود را به صورت مردی نشان دهد، آن مرد، حسن است.»

رفتار بر صلابت

پرواضح است که داشتن خصلت حلم، یک قانون غالبی است نه دائمی، باید موارد را شناخت و بر اساس ضوابط اسلامی با آن برخورد کرد، در بعضی از موارد باید بد حلم را شکست و فریاد زد و شدت عمل نشان داد، در آن مواردی که حلم موجب سوء استفاده گمراهان

بلکه به معنای خویشتن داری بر صلابت، و نرمش قهرمانانه است، که پایه استوار برای حفظ اخلاق و ارزش های اسلامی است. بر همین اساس امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «لا حلم کالصبر والصمت؛^(۱۶) هیچ حلمی مانند استقامت و سکوت نیست.» بنابراین، استقامت و کنترل زبان، از شاخه های مهم حلم است، پس حلم مفهومی ضد عجز و تسلیم دارد.

حلم امام حسن (ع)

امام حسن (علیه السلام) و سایر امامان (علیهم السلام) فرهیخته و تربیت شده مکتب قرآن بودند، چنان که در روایت آمده: کنیزی شاخه گلی را به امام حسن (ع) اهدا نمود، آن حضرت او را آزاد کرد، انس بن مالک به آن حضرت عرض کرد: «آیا شما برای یک شاخه گل ناچیز، او را آزاد کردید؟»

امام حسن (ع) در پاسخ فرمود: «ادبنا الله تعالی... خداوند ما را چنین تربیت کرده است.» آنجا که می فرماید: «اذا حیتم نتیجه فحبو باحسن منها او ردوها؛ هنگامی که کسی به شما تحیت گوید، پاسخ او را به طور بهتر، یا همان گونه بدهید.»^(۱۷) پاسخ بهتر همان آزاد کردن او است.^(۱۸)

حلم امام حسن (ع) از آیات قرآن نشأت گرفته بود، از جمله از این آیه که خداوند می فرماید: «... ادفع بالئی هی احسن فاذا الذی بینک و بینة عداوه کانه ولی حمیم؛ ناپسندی را با نیکی دفع کن، که ناگاه خواهی دید همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.»^(۱۹)

خصلت حلم امام حسن (ع) در حدی بود که مروان یکی از دشمنان پر کینه خاندان رسالت، که امام حسن را بسیار رنج داد و آزاد، گفت: «این کارها را با کسی انجام دادم که حلم و خویشتن داری او با کوه ها برابری می کند.»^(۲۰) به عنوان نمونه نظر شما را به فراز تاریخی زیر جلب می کنیم:

پیر مکردی ناآگاه از اهالی شام در مدینه، امام حسن (ع) را سوار بر مرکب دید، آنچه توانست از آن حضرت بدگویی کرد، و قتی که فارغ شد، امام حسن کنار او آمد، و بدو سلام کرد، و در حالی که لبخندی بر چهره داشت به او فرمود: «ای پیر مرد! گمانم غریب هستی، و گویا اموری بر تو اشتباه شده، اگر از ما درخواست رضایت کنی از تو خوشنود می شویم، اگر چیزی از ما بخواهی به تو عطا می کنیم، اگر از ما راهنمایی بخواهی تو را راهنمایی می کنیم، اگر کمک برای باربرداری از ما بخواهی، بار تو را بر می داریم، اگر گرسنه باشی تو را سیر می نماییم، اگر برهنه باشی، تو را می پوشانیم، اگر نیازمند باشی تو را بی نیاز می کنیم، اگر گریخته باشی به تو پناه می دهیم. اگر حاجتی داری آن را ادا می نماییم، اگر مرکب خود را به سوی خانه ما روانه سازی، و تا هر وقت بخواهی مهمان ما باشی، برای تو بهتر خواهد بود، زیرا ما خانه آماده و وسیع، و امکانات بسیار داریم.»

اشاره:

زندگی مردان بزرگ خدا همیشه پر حادثه است. حیات درخشان امام حسن (ع) از پر حادثه ترین زندگی راد مردان تاریخ است. با این که بیش از ۴۸ سال عمر نکرد و بر اثر زهری که مزدوران معاویه به او خوراندند به شهادت رسید، ولی در همین دوران کوتاه، همواره با باطل گرایان حق ستیز در حال نبرد بود، در عصر پدر، دوش به دوش او با منافقان و منحرفان سستیز کرد. در جنگ های بزرگ جمل و صفین و نهروان، قهرمانی بی بدیل بود، و به طور کلی نام او در پیشانی قاموس رنج ها می درخشید. وی در سخت ترین و تلخ ترین رخدادها پرچم نهی از منکر، مبارزه با نادر دمی ها و طاغوت زدایی را برافراشت، و برای تثبیت حکومت حق، اینارها و جانفشانی ها کرد.

آنچه بیش از دیگر ویژگی های امام حسن مجتبی (ع) - در زمان حیات و پس از شهادت - از برجستگی برخوردار بود، صبوری و حلم آن حضرت بود که تاثیر بسزایی در زندگی وی و پیروانش داشت. امام - علیه السلام - آن گونه صبور بود که صبوری وی زیارت عام و خاص شد و ضرب المثل «حلم الحسین» درباره وی رواج یافت. در این گفتار بر اینم تا رجمندی حلم و مفهوم آن را مورد بررسی قرار دهیم، آنگاه نتایج درخشان آن را در زندگی امام حسن (ع) بنگریم.

ارجمندی حلم

خداوند در قرآن، حضرت ابراهیم (ع) قهرمان مبارزه توحیدی را چنین تمجید می کند: «ان ابراهیم لحلیم اواه منیب؛^(۱) همانا ابراهیم دارای صفت حلم و بسیار متوکل بر خدا و بازگشت کننده به سوی خدا بود.»

در آیه ۱۰۱ سوره صافات خداوند می فرماید: «فیشرناه یغلام حلیم؛ ما ابراهیم را به نوجوانی دارای حلم و شجاعت دادیم.»

منظور از این فرزند، حضرت اسماعیل (ع) است، که ابراهیم (ع) از درگاه خدا درخواست فرزندی صالح کرد، و خداوند درخواست او را اجابت نمود، و او را به فرزندی که دارای خصلت والای حلم است مژده داد، آن فرزند اسماعیل بود، چنان که در ماجرای آن ذبح عظیم، حلم و استقامت و صبر انقلابی خود را به خوبی نشان داد.

واژه «حلیم» پانزده بار در قرآن بیان شده است که در یازده مورد از اوصاف خداوندی بر شمرده شده^(۲) و در دو مورد، از اوصاف ابراهیم (ع) و در یک مورد از وصف اسماعیل (ع) و در موردی دیگر در وصف حضرت شعیب (ع) ذکر شده است.

بنابراین، «حلیم» از ارزش های مهم اخلاقی و اسلامی است، و انسان های برجسته، مانند پیامبران چنین صفتی دارند، و انسان هایی که صفت حلم را به طور کامل دارند، مظهر یکی از صفات الهی هستند.

در فرهنگ روایی، روایات بی شماری در تمجید خصلت ارزشمند حلم از پیامبر (ص) و امامان (علیهم السلام) به ما رسیده که نظر شما را به ذکر چند نمونه جلب می کنیم:

امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: «اکمال العلم الحلم؛^(۳) کمال علم به صفت حلم بستگی دارد.»

نیز فرمود: «بوفور العقل یتوفر الحلم؛^(۴) آن کس که عقل سرشار دارد، دارای حلم سرشار خواهد شد.»

امام صادق (ع) فرمود: «الحلم سراج الله؛^(۵) حلم، چراغ تابان خدا است.»

مفهوم حلم

لغت شناس معروف قرآن، راغب در کتاب مفردات گوید: «حلم به معنای خویشتن داری به هنگام هیجان غضب است، و از آن جا که این حالت از عقل و خرد ناشی می شود، گاه به معنای عقل و خرد نیز به کار رفته است.»^(۶)

بنابراین، انسان دارای حلم کسی است که در عین توانایی، در هیچ کاری شتاب نمی کند، و در کيفر مجرمان شتاب زده نمی شود، روحی بزرگ دارد، و بر خشم و احساسات خود، مسلط است.»

چنان که در روایت آمده، شخصیتی از امام حسن مجتبی (ع) پرسید: حلم چیست؟ فرمود: «کظم الغیظ و ملک النفس؛^(۷) فرو بردن خشم، و تسلط بر خویشتن است.»

بنابراین، آنچه در ترجمه حلم معروف شده و از آن به عنوان «بردباری» یاد می کنند، صحیح به نظر نمی رسد، زیرا حلم به معنای تحمل بار دیگران نیست،

مقام علمی حضرت رضا(ع)

از متون اسلامی می توان نتیجه گرفت که آن حضرت عالم بما سبوی الله، واسطه فیض این عالم، معدن کلمات پروردگار، صندوق انوار الهی و خزینه علم خداوند متعال است. احتجاجات و مباحثات حضرت رضا(ع) با فقه های مختلف در مجلس مأمون، مقام علمی آن حضرت را آشکار می کند. چنانکه بارها مأمون می گفت: ما اعلم احدا افضل من هذا الرجل علی وجه الارض: هیچ کس را در روی زمین داناتر از حضرت رضایم دانم.

فرید وجدی در دایره المعارف خود، در ذیل کلمه رضا می گوید: «مأمون سی و سه هزار نفر از بزرگان طوایف و فرق مختلفه را جمع کرد و از آنان خواست که لایق ترین افراد را از میان خود انتخاب کنند تا ولایتعهدی را به او و گذار نماید. همه آن سی و سه هزار نفر، در علی بن موسی الرضا اتفاق نمودند.»

در این باب از حضرت رضا(ع) مطلبی نقل است که مقام عبودیت آن بزرگوار را بر ما روشن می کند. آن حضرت به دعل خزاعی شاعر معروف عبایی داد و فرمود: «قدر آن را بدان که در این عبا هزار شب و هر شبی، هزار رکعت نماز خوانده است.»

آنان که حضرت رضا(ع) را از مدینه به طوس آوردند، همه از کثرت عبادت و تضرع و انابه و زاری و تهجد و مواظبت کامل آن حضرت در عبادت سخن گفته اند.

تواضع حضرت رضا(ع)

یاسر، خادم آن حضرت می گوید: حضرت رضا همیشه با خدمه و کارگرهای خود غذای خور و دوست داشت که با آنها بنشیند و صحبت و درد دل کند. بعضی از ناگاهان به این کار حضرت ایراد می کردند و حضرت می فرمود: ان الرب تبارک و تعالی واحد و الالب واحد و الام واحده و الجزء بالاعمال.

پروردگار، پدر، و مادر، یکی است و فضیلت فقط و فقط به کردار است.

ادب و اخلاق حضرت رضا(ع)

ابراهیم بن عباس که در مسافرت از مدینه تا طوس خدمت آن حضرت بوده است، چنین می گوید: «ندیدم به احدی ظلم کند، هیچ وقت کلام کسی را قطع نمی کرد. هیچ حاجتی را رد نمی نمود.

پای خود را مقابل احدی دراز نمی کرد و در مقابل احدی تکیه نمی داد و با هیچ کس سخن جسارت آمیز نمی گفت.»

سخاوت حضرت رضا(ع)

قضیه ای که کلینی رحمه الله در این باره نقل کرده است، ذکر می کنیم. راوی می گوید: «با جمعی بسیار خدمت حضرت رضا بودیم که ابن سبیلی آمد و چنین گفت: یابن رسول الله! من دوست شما و پدران شما هستم. نفقه خود را در راه حج کم کرده ام. نفقه راه به من عنایت کنید، چون به خراسان رسیدم برای شما صدقه می دهم، زیرا آنجا مکتب دارم. حضرت رضا(ع) داخل اتاق شده پس از چندی از بالای در، دو دست دینار به او داد و خواهش کرد برود و فرمود: لازم نیست صدقه بدهی. چون حضرت آمد، از ایشان پرسیدند: پول را از بالای در دادید و خواهش نمودید که برود تا او را نبینید. فرمود: من خواستم ذلت سؤال را در صورت او نبینم. آیا نشنیده اید که رسول اکرم فرموده است: صدقه پنهانی، معادل هفتاد حج است، و گناه آشکار موجب خذلان، و گناه پنهانی را خداوند می آمرزد. آنچه نوشته شدم، نمونه ای از فضایل حضرت رضا(ع) بود. ذکر این گونه فضایل برای محققان حضرت (ع) مقام و شأنی نیست. بنابراین بهتر است که مقداری از وقایع مسافرت جبری آن بزرگوار از مدینه به طوس را ذکر کنیم:

ممالک اسلامی، بعد از مرگ هارون الرشید در طغیان بودند و شورشهای فراوانی پدید آمد. هنگامی که مأمون برادرش را نابود کرد و توانست زمام امت اسلامی را به دست بگیرد، صلاح را در آن دید که سران ممالک اسلامی را جمع کند، تا بدینوسیله بتواند فتنه ها را خاموش نماید. پس سی و سه هزار نفر از بزرگان بلاد را به نام مستشار در مرکز جمع نمود، و ولایتعهدی را به طور جبر و تهدید به حضرت رضا واگذار کرد، و بدین وسیله توانست به ممالک اسلامی آرامش بخشد.

هنگامی که شور و فو را فرو خفت، افرادی که به عنوان مستشار خوانده شده بودند، متفرق و بسیاری از آنان مورد بی مهری و یا احیاناً زندان و تبعید قرار گرفتند و کشته شدند. از جمله آن افراد که صلاح دانستند او را شهید کنند، حضرت رضا(ع) است. نکاتی که لازم به تذکر است:

۱- حضرت رضا(ع) در موارد متعددی ذکر کرده که

سفرش به خراسان، قبول ولایتعهدی و ورود به دستگاه مأمون بر ایشان تحمیل شده بود. تشکیل مجلس عزا در مدینه موقع حرکت، گریه های آن بزرگوار در مکه و خدا حافظی با بیت الله قبل از موقع آمدن عمال مأمون، گریه های او کنار قبر جد بزرگوارش و خدا حافظی با او بعد از آمدن آنان، قبول نکردن مکرر ولایتعهدی تا آنکه تهدید می شود و سپس قبول کردن آن مشروط بر اینکه در امور مملکتی هیچ دخالتی نکند، همه مبین این مطلب است که این جریان جبراً به حضرت رضا(ع) تحمیل شده است.

سخنی کوتاه درباره حضرت ثامن الحجج

بهشت زیارت امام رضا(ع)



آیت الله حسین مظاهری

۲- مأمون دستور داده بود که حضرت رضا را از راه فارس به مرو ببرند و سفر ایشان حتی الامکان در شب صورت گیرد. آیا این دستور، خود دلیل بر این نیست که محبت اهل بیت در دلها جایی داشته و مأمون از این که حضرت رضا

وارد شهرهای پر جمعیت و شیعه نشین شود، در هراس بوده است، و یا نمی خواسته که حضرت رضا(ع) در دلها جایی باز کند؟

ممانعت مأمون از برگزاری نماز عید فطر توسط حضرت، احتمال دوم را تأیید می کند.

۳- حضرت رضا از برخوردش با مأمون فوق العاده ناراحت بود، چنان که هر وقت که از نماز جمعه باز می گشت، با حالت خستگی از خداوند متعال طلب مرگ می کرد.

آیا در خلوت حضرت رضا را زجر می دادند؟ آیا اعمال منافقانه روی آن بزرگوار اثر می گذارده است؟ آیا مطلب دیگری بوده؟ نمی دانیم، ولی ناراحتی فوق العاده حضرت رضا(ع) از مسافرت امری مسلم است.

۴- آمدن حضرت رضا علیه السلام به مرو برای اسلام بسیار مفید بود، زیرا طوس برای بیگانگان میدان علم بود و اگر حضرت رضا در طوس نبود، کسی وجود نداشت که شبهات آنان را رفع کند و اگر آن شبهات رفع نمی شد، برای عالم اسلام خطرناک بود.

۵- حضرت رضا(ع) در بین راه به نیشابور رسیدند. نیشابور فوق العاده پر جمعیت و شیعه نشین بوده است. همه مردم به استقبال حضرت رضا(ع) آمدند و می خواستند که آن بزرگوار خود را در میان مردم آشکار کند و برای آنان روایت بگوید. عقل و درایت حکم می کند که حاجت خداوند متعال در آن وضع حساس باید بهترین سوغات را به آنها عنایت کند.

حضرت رضا صبر نمود تا شوق مردم به نهایت رسید، پس از آن سر از هودج بیرون آورد و چنین فرمود: حدثنی ابی موسی الکاظم عن ابیه جعفر بن محمد الصادق عن ابیه محمد الباقر عن ابیه زین العابدین عن ابیه الحسن بن علی بن ابی طالب قال حدثنی رسول الله صلی الله علیه و آله قال حدثنی جبرئیل قال سمعت عن الله تعالی قال کلمه لا اله الا الله حصنی فمن قال لا اله الا الله دخل فی حصنی ومن دخل فی حصنی امن من عذابی! پدرم و او از پدرش تا به رسول اکرم و او از جبرئیل و او از خداوند متعال نقل کرد که خداوند فرموده است: کله لا اله الا الله، قلعه محکم من است و هر که در آن داخل شود، از عذاب من در امان است.

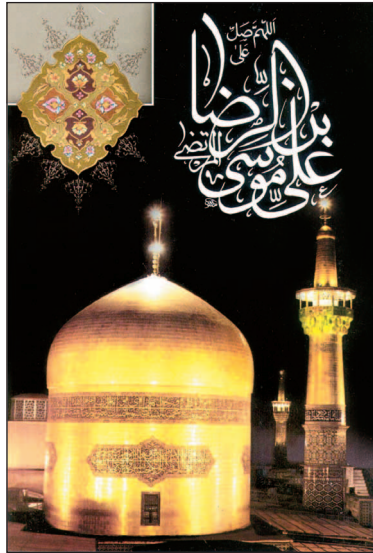
حضرت رضا با جمله شرطها و شروطها همان آیه اکمال و آیه تبلیغ را یاد آوری می کند و می فرماید: شرط اساسی کلمه لا اله الا الله، ولایت است.

چیزی را که باید متوجه باشیم، معنی و حقیقت ولایت است. ولایت از نظر لغت، معانی متعددی دارد و از جمله به معنی دوست هم آمده است همه باید اهل بیت را دوست بدارند، و محبت اهل بیت نعمت بزرگی است، چنانچه بعضی اهل بیت خذلان بزرگی است. سنی و شیعه این روایت را از پیامبر گرامی نقل می کنند که فرمود: الا من مات علی حب آل محمد مات شهیداً الا و من مات علی حب حب آل محمد مات مغفوراً له، الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤثماً مستکمل الا یمان، الا من مات علی بغض آل محمد مات کافراً، الا و من مات علی بغض آل محمد لم

یشم رائحه الجنة.

«آگاه باشید کسی که با محبت آل محمد بمیرد، شهید مرده است. آگاه باشید کسی که با محبت آل محمد بمیرد، آمرزیده است. آگاه باشید کسی که با محبت آل محمد بمیرد، آمرزیده است. آگاه باشید کسی که با محبت آل محمد بمیرد، مؤمن کامل مرده است. آگاه باشید کسی که با بغض آل محمد بمیرد، بوی بهشت به دماغ او نمی رسد.»

و از جمله معانی ولایت، سرپرستی است. کسی که سرپرست دل او علی بن ابی طالب (ع) باشد، ولایت دارد.



کسی که از صفات رذیله مهذب شده باشد، ولایت دارد. کسی که سرپرست دلش طاغوت های برونی و درونی، شیطان های درونی و برونی، هوی ها، هوس ها، آما و آرزوهای بیجا باشد، کسی که هوای او، عقیده شخصی او، خواست او مقدم بر خواست اهل بیت باشد، بی ولایت بلکه بی محبت به اهل بیت است. از این جهت است که امام سجاده (ع) می فرماید: «ولایت و محبت بدون متابعت معنایی ندارد. کسی که خداوند متعال را معصیت کند و با این وصف اظهار محبت خدا کند، اظهار او بیجا است و از عجایب روزگار است.» از این جهت می توان گفت که معنای اول و دوم ولایت به یک معنی می رسد، ولایت اهل بیت ادامه ولایت خداوند متعال است. خداوند متعال می فرماید: ولی الذین آمنوا یخیرهم من الظلمات الی النور... اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ...

«خدا سرپرست افراد مؤمن است. آنان را از تاریکی ها تاریکی کفر و ضلالت تاریکی هوی و هوس، تاریکی صفات رذیله، تاریکی شیطان ها بیرون می برد به سوس نور - نور ایمان، نور خدا، نور صفات خوب، نور ولایت - و سرپرست کافران طاغوت است - طاغوت هوی و هوس، طاغوت درون و برون، طاغوت صفات رذیله - آن طاغوت ها آنان را از نور به تاریکی ها می برند و سرنوشت آنان آتش همیشگی است.»

و این است معنی روایت حضرت رضا(ع) که فرموده است: «کسی که داخل در لا اله الا الله شود، سرپرست دلش الله باشد - عقیده اش، عملش، گفتارش و کردارش، نمایانگر این است که تأثیری در عالم جز از ناحیه الله نیست - و ادامه آن سرپرستی ولایت باشد، در قلعه محکم خداوندی است.» بنابراین باید گفت که حضرت رضا(ع) به یک جمله تمام ایمان، تمام سعادت، تمام قرآن و تمام سنت را عرضه کرده است.

نظیر همین جمله با شرحی که داده شد از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است.

چون آیه شریفه و انذر عشیرتک الاقرین، یعنی: خویشان نزدیک خود را مسنجش کن. «نازل شد، پیامبر (ص) بزرگان قریش را دعوت کرد و فرمود:

«اگر یک جمله بگویید، سعادتمند خواهید شد. بگویید لا اله الا الله و هر که اول بگوید بعد از من وصی من است.» اول کسی که جواب آن حضرت را داد، امیر المؤمنین (ع) بود.

حضرت رسول سه مرتبه کلام خود را تکرار کرد و جز امیر المؤمنین کسی جواب نداد. پیامبر اکرم در همان جلسه فرمودند: «علی، بعد از من وصی و جانشین من است.» این کلام با کلام فرزندش حضرت رضا شباهت دارد.

در خاتمه، قسمتی از قصیده دعل را که در مرو برای حضرت (ع) خوانده است، یادآور می شویم. قصیده بسیار مفصل است و صاحب کشف الغمه همه آن را ضبط نموده است. چند بیتي از آن را اینجا می آوریم. دعل خدمت حضرت رسید و اشعارش را خواند تا بدین جا رسید:

فاطمه لو خلت الحسین مجدلاً

و قد مات عطشانا بشط فرات

ای فاطمه! کاش با حسینت در کربلا بودی، که در کنار نهر فرات تشنه جان داد.

تا اینکه رسید به قبر موسی بن جعفر (ع) در بغداد و چنین گفت:

و قبر ببغداد لنفس زکیه

تضمنها الرحمن فی الغرفات

ای فاطمه! از قبر بیرون آی و گریه کن، برای قبری که در بغداد است قبر نفس پاکي که انوار رحمانی آن را فرا گرفته است.

حضرت رضا فرمود: دعل! من هم شعری می گویم، همین جا آن را درج کن.

و قبر بطوس یا لها من مصیبه

الحت علی الأحشاء بالزفرات

إلی الحشر حتی یبعث الله قائماً

یفرج عنا الغم و الکربات

فاطمه! گریه کن برای قبری که به طوس است. دل او را غصه ها پاره پاره کرده است. این غصه ها ادامه دارد تا روز قیامت، نه بلکه، تا قیام آل محمد که همه غمها و غصه های اهل بیت را می زاید.

دعل می گوید: یابن رسول الله! ما در طوس از شما اهل بیت قبری سراغ نداریم.

حضرت فرمودند: آن قبر من است، زمانی نخواهد گذشت که من در طوس مدفون می شوم. هر که مرا زیارت کند، در بهشت با من است و از این جهان آمرزیده خواهد رفت. دعل ادامه می دهد:

خروج امام لا محاله واقع

یقوم علی اسم الله و البرکات

یمیز فینا کل حق و باطل

و یجزی علی النعماء و النقمات

قیام پیشوا - امام - قطعاً واقع می شود با نام خدا و با فیض و برکات خدایم آید. حق و باطل با وجود او در میان مردم ظاهر می شود و خوبان و بدان به جزای کردارشان خواهند رسید.

چون به اینجا رسید، حضرت رضا بلند شد و برای احترام دست روی سر نهاد و سر فرود آورد، گریه کرد و فرمود: دعل! این امام را می شناسی؟ دعل گفت: می دانم که امامی از شما قیام می کند و به دست او پرچم اسلام روی زمین افراشته می شود و عدالت اسلامی، سر تاسر جهان را می گیرد. فرمود: دعل! امام بعد از من، محمد پسر من است و بعد از او پسرش علی است و بعد از پسرش حسن و بعد از حسن پسر او حجت، قام آل محمد منتظر مطاع است. منتظر است در غیبت، مطاع است وقت ظهور. او است که جهان را از عدالت انباشته می کند، پس از آنکه از ظلم انبوه بود. سپس حضرت صد دینار و یک لباس به دعل عنایت کردند. چون دعل به قم آمد، هر دیناری را از او صد دینار خریدند و هر چه کردند که لباس را به هزار دینار او را بخردند نداد، این چون از قم بیرون رفت، بعضی از اهل قم لباس را به زور از او گرفتند.

در خاتمه اشاره ای به حضرت معصومه سلام الله علیها می کنیم: بانویی که شان و مقامی عالی نزد خدای متعال دارد. بانویی که دختر امام، خواهر امام و عمه امام است. بانویی که برکات حوزه علمیه قم از گذشته تا به حال، به واسطه وجود مکرمه او است. بانویی که حضرت رضا (ع) دربار هاش فرموده است: «هر که او را زیارت کند، بهشت برای او واجب است.»

این بانو در سسال ۱۸۳ هجری متولد شد، و چون برادر بزرگوارش به مرو برده شد، برای زیارت برادر از مدینه حرکت نمود. و چون به قم رسید، بیمار شد. چند روزی بیمار بود تا سرانجام در قم از دنیا رفت. سال وفات ایشان ۲۰۱ هجرت است. پس سن مبارک ایشان تقریباً هجده سال است. در زیر گنبد آن بانوی محترمه چند نفر از دختران و نوه های امام جواد (ع) مدفونند. از بزرگان و کمیلین و اصحاب ائمه طاهرين عليهم السلام در قم، فراوان مدفون شده اند.

امروز در تاریخ

نبوغ نظامی بهرام چوبین

۲۸ نوامبر سال ۵۸۸ میلادی، ارتش ایران در جنگ با خاقان «شابه» در بلخ از سلاح تازه‌ای که در آن نفت خام به کار رفته بود استفاده کرد. در این جنگ ژنرال بهرام مهران معروف به بهرام چوبین فرماندهی ارتش ایران را بر عهده داشت که در تاریخ نظامی جهان از او به عنوان یک نابغه رزم نام برده‌اند.

«هرمز چهارم» شاه وقت از دودمان ساسانیان، وقتی شنید که خاقان اقوام آلتانیک وارد اراضی ایران در شمال شرقی خراسان و عازم تصرف کابل و بادغیس است ژنرالهای ایران را به تشکیل جلسه ای در شهر تیسفون پایتخت آن زمان ایران فراخواند و تصمیم خود را به اخراج خاقان از قلمرو ایران به آنان اطلاع داد و خواست که ترتیب کار را بدهند. هرمز گفت که طبق آخرین اطلاع، «خاقان شابه» دارای ۳۰۰ هزار مرد مسلح و چند واحد فیل جنگی است.

ژنرال هاپس از تبادل نظر، بهرام چوبین را برای انجام این کار خطیر برگزیدند و او از میان ارتش پانصد هزار نفری ایران، ۱۲ هزار مرد جنگیده ۳۰ تا ۴۰ ساله (میانسال) را برگزید که بیش از سایرین قادر به تحمل سختی بودند. بهرام به جای انتخاب راه معمولی، از تیسفون به اهواز رفت و سپس از طریق یزد و کویر خود را به خراسان رساند به گونه ای که خاقان متوجه نشد. بهرام هر دو روز یک بار سربازان را جمع می کرد و برای آنان از اهمیت وطن دوستی سخن می گفت و آنان را امید ایرانیان می خواند.

خاقان زمانی از این لشکر کشی آگاه شد که بهرام تنها چهار روز تا بلخ فاصله داشت، و چون شنید که بهرام با کمتر از ۱۳ هزار نفر آمده است چندان نگران نشد. بهرام به واحدهای آتشبار (نفت اندازان) توصیه کرد که حمله را با پر تاب پیکان های شعله ور آغاز کنند و ادامه دهند تا آرایش سپاهیان خاقان بر هم خورد و به سواران کماندار گفت که همزمان با حمله نفت اندازان باتیر چشم فیل هارا هدف قرار دهند، و در این جریان، خود با دو هزار سوار زبده قرارگاه خاقان را مورد حمله قرار داد. خاقان که انتظار حمله مستقیم به مقر خود را نداشت دست به فرار زد که کشته شد، سپاه عظیم او متلاشی گردید و جنگ فقط یک روز طول کشید که از شگفتی های تاریخ نظامی جهان است.

www.iranianshistoryonthistoday.com

قاب امروز



مسجد النبی - عکاس محمد صادق حیدری - مهر

سرایه

رسید حضرت روح الامین و بر سر زد
کشید صیحه ز دل، گفت: بوی جان گم شد
نشست بغض خدا در گلو ی ابراهیم
شبی که کعبه جان قبله جهان گم شد
غرور کعبه از این داغ ناگهان پاشید
نماز و قیله و سجاده و اذان گم شد
«ستاره ای بدرخشید و...» تسلیت ای عشق!
ز چشم زخم شب فتنه، ناگهان گم شد
به عزم وصف تو دل تا که از میان برخاست
قلم به واژه فرو رفت و ناگهان گم شد
به هفت شهر جمشال تو ای دلیل عشق!
شنبه حضرت عطار، می توان گم شد
به زیر تیغ غمت، در گلوی مجنونم
ز شوق وصل تو، فریاد «الامان» گم شد
از آن دمی که دلم خوش نشین داغت شد
به مرگ خنده زد و از غم جهان گم شد
رضا اسماعیلی

شبی که نور زلال تو در جهان گم شد
سپیده جامه سیاه کرد و ناگهان گم شد
ستاره خنود شد و از چشم آسمان افتاد
فلک ز جلوه فرو ماند و کیهان گم شد
به باغ سبز فلک، مهر و ماه پژمردند
زمین به سر زد و لبخند آسمان گم شد
دوباره شب شد و در ازدحام تاریکی
صدای روشن خورشید مهربان گم شد
پس از تو، پرسش رفتن بدون پاسخ ماند
به ذهن جاده، تکاپوی کاروان گم شد
بهار، صید خزان گشت و باغ گل پژمرد
شبی که خنده شیرین باغبان گم شد
ترانه از لب معصوم «پاکریم» افتاد
نسیم معجزه گل، ز بوستان گم شد
شکست قلب صبور فرشتگان از غم
شبی که قبله توحید عاشقان گم شد

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

۴۲۹۴

بقعه‌ای در دامغان	کاری که دو نتیجه یا دو فایده دارد	فریاد بر فراخجوبانه راه بی‌پایان	ن	اندک از مرکبات	پناهگاه شهری در ایلام	شهر استان خوزستان
پ						
					میان زمین و آسمان	
					درف بیست و پنجم	
نوعی تنگ		کلیم				
آب ویرانگر		پرچم				
		پسوند شباهت شکاف			هزینه	
		گرانمایه				
		خمیازه				
					لطیف	
		پارسیایی از سازه‌های زهی			به غیر از	
عدد قرن		کار	۱			
تکرار حرف سیام		نستجیده!				
گوش فرا دادن						
سبزی خوردنی						
از حروف مقطعه قرآن سخن گوشتدار						
کی						

حل

۴۲۹۳

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۷ آذرماه ۱۳۵۵ (برابر با ۶ ذیحجه ۱۳۹۶، ۲۸ نوامبر ۱۹۷۶) نقل شده است.

استخدام جدید دولتی محدود میشود

استخدام سازمان‌های دولتی در سال آینده در بسیاری از مشاغل منحصراً بصورت جایگزین کردن کارمندان امکان‌پذیر خواهد بود و ادارات دولتی مکلف خواهند شد با استثنای بعضی از مشاغل تخصصی کادر طرجهای جدید سایر کارمندان مورد احتیاج را فقط در برابر بازنشسته شدن دیگر کارمندان تأمین کنند.

امروز همچنین گفته شد همزمان با آغاز مطالعات وسیعی که پیرامون حذف هزینه غیر ضروری سازمان‌های دولتی شروع شده است مطالعاتی نیز در مورد صرفه جویی در اعتبارات استخدام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی جریان دارد که نتایج این مطالعات در پیش‌بینی اعتبارات مربوط به سال آینده سازمانهای دولتی منظور خواهد شد.

ساختمان‌های تخریبی را خریداری نکنید

شهردار پایتخت امروز رسماً از کلیه ساکنان تهران خواست بهنگام خرید یا اجاره هر محل به پروانه ساختمانی آن کاملاً توجه کنند تا ساختمانی که خریداری میکنند توسط مأموران شهر داری تخریب نشود. شهردار پایتخت خاطر نشان ساخت تا بحال بارها دیده شده به خاطر عدم توجه خریداران امکان، پروانه ساختمان جهت سکونت صادر شده است، ولی عده‌ای با خیال اینکه در آن محل احداث دفتر کار و کسب و یا هر گونه عمل تجاری آزاد است اقدام به خرید این اماکن کرده‌اند بدون اینکه شهر داری رادر جریان امر قرار دهند.

بودجه امسال ۵۰۰ میلیارد ریال اضافه شد

اضافه اعتبارات مربوط به بودجه سال ۱۳۵۵ وزارتخانه‌های امور خارجه، امور اقتصادی و دارائی - کشاورزی و منابع طبیعی، نیرو، صنایع و معادن، راه و ترابری، پست و تلگراف و تلفن و همچنین سازمانهای هواپیمائی کشوری و رادیو و تلویزیون ملی ایران از تصویب کمیسیونهای بودجه مجلسین گذشت و باین وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی ابلاغ شد. مجموع اعتبارات فوق پنج میلیارد و ۴۸۸ میلیون و ۱۶۰ هزار ریال میباشد که با افزودن این رقم اعتبارات مصوب امسال، مجموع بودجه سال ۲۵۳۵ کل کشور به بیش از سه هزار و ۱۱۰ میلیارد و ۶۸۸ میلیون ریال بالغ خواهد گردید.

۲۵ هزار نفر داوطلب ورود دیدانگاهها

یک مقام آگاه در سازمان سنجش آموزش کشور امروز گفت: بر اساس شمارش کارت‌های پذیرش ارسالی برای ثبت نام و پذیرش دانشگاهها در نیمسال دوم تحصیلی ۱۳۵۵-۵۶ تاکنون بیش از ۱۵ هزار نفر داوطلب مدارک خود را به این سازمان ارسال داشته‌اند و با توجه به میزان نهائی مؤسسات آموزشی که در حدود ۷ هزار نفر است احتمال می‌رود تعداد داوطلبان از رقم ۲۵ هزار نفر تجاوز کند.

۷۰۰ میلیون ریال در تهران پارکینگ ساخته میشود

شهرداری پایتخت، برای احداث پارکینگ‌هایی که رأساً در تهران خواهد ساخت از سازمان برنامه و بودجه ۷۰۰ میلیون تومان اعتبار خاست.

به گفته مقام‌های آگاه و سازمان برنامه و بودجه، با ۴۰ میلیون تومان از اعتبار درخواستی شهرداری تهران در بودجه سال آینده موافقت کرده است، در حال حاضر شهرداری علاوه بر احداث پارکینگ‌های جدید، به توسعه پارکینگ‌های موجود نیز پرداخته است.

کلیه اراضی موات کشور بنام دولت ثبت شد

امروز کسب اطلاع شد بیش از ۸ میلیون و ۲۷۸ هزار متر زمین در نقاط مختلف کشور ظرف دو روز اخیر بنام دولت به ثبت رسید و سند مالکیت آن تحویل گردید.

تنها دو بیست و ۹۰ هزار متر از این اراضی در شمیران قرار دارد که قیمت آن سر به ۵۸۰ میلیون تومان می‌زند و بزرگترین قطعه‌ای که دیروز سند آن بنام دولت صادر گردید در اطراف گرمسار قرار دارد و ۶ میلیون و ۷۹۲ هزار و ۵۰۰ متر مربع وسعت آن است.

قطعه دیگر این اراضی ۵۹۵ هزار و ۲۲۲ متر مربع است که در بخش یک اراک در داخل محدوده شهر قرار دارد و سند آن از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک به سازمان زمین صادر شده است قطعه‌ای که در ولنجک شمیران بنام دولت ثبت شده ۲۸۰ هزار متر است.

حل ۱۷۸۰

۸	۴	۵	۲	۶	۹	۳	۱	۷
۳	۱	۷	۸	۴	۵	۲	۶	۹
۲	۶	۹	۳	۱	۷	۸	۴	۵
۵	۸	۴	۹	۷	۲	۶	۳	۱
۶	۲	۳	۵	۸	۱	۹	۷	۴
۹	۷	۱	۴	۳	۶	۵	۸	۲
۱	۵	۸	۶	۹	۴	۷	۲	۳
۴	۳	۲	۷	۵	۸	۱	۹	۶
۷	۹	۶	۱	۲	۳	۴	۵	۸